

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وضعیت و تحولات بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی

در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

گروه پژوهشی توسعه امور بخشی و محیط زیست

مجموعه گزارش ۴۸

شناسه گزارش

عنوان	تحولات و وضعیت بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵
کد شناسه	۹۸-۱۰-۱۰۸۷
گروه پژوهشی	توسعه امور بخشی و محیط زیست
پدیدآورنده	محمد جواد محسنی‌نیا - حسین حسینی
همکاران	-
مشاور علمی	دکتر فرهاد دژپسند
ناظر علمی	دکتر فتح‌اله آقاسی‌زاده
صفحه آرایی و ویراستاری	محمدسعید حسن پورزرکامی
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ انتشار	اردیبهشت ۱۳۹۸
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نمی‌باشد.	
حقوق معنوی اثر متعلق به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر ماخذ بلامانع خواهد بود.	
آدرس: تهران - میدان بهارستان - خیابان صفی‌علی‌شاه کد پستی : ۱۱۴۹۹۴۳۱۴۱	
https://www.dfrc.ir/ Email : info@dfrc.ir	

پیشگفتار

مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، پژوهش در حوزه‌های کلیدی و موضوعات اساسی مرتبط با راهبری توسعه کشور را رسالت و وظیفه ذاتی خود دانسته و از این‌رو در آستانه **چهل سالگی انقلاب اسلامی**، مطالعاتی را برای تهیه گزارش‌هایی در برگیرنده دستاوردها و چالش‌های کشور آغاز نمود. در همین راستا، چند قلمرو خاص مورد توجه قرار گرفت و محققان صاحب صلاحیتی برای تهیه این گزارش‌ها انتخاب شدند، گزارش حاضر با عنوان وضعیت ایران در خصوص **وضعیت و تحولات بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵**، از جمله آن گزارشات بوده که نهایی و آماده تقدیم به مخاطبین شده است.

امید است در نتیجه نشر و تأمل در نتایج و یافته‌های پژوهشی چنین گزارش‌هایی، روند حرکت به سمت توسعه و تعالی ایران، پرشتاب‌تر گردیده و آینده بهتری برای کشور رقم زده شود. مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، مراتب سپاس و قدردانی خود را از تلاش مشترک آقایان دکتر فرهاد دژپسند، رئیس سابق مرکز، دکتر آقاسی‌زاده، سرپرست و ناظر علمی مطالعات و همچنین آقایان محمد جواد محسنی‌نیا و حسین حسینی که پژوهش را به انجام رسانده‌اند و سایر عزیزانی که در جهت آماده‌سازی و نشر این اثر همت نموده‌اند اعلام می‌دارد و برای این عزیزان، موفقیت مستدام آرزو دارد.

علیرضا آزموده اردلان

سرپرست مرکز

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	بخش اول ، تحول وضع سواد و تحصیل در طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۹۵
۳	۱-۱- تحول میزان باسوادی
۴	۱-۱-۱- باسوادی مناطق شهری و روستایی
۵	۱-۱-۲- باسوادی زنان
۶	۱-۱-۳- باسوادی مردان
۷	۲-۱- تحول وضع جمعیت بی سواد کشور
۹	۳-۱- میانگین سالهای تحصیل جمعیت ۶ ساله و بالاتر و تغییرات آن
۹	۱-۳-۱- میانگین سالهای تحصیل
۱۰	۱-۳-۲- سطح تحصیلات جمعیت ۶ ساله و بالاتر
۱۲	۱-۳-۳- هرم جمعیت بر حسب تحصیلات
۱۶	بخش دوم، تحول وضع آموزش و پرورش در طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۹۵
۱۶	۱-۲- تحول وضع دانش آموزان
۱۹	۱-۲-۱- دانش آموز شهری و روستایی
۲۱	۱-۲-۲- دانش آموزان دختر و پسر
۲۴	۲-۲- پوشش تحصیلی و بچه های بیرون از مدرسه
۲۴	۱-۲-۲- پوشش دوره های تحصیلی
۲۸	۲-۲-۲- بچه های بیرون از مدرسه
۳۱	۳-۲- وضع فضاهای آموزشی
۳۲	۴-۲- تحول وضع کارکنان و معلمان
۳۲	۱-۴-۲- کارکنان
۳۲	۲-۴-۲- معلمان
۳۵	۳-۴-۲- نسبت دانش آموز به معلم
۳۶	بخش سوم، تحول آموزش عالی در طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۹۵

۳۶	۱-۳- تحول وضع دانشجویان
۳۷	۱-۱-۳- دانشجویان بر حسب سطوح تحصیلی
۳۸	۲-۱-۳- دانشجویان بر حسب گروه‌های تحصیلی
۴۰	۳-۱-۳- دانشجویان بر حسب جنسیت
۴۲	۲-۳- وضع مراکز آموزش عالی و تغییرات آن در چهل سال گذشته
۴۲	۱-۲-۳- مراکز آموزش عالی در استان‌ها
۴۸	۳-۳- وضع اعضای هیات علمی
۴۸	۱-۳-۳- اعضای هیات علمی بر حسب جنسیت
۴۹	۲-۳-۳- اعضای هیات علمی بر حسب مراتب علمی
۵۱	۴-۳- نسبت دانشجو به هیأت علمی
۵۳	منابع
۵۵	جداول پیوست

مقدمه

آموزش با بالاترین میزان بازدهی خصوصی و اجتماعی در تمامی جوامع دارای اهمیت فراوانی است. امروزه همه معتقدند که سرمایه‌گذاری روی آموزش به عنوان نوعی سرمایه‌گذاری با اولویت تلقی می‌شود و بیشتر اقتصاددانان بر این باورند که سرمایه و منابع انسانی، مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین سرمایه‌ها را ایجاد می‌کند و استمرار رشد و توسعه هر کشور را فراهم می‌کند.

آموزش متغیر کلیدی سرمایه‌گذاری است که بر نظم و اخلاق اجتماعی اثر می‌گذارد و برای حفظ آزادی فردی و تقویت دوراندیشی در افراد ضروری است. آموزش می‌تواند در رفتارها و کردارها اثر کرده و میان رشد جمعیت و امکانات تعادل برقرار سازد. به طور کلی آموزش بهترین وسیله برای بهبود شرایط زندگی و تأمین رفاه اجتماعی می‌باشد.

آموزش با عملکردهای فردی و اجتماعی ابزار مهمی در تولید ثروت و تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور است. آموزش استعدادها را آشکار ساخته و آثار غیر مستقیم آن موجب ظهور و پرورش نبوغ، خلاقیت و نوآوری در یک جامعه می‌شود. بنا به گفته فردریک لیست، "آموزش همان چیزی است که قدرت تولیدی نسل‌های جوان را تأمین و تقویت می‌نماید"^۱.

بطور کلی آموزش و پرورش کیفی و هدف‌دار که به نوعی برای تشکیل سرمایه انسانی ضروری است، دارای پیامدهای آشکار و پنهان است و تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر روی کمیت و کیفیت رشد و توسعه دارد که می‌توان به برخی از این پیامدها و نتایج به شرح زیر اشاره کرد:

۱- سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش، رشد اقتصادی بالاتری را فراهم خواهد ساخت و رشد بالاتر باید توجه جدی‌تر و همه‌جانبه‌تری را برای آموزش بهتر و بیشتر سرلوحه کار خود قرار دهد.

۲- برای از بین بردن فقر در یک جامعه باید آموزش را نقطه شروع قلمداد کرد، زیرا آموزش بیشتر، فقر کمتر و آموزش کمتر، فقر بیشتر را به دنبال خواهد داشت.

^۱ - محمد ستاری فر (۱۳۷۴) - درآمدی بر سرمایه و توسعه - صفحات ۱۹۰-۱۹۱

۳- اگر بنا بر این باشد که عدالت اجتماعی سرلوحه و یکی از اهداف مدل رشد و توسعه قرار گیرد، تحقق آن در گرو بسط و گسترش آموزش کیفی و هدفدار قرار دارد.

۴- در فرآیند توسعه، نرخ افزایش سرمایه انسانی بالاتر از شاخص مشابه سرمایه‌های فیزیکی است که قابلیت احیاء دارند.

۵- سرمایه انسانی، بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری سرمایه فیزیکی را به طور همزمان افزایش می‌دهد.

۶- در جوامعی که از آموزش بالاتری برخوردارند، بهره‌وری اقتصاد بالاتر از جوامعی است که از آموزش پایین‌تری برخوردارند.

۷- سرمایه‌گذاری در آموزش، منجر به ایجاد یک محیط اجتماعی رشد یافته می‌شود.

با چنین دیدگاهی بر نقش و اهمیت و جایگاه آموزش و پرورش است که باید گفت: بدون توجه به آموزش و مسائل آن نمی‌توان به موفقیت‌چندانی دست یافت و به عبارتی پیشرفت و توسعه، نیازمند انسان‌های توسعه یافته است که انسان‌های توسعه‌یافته نیز از رهگذر آموزش هدفمند و پویا و فراگیر فراهم می‌گردند.

با چنین نگرشی در صدد آنیم که در یک گزارش اجمالی تغییر و تحولات آموزشی کشور را در طی یک دوره چهل ساله از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۹۵ به تصویر درآورده، دستاوردها حاصله با استفاده از تغییرات متغیره‌ها و شاخص‌های کلیدی بخش آموزش ارائه و برخی چالش‌های موجود اشاره گردد.

این گزارش در سه بخش تهیه و تنظیم شده است. در بخش اول به ارائه تصویر روشنی از تغییر و تحولات وضع سواد و تحصیل پرداخته شده است و شاخص‌هایی از قبیل نرخ باسوادی، تعداد بی‌سوادان در کشور، میانگین سال‌های تحصیل در بین جمعیت ۶ ساله و بیشتر و درصد تحصیل‌کردگان در سطوح مختلف تحصیلی در طی این دوره مورد توجه قرار گرفته است. در بخش دوم تحولات آموزش و پرورش ایران در طی چهل سال اخیر از جنبه‌هایی همچون تغییر و تحول دانش‌آموزان بین سطوح تحصیلی، بین جمعیت دختران و پسران و در مناطق شهری و روستایی و شاخص‌های مربوطه از یک طرف و تغییرات ایجاد فضای آموزشی در طی این دوره چهل ساله و بالاخره تغییر و تحول در وضع کارکنان و معلمان و تغییرات سهم معلمان از کارکنان به تصویر کشیده می‌شود. در بخش سوم گزارش آموزش عالی و تحولات آن در طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۵ از جنبه‌های وضع دانشجویان، مراکز آموزش عالی و تحولات وضع اعضای هیأت علمی و شاخص‌های مربوطه ارائه شده و در پایان به چالش‌های پیش رو اشاره شده است.

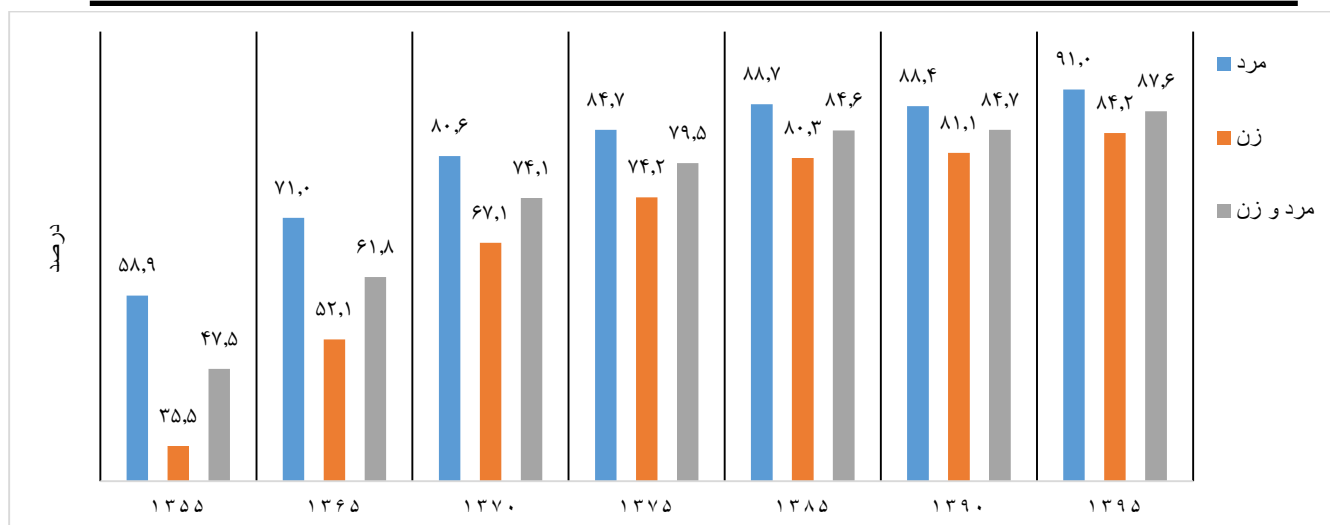
۱- بخش اول ، تحول وضع سواد و تحصیل در طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۹۵

پس از چهار دهه از انقلاب اسلامی، مسائل مربوط به سواد و تحصیل همچنان یکی از مهمترین مسائل پیش روی جامعه ایران محسوب می‌گردد. برای درک درستی از تغییرات و وضعیت حال حاضر کشور در این زمینه، باید شاخص‌هایی از قبیل نرخ باسوادی، تعداد جمعیت بی‌سواد و میانگین سال‌های تحصیل را در جمعیت ۶ساله و بیشتر مورد توجه قرار داد. در ادامه تغییرات نرخ باسوادی، تعداد افراد بی‌سواد و میانگین سال‌های تحصیل در طی این دوره بررسی خواهد شد.

۱-۱- تحول میزان باسوادی

بعد از انقلاب اسلامی، تلاش‌های چشمگیری در حوزه‌های آموزش کودکان و بزرگسالان برای از بین بردن بی‌سوادی صورت گرفت. تلاش‌هایی از جمله توسعه زیرساخت‌های فیزیکی آموزش، کاهش تراکم دانش‌آموز در کلاس و افزایش سطح تحصیلی معلمان منجر به افزایش کمیت و کیفیت آموزش عمومی برای کودکان شد. همچنین تلاش‌های صورت گرفته در راستای آموزش جوانان و بزرگسالانی که فرصت حضور در مدرسه را از دست داده‌اند، نرخ باسوادی را در گروه‌های سنی بیشتر از ۶ سال افزایش داد.

نرخ باسوادی جمعیت ۶ سال و بیشتر در طی این دوره به طرز چشمگیری افزایش یافت، به طوری که علیرغم افزایش جمعیت از ۳۳,۷ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به ۸۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵، تعداد افراد بی‌سواد از ۱۴,۷ میلیون نفر به ۸,۸ میلیون نفر و نرخ باسوادی از ۴۷,۵ به ۸۷,۶ درصد افزایش یافت. علاوه بر کاهش جمعیت بی‌سواد، شکاف جنسیتی از ۲۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است و کاهش شکاف در میان جمعیت ساکن در مناطق روستایی و شهری نیز از ۲۸,۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۲ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. نمودار ۱-۱ نرخ باسوادی را در جمعیت ۶ سال و بیشتر در طی چهار دهه اخیر نشان می‌دهد.



نمودار ۱-۱: نرخ باسوادی در جمعیت ۶ سال و بیشتر (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

(ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سالهای مربوطه و محاسبات تحقیق)

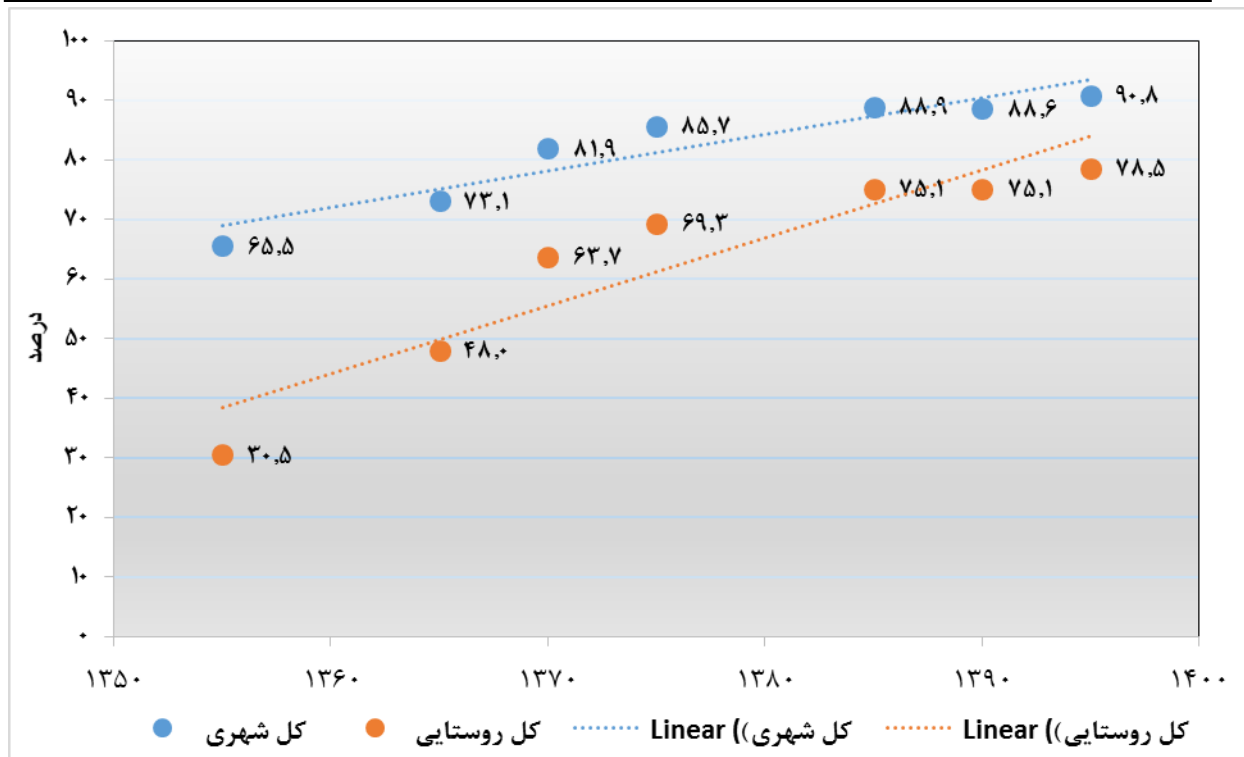
۱-۱-۱-۱- باسوادی مناطق شهری و روستایی

علاوه بر افزایش نرخ باسوادی، شکاف این نرخ نیز از منظر جنسیت و محل سکونت در طول این دوران کاهش قابل ملاحظه‌ای یافت. بررسی ترکیب جمعیت از منظر محل سکونت نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۵ شکاف بسیار عمیقی در جمعیت ساکن مناطق روستایی و شهری مشاهده می‌شد. این شکاف در طی چهل سال کاهش یافته و نرخ باسوادی در مناطق روستایی با رشد بیشتر به نرخ مناطق شهری نزدیک شده است. نمودار ۱-۲ و جدول ۱-۱ نرخ باسوادی در جمعیت شهری و روستایی را نشان می‌دهد.

جدول ۱-۱: میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
کل	۱۵,۱	۲۹,۴	۴۷,۵	۶۱,۸	۷۴,۱	۷۹,۵	۸۴,۶	۸۴,۷	۸۷,۶
شهری	۳۴,۶	۵۰,۴	۶۵,۵	۷۳,۱	۸۱,۹	۸۵,۷	۸۸,۹	۸۸,۶	۹۰,۸
روستایی	۶,۱	۱۵,۱	۳۰,۵	۴۸	۶۳,۷	۶۹,۳	۷۵,۱	۷۵,۱	۷۸,۵۲

ماخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ و آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰

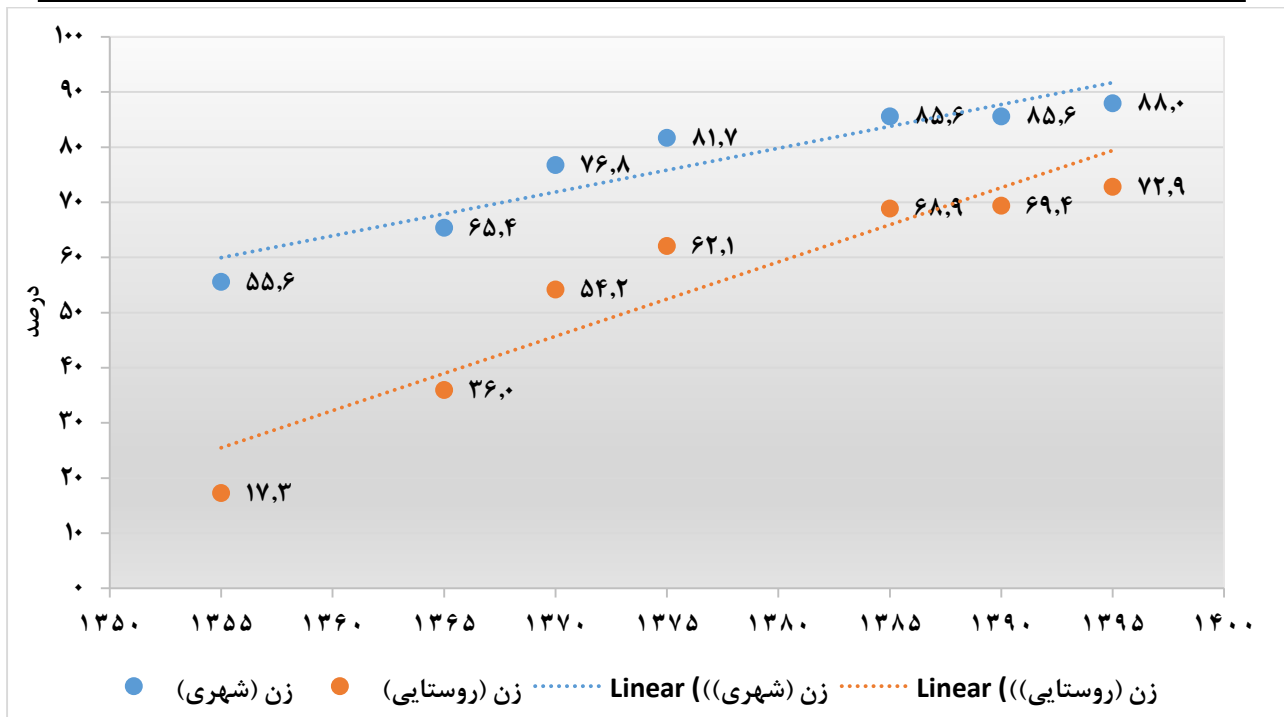


نمودار ۱-۲: نرخ باسوادی در جمعیت شهری و روستایی - (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

(ماخذ محاسبات تحقیق)

۱-۱-۲- باسوادی زنان

در حال حاضر آموزش زنان و افزایش نرخ باسوادی آنها، یکی از معیارهای توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورها به شمار می‌رود. بررسی نرخ باسوادی در میان زنان ساکن در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۵ نرخ باسوادی در میان زنان ساکن در مناطق روستایی به نسبت زنان ساکن در مناطق شهری، بسیار پایین بوده است. در طی دوره مورد بررسی نرخ باسوادی زنان در مناطق روستایی و شهری از ۱۷.۳ و ۵۵.۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ترتیب، به ۷۲.۸۵ و ۸۸ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. همانطور که مشاهده می‌شود شکاف سواد در میان زنان در شهر و روستا در سال ۱۳۵۵ معادل ۳۸ درصد به کمتر از ۱۶ درصد کاهش چشمگیر یافته است. علاوه بر سیاست‌های مربوط به آموزش بزرگسالان، تغییرات فرهنگی نیز در رابطه با رشد بالای نرخ باسوادی زنان در مناطق روستایی، نقش بسزایی داشته است. نمودار ۱-۳ نرخ باسوادی زنان شهری و روستایی را در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد.

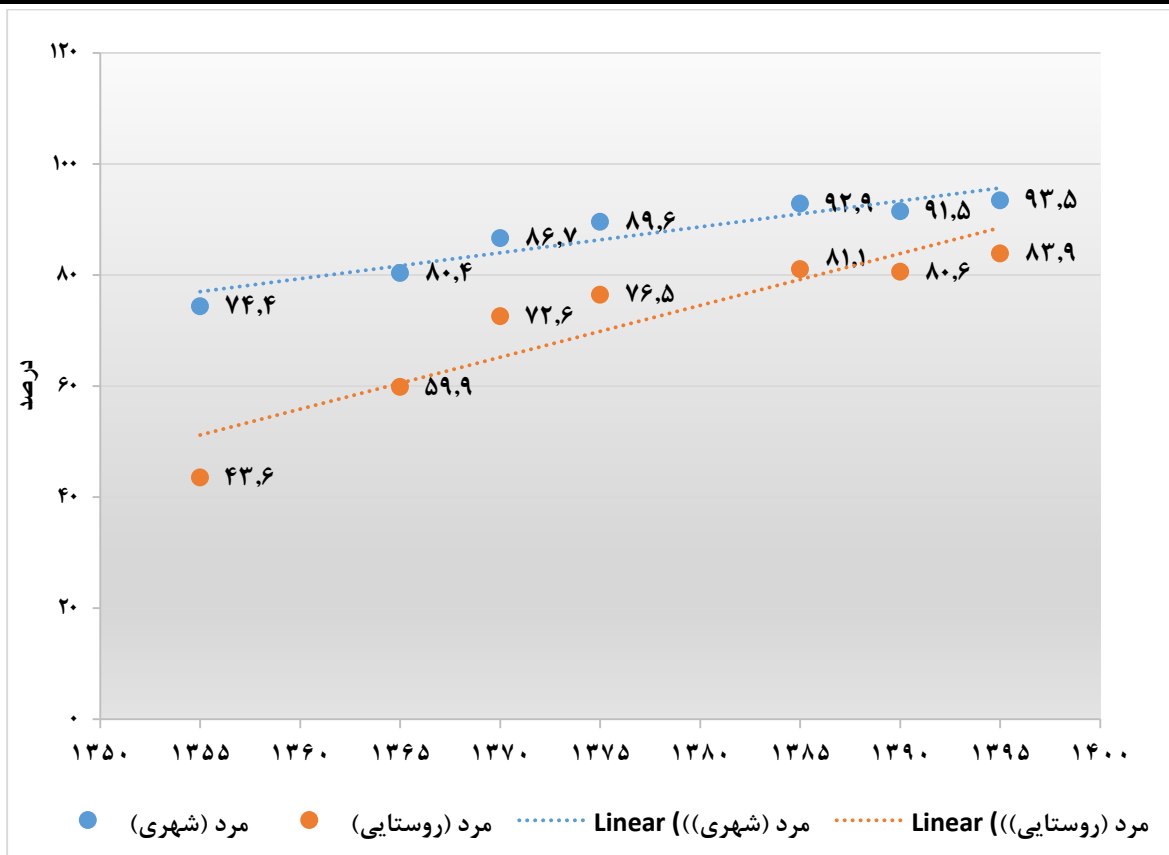


نمودار ۳-۱: نرخ باسوادی در زنان ساکن در مناطق شهری و روستایی - (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۱-۱-۳- باسوادی مردان

نرخ باسوادی در میان مردان روستایی و شهری نیز افزایش یافته است. به طور کلی همواره نرخ باسوادی مردان بالاتر از زنان بوده است. همچنین شکاف بین مردان ساکن در مناطق روستایی و شهری در مقایسه با زنان کمتر است. به طوریکه این شکاف در سال ۱۳۵۵ نزدیک ۳۰ درصد بوده اما در سال ۱۳۹۵ به کمتر ۱۰ درصد می‌رسد. نمودار ۴-۱ نرخ باسوادی مردان ساکن در مناطق روستایی و شهری را در طی بازه ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.



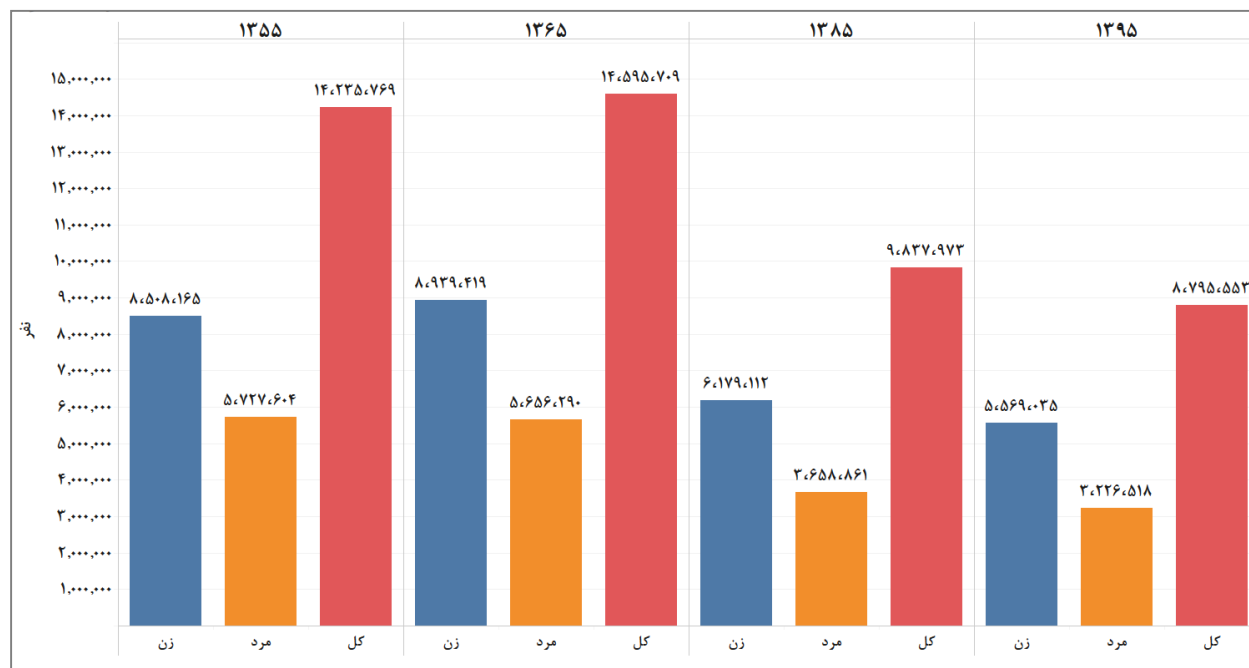
نمودار ۴-۱: نرخ با سواد در مردان ساکن در مناطق شهری و روستایی - (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

ماخذ: محاسبات تحقیق

با مروری بر نرخ باسواد در مناطق مختلف و در بین زنان و مردان مشاهده می‌شود که نرخ باسواد، هم بر حسب جنسیت افراد و هم بر حسب محل سکونت افراد افزایش یافته است. همواره شکاف نرخ با سواد بر حسب محل سکونت در میان زنان بیشتر از مردان بوده است (در حال حاضر این شکاف برای زنان ۱۷ درصد و برای مردان حدود ۱۰ درصد است).

۱-۲- تحول وضع جمعیت بی‌سواد کشور

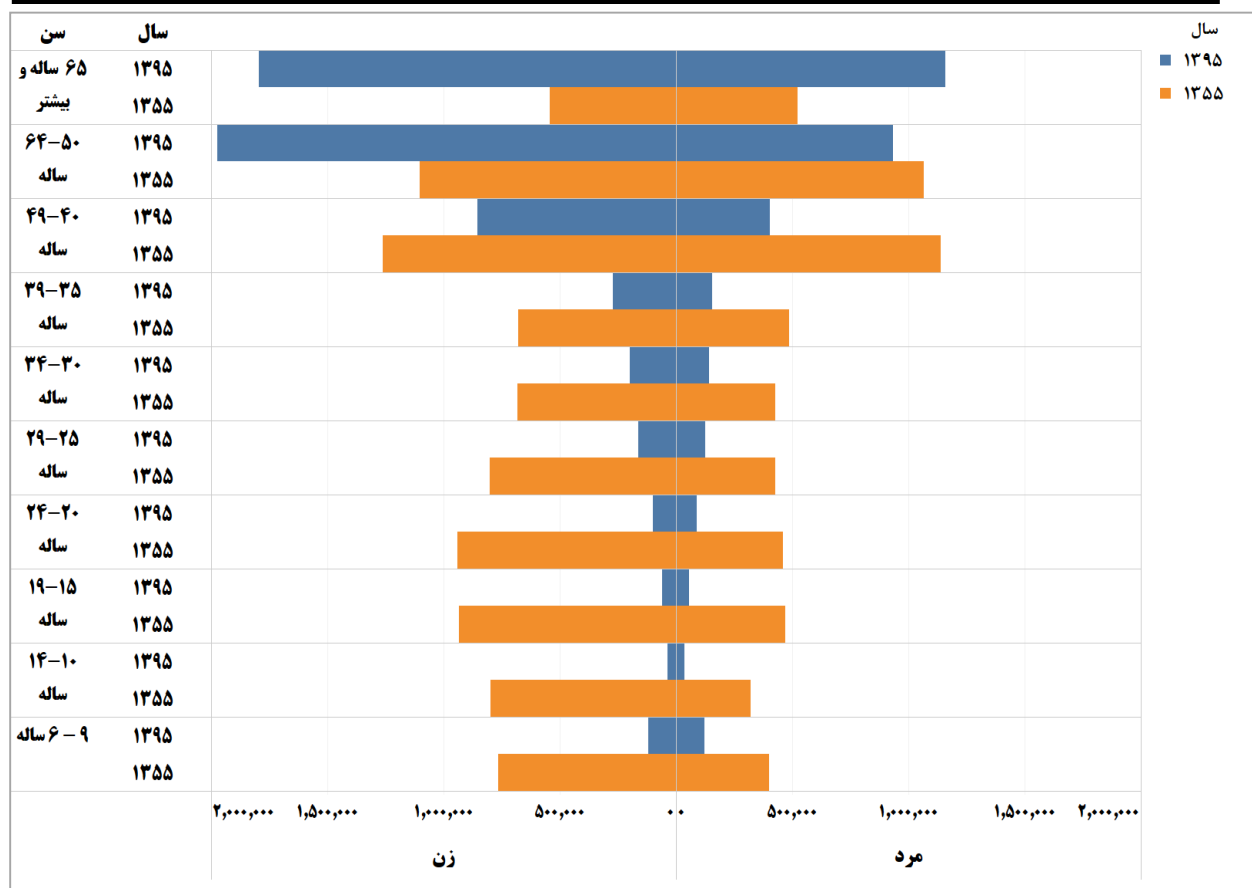
همانطور که عنوان شد نرخ بی‌سواد در دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ کاهش قابل ملاحظه‌ای یافت. مادامی که کاهش نرخ بی‌سواد و افزایش جمعیت با کاهش تعداد افراد بی‌سواد همراه باشد، تلاش‌های صورت‌گرفته در این موضوع بیشتر نمایان می‌گردد. در سال ۱۳۵۵ تعداد بی‌سوادان کشور در حدود ۱۴,۲ میلیون بوده و با افزایش سریع و بالای رشد جمعیت در دهه اول انقلاب تعداد بی‌سوادان در سال ۱۳۶۵ به ۱۴,۵ میلیون افزایش می‌یابد اما با تلاش‌های گسترده آموزش و پرورش و نهضت سواد آموزی روند کاهنده تعداد بی‌سوادان شروع می‌شود و تا سال ۱۳۹۵ به حدود ۸,۸ میلیون نفر رسیده است. نمودار ۱-۵ تعداد افراد بی‌سواد طی بازه زمانی مزبور را نشان می‌دهد.



نمودار ۱-۵: تعداد افراد بی‌سواد طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

با بررسی دقیق‌تر ساختار سنی و جنسیتی افراد بی‌سواد این موضوع مشخص می‌شود که عملکرد کشور در حوزه آموزش کودکان و جلوگیری از باز ماندن کودکان از تحصیل به نحو مطلوبی بهبود یافته است. نمودار ۱-۶، هرم جمعیتی افراد بی‌سواد در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد با وجود رشد ۱۳۷ درصدی جمعیت در این دوره، تعداد افراد بی‌سواد کاهش یافته و این روند که از اوایل انقلاب آغاز شد، همچنان ادامه دارد. در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ تعداد افراد بی‌سواد در تمام گروه‌های سنی پایین‌تر از ۴۰ سال کاهش یافته است. این کاهش جمعیت، در بزرگسالان زن بیشتر از جمعیت مرد بوده است. علیرغم کاهش افراد بی‌سواد در گروه‌های سنی ۶-۱۴ سال، تداوم وجود افراد بی‌سواد در این گروه سنی نمایانگر این است که همچنان بخشی از جمعیت کودک و نوجوان از تحصیل باز می‌مانند. از طرف دیگر، جمعیت بی‌سواد در سنین بالای ۵۰ سال افزایش یافته است. مسائلی از قبیل انگیزه پایین، فقر مالی، خصوصیات فرهنگی-اجتماعی، عدم تسلط به زبان فارسی، مشغله کاری و احساس ناتوانی در یادگیری مطالب از عمده دلایل افزایش بی‌سوادی در گروه‌های سنی بالا بوده است (حکیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴).



نمودار ۱-۶: هرم سنی افراد بی سواد در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۵۵

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

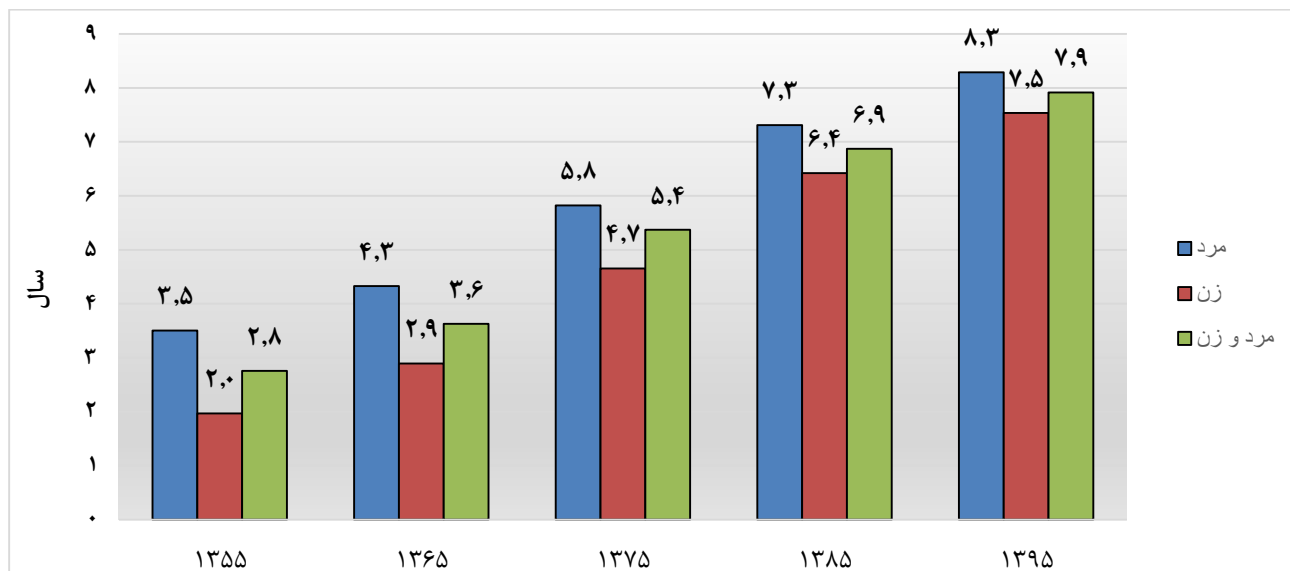
بررسی ترکیب جمعیت بی‌سواد از منظر جنسیت نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۵، شکاف بسیار عمیقی میان مردان و زنان وجود داشت، به طوری که از جمعیت ۱۳,۹ میلیون نفری مردان بزرگتر از ۶ سال در این سال، ۵,۷ میلیون نفر و از جمعیت ۱۳,۲ میلیون نفری زنان، تنها ۸,۵ میلیون نفر بی‌سواد بوده‌اند. این شکاف جنسیتی در سال‌های بعد به طور قابل قبولی کاهش یافت. در سال ۱۳۹۵ از جمعیت ۳۶,۲ میلیون نفری مردان و ۳۵,۳ میلیون نفری زنان بالای ۶ سال، به ترتیب ۳,۳ و ۵,۵ میلیون نفر بی‌سواد وجود دارد.

۱-۳-۱- میانگین سال‌های تحصیل جمعیت ۶ ساله و بالاتر و تغییرات آن

۱-۳-۱-۱- میانگین سال‌های تحصیل

یکی از شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری سطح سرمایه انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، میانگین سال‌های تحصیل می‌باشد. شاخص‌های دیگری که در این خصوص مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارت‌اند از نرخ باسوادی و ثبت نام در دوره ابتدایی. در طی چهار دهه اخیر میانگین سال‌های تحصیل به طور چشمگیری افزایش یافته است، به نحوی که از ۲,۸ در سال ۱۳۵۵ به ۷,۹ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. به عبارت دیگر در طی ۴۰ سال نزدیک به

۵ سال به میانگین سال‌های تحصیل جمعیت ۶ ساله و بالاتر افزوده شده است که این افزایش در بین مردان و زنان تفاوتی زیادی با هم ندارد اما تا حدودی افزایش سطح میانگین تحصیل دختران بیشتر بوده است. نمودار ۱-۷ میانگین سال‌های تحصیل در این بازه زمانی را نشان می‌دهد. علاوه بر افزایش میانگین سال‌های تحصیل در این بازه زمانی، فاصله میانگین سال‌های تحصیل مردان و زنان نیز کمتر شده است. در سال ۱۹۹۵ میانگین سال‌های تحصیل به تفکیک جنسیت مرد و زن، به ترتیب ۸,۳ و ۷,۵ سال بوده است.

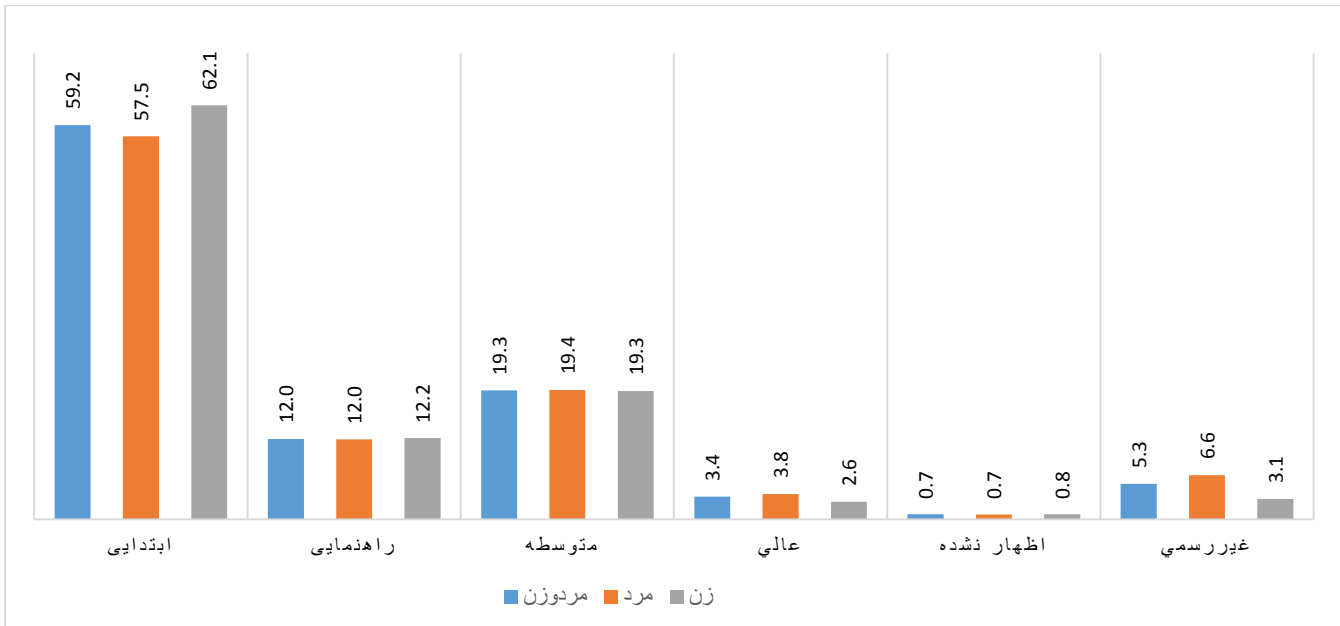


نمودار شماره ۱-۷: میانگین سال‌های تحصیل (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

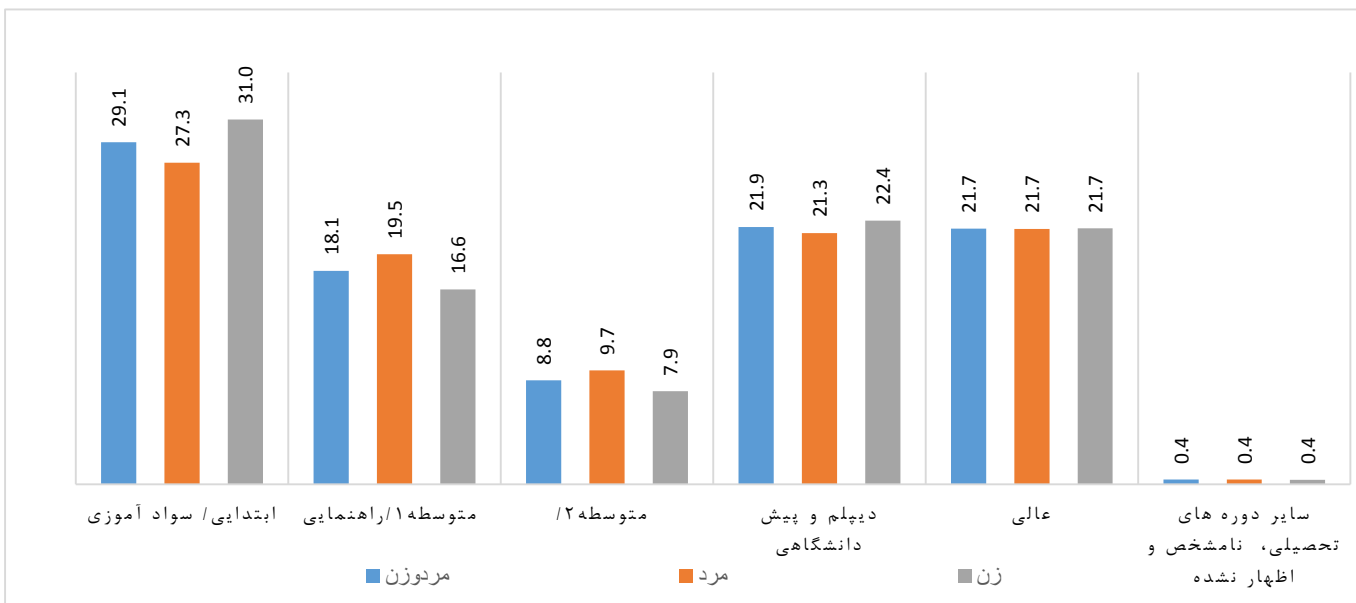
(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۱-۳-۲- سطح تحصیلات جمعیت ۶ ساله و بالاتر

تغییرات وضعیت تحصیلی افراد در بازه زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۵ بیش از ۵۲ درصد جمعیت ۶ ساله و بالاتر بی‌سواد و حدود ۵۹ درصد در سطح آموزش ابتدایی و ۱۲ درصد در سطح آموزش راهنمایی و حدود ۱۹ درصد در سطح آموزش متوسطه و تنها حدود ۳,۴ درصد در سطح آموزش عالی و حدود ۶ درصد دیگر در سطح آموزش‌های غیر رسمی تحصیلات داشته‌اند (نمودار ۱-۸)، در سال ۱۳۹۵ به طور کلی تغییرات در سطح تحصیلات جامعه صورت می‌پذیرد به طوری که ۱۲,۴ درصد بی‌سواد و ۲۹ درصد در سطح ابتدایی و ۱۸ درصد در سطح متوسطه اول (راهنمایی تحصیلی) و ۳۰ درصد در سطح متوسطه دوم و دیپلم و ۲۱,۷ درصد در سطح آموزش عالی تحصیلات داشته‌اند. (نمودار ۱-۹)



نمودار ۸-۱: سطح تحصیلات جمعیت ۶ ساله و بالاتر در سال ۱۳۵۵ (ماخذ: محاسبات تحقیق)

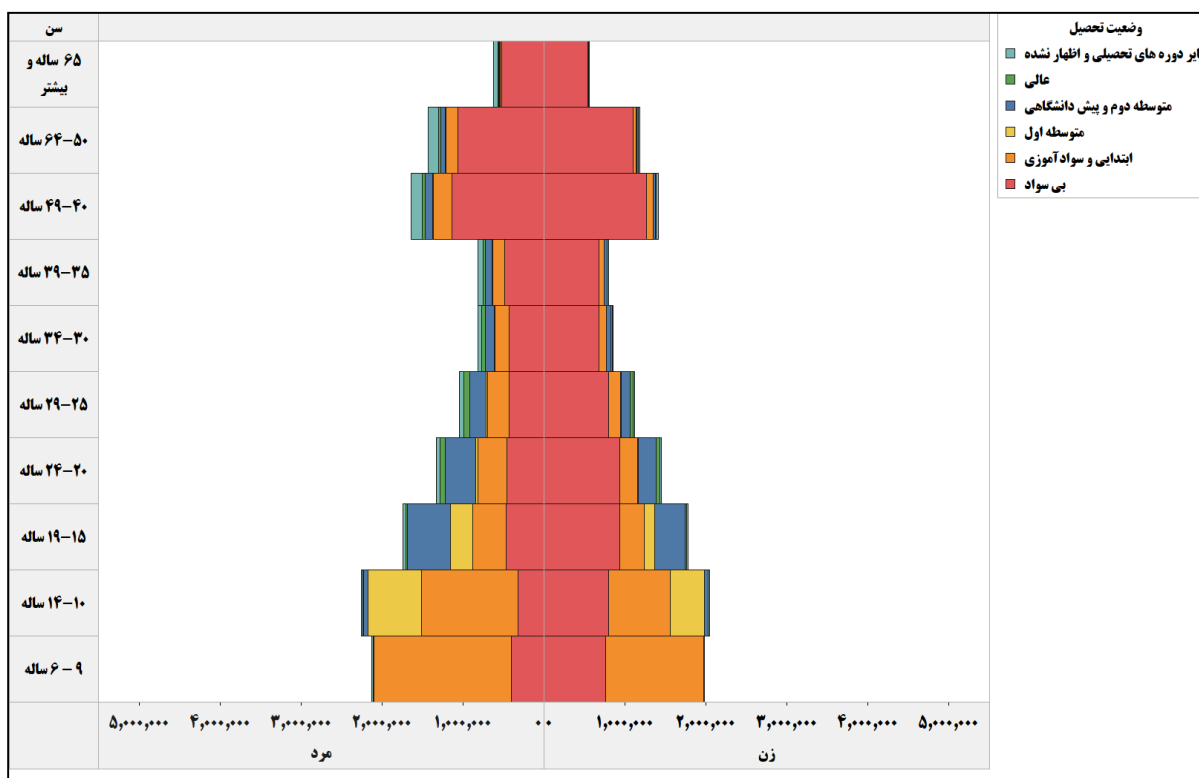


نمودار ۹-۱: سطح تحصیلات جمعیت ۶ ساله و بالاتر در سال ۱۳۹۵ (ماخذ: محاسبات تحقیق)

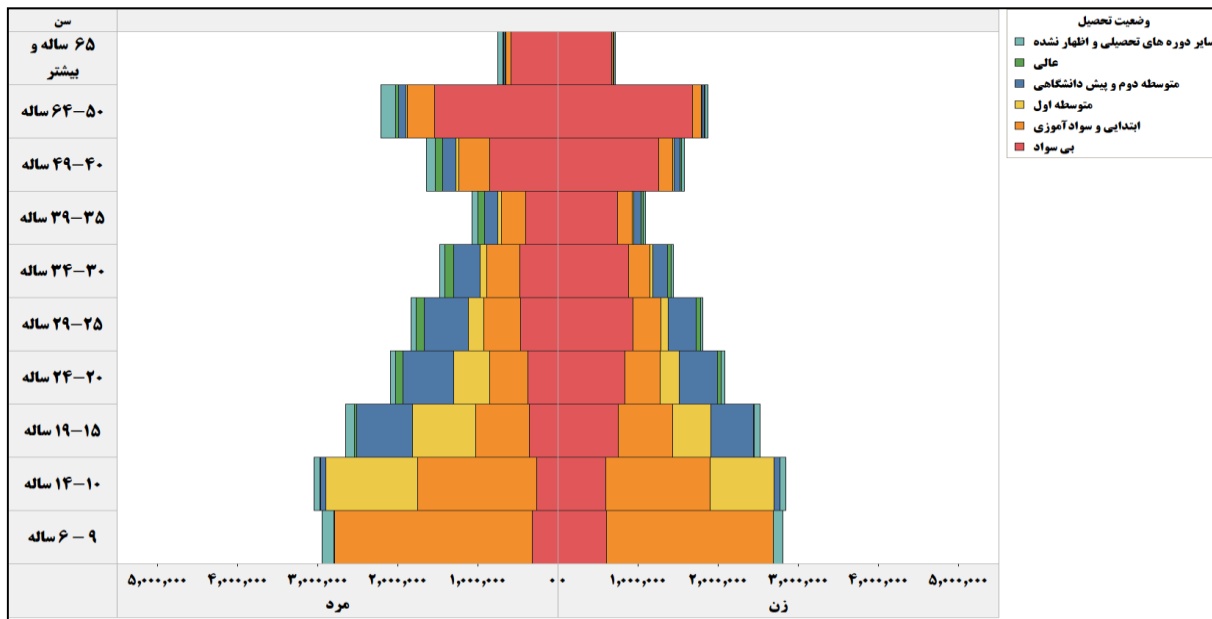
۱-۳-۳- هرم جمعیت بر حسب تحصیلات

هرم جمعیت کشور بر حسب میزان تحصیلات در نمودارهای (۱-۱۰)، (۱-۱۱)، (۱-۱۲)، و (۱-۱۳) ترسیم شده است. در سال ۱۳۵۵ حدود ۵۲,۵ درصد جمعیت کشور بی‌سواد بوده‌اند. همانطور که مشخص است بی‌سوادی در میان زنان بیشتر از مردان بوده است. همچنین میزان بی‌سوادی در گروه‌های سنی بالا بیشتر بوده است. سهم بزرگی از جمعیت که بی‌سواد نیستند، در گروه‌های سنی پایین‌تر قرار دارند. اقدامات انجام گرفته در سال‌های گذشته منجر به کاهش بی‌سوادی، به خصوص در سنین پایین شده است. و در سال ۱۳۹۵ سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی بسیار افزایش یافته و به حدود ۲۱,۷ درصد از جمعیت ۶ ساله و بالاتر رسیده است.

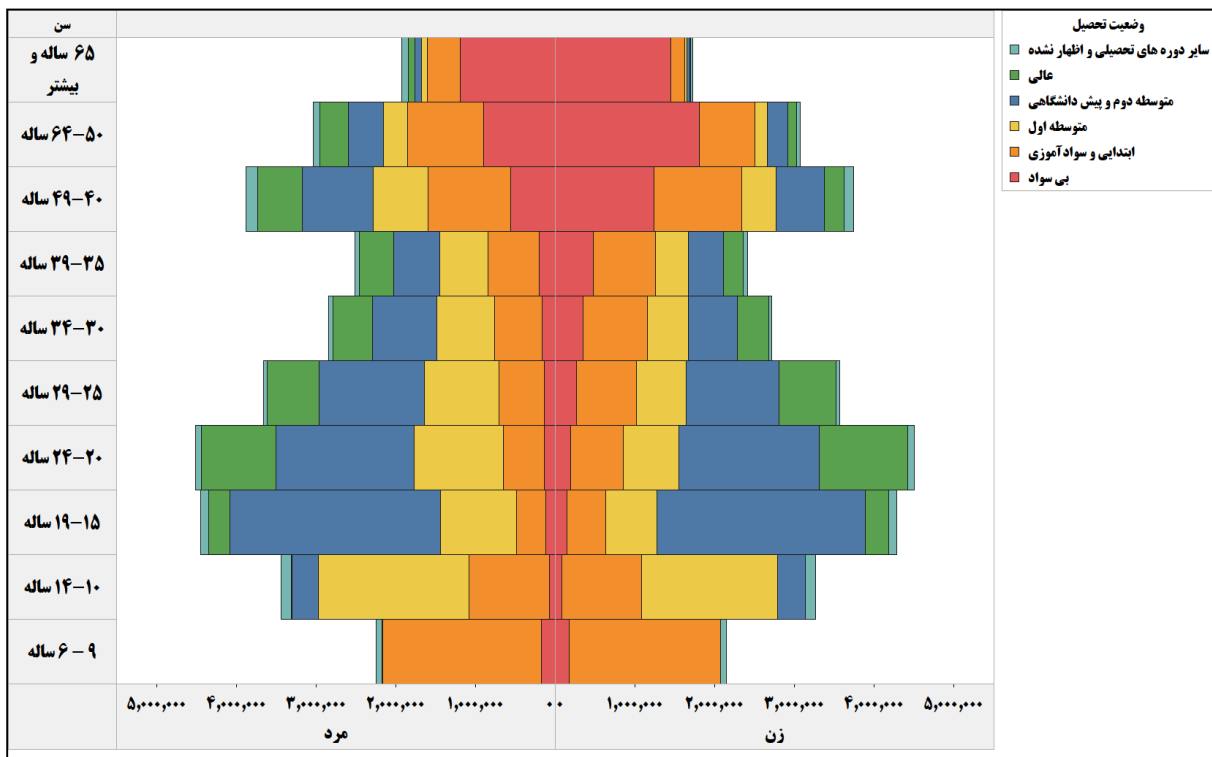
در بازه زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ از جمعیت بی‌سواد کشور کاسته شد. همچنین میانگین سال‌های تحصیل در این دوره از ۲,۸ به ۳,۶ سال افزایش یافت. کاهش جمعیت بی‌سواد در گروه‌های سنی کمتر از ۲۴ سال رخ داد و تقریباً در تمام گروه‌های سنی بالاتر از ۲۴ سال، کشور شاهد افزایش جمعیت بی‌سواد در این دوره بوده است. به عبارت دیگر، کاهش نرخ بی‌سوادی عمدتاً به دلیل افزایش پوشش تحصیلی و تحصیلات رسمی در کشور روی داده است.



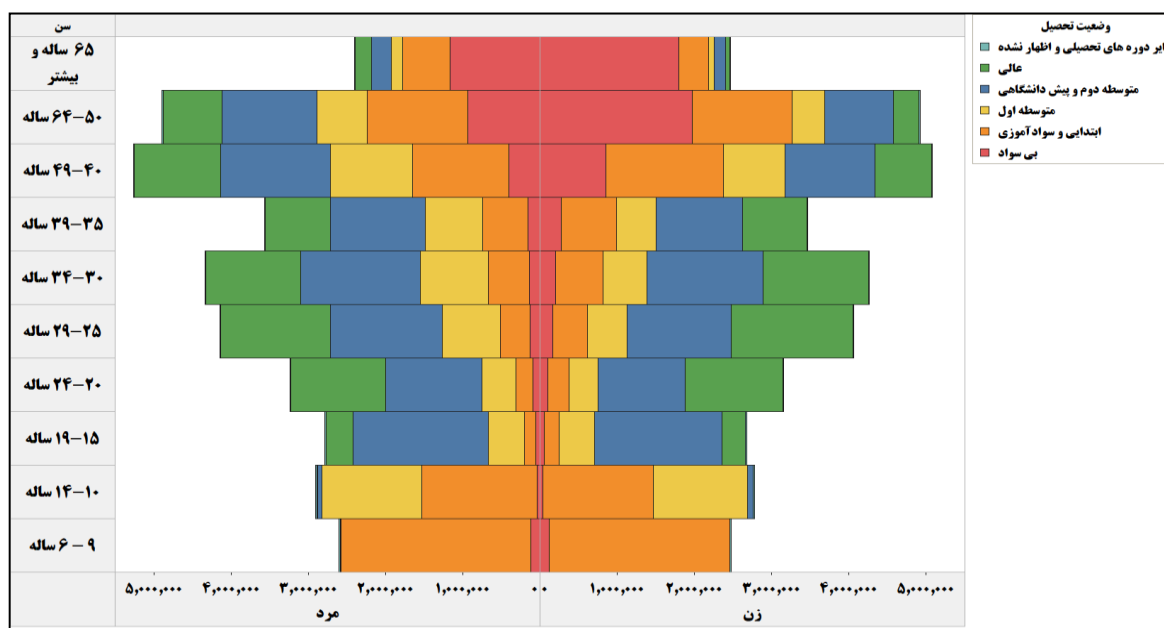
نمودار ۱-۱۰: هرم جمعیتی کشور بر حسب میزان تحصیلات (۱۳۵۵) (ماخذ: محاسبات تحقیق)



نمودار ۱-۱۱: هرم جمعیتی کشور بر حسب میزان تحصیلات (۱۳۶۵) (ماخذ: محاسبات تحقیق)



نمودار ۱-۱۲: هرم جمعیتی کشور بر حسب میزان تحصیلات (۱۳۸۵) (ماخذ: محاسبات تحقیق)



نمودار ۱-۱۳: هرم جمعیتی کشور بر حسب میزان تحصیلات (۱۳۹۵) (ماخذ: محاسبات تحقیق)

تفاوت دیگری نیز که میان هرم سنی سال ۱۳۵۵ با سال ۱۳۶۵ مشاهده می‌شود این است که جمعیت افراد با تحصیلات متوسطه اول و دوم در این دوره افزایش یافته است. طی این بازه زمانی گسترش آموزش عمومی با شتابی بالا در دستور کار قرار گرفت، اما به دلیل رخدادهایی از قبیل انقلاب فرهنگی، آموزش عالی توسعه چندانی پیدا نکرد.

آنچه در فاصله زمانی بین سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵ بر حسب میزان تحصیلات روی داده است، بسیار چشمگیر بوده است. در کنار افزایش شدید جمعیت در این دوره، میانگین سال‌های تحصیل از ۳٫۶ سال در سال ۱۳۶۵ به ۶٫۹ سال در سال ۱۳۸۵ رسیده است. جمعیت بی‌سواد به خصوص در سنین پایین به نحو مطلوبی کاهش یافته است. این کاهش جمعیت افراد بی‌سواد بیشتر در سنین پایین محسوس است. با توجه به سهم بالای افراد با تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سنین پایین‌تر از ۲۰ سال، پوشش تحصیلی در این بازه زمانی نسبت به سال ۱۳۶۵ افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. همچنین با گسترش آموزش عالی، تعداد افراد با تحصیلات عالی در این دوره افزایش یافته است.^۱

مقایسه وضعیت هرم سنی جمعیت بر حسب میزان تحصیلات در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که همچنان نرخ بی‌سوادی به خصوص در سنین پایین رو به کاهش است. آنچه در مورد این هرم در سال ۱۳۹۵ امید بخش و در عین حال نگران کننده است، حضور بخش بزرگی از جمعیت، به خصوص افرادی با سطح تحصیلات عالی که به عنوان نیروی کار متخصص به شمار می‌روند، در پنجره جمعیتی (سنین بین ۱۵ تا ۶۴ سال) می‌باشند.

^۱ برای مشاهده تغییرات در آموزش عالی به بخش (۳) مراجعه کنید.

امیدبخش از این حیث که این امکان وجود دارد بخشی از این نیروی کار به سمت بخش تحقیق و توسعه^۱ اختصاص یابد و افزایش دانش و سطح پیچیدگی اقتصاد کشور را به دنبال داشته باشد. نگران‌کننده از این جهت که در هرم سنی کشور در سال ۱۳۹۵، بخش بزرگی از جمعیت در فاصله سنین ۴۰ تا ۶۴ سال قرار دارند و در سال‌های آتی این بخش از جمعیت از بازار کار خارج خواهند شد. هرم سنی سال ۱۳۹۵ نشان دهنده این است که سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در مدت چهل سال در آموزش، منجر به افزایش جمعیت با سواد و نیروی کار با تحصیلات بالا شده است، اما این جمعیت در دهه‌های آتی از بازار کار خارج خواهند شد. در عوض قسمت پایین هرم جمعیتی کشور (کمتر از ۲۵ سال)، نشان‌دهنده عدم توازن و عدم وجود نیروی کار جایگزین برای گروه‌های سنی بالاتر از ۲۵ سال می‌باشد.

۲- Research and development (R&D)

بخش دوم، تحول وضع آموزش و پرورش در طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۹۵

۲-۱- تحول وضع دانش آموزان

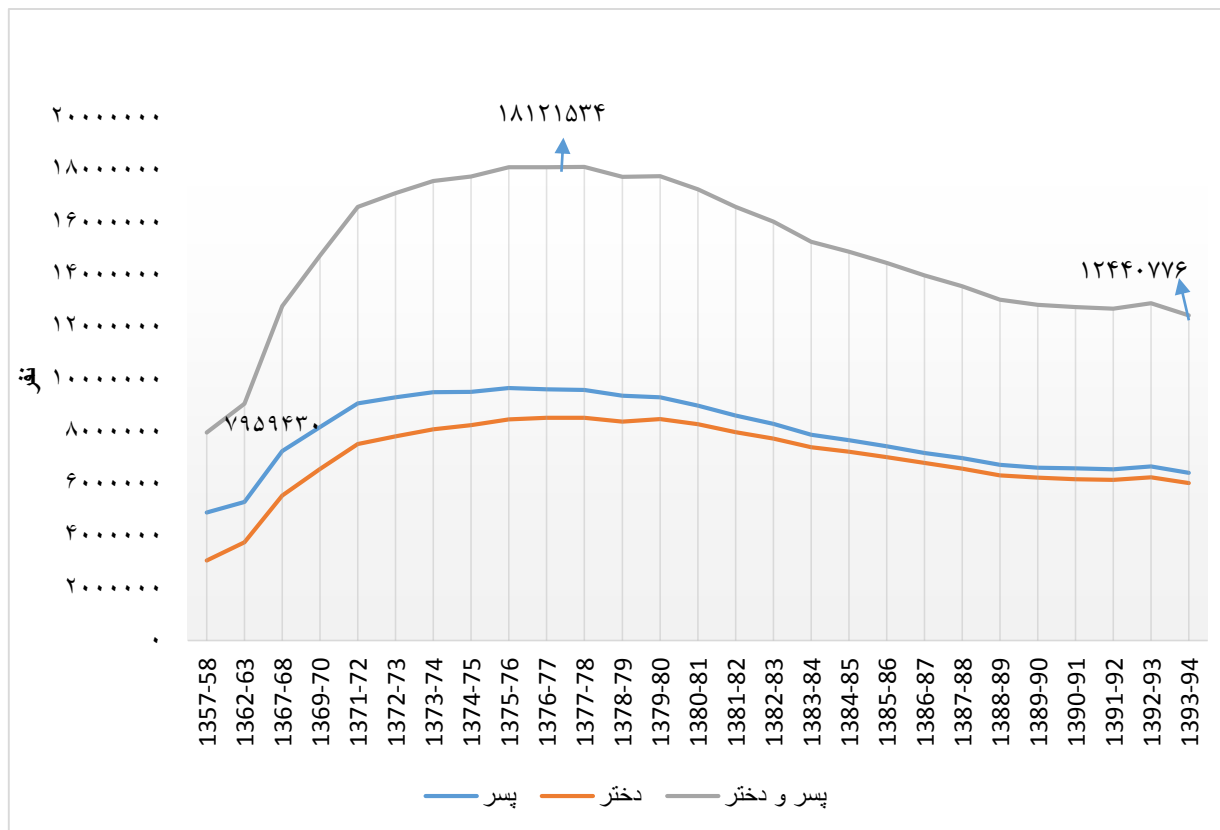
طی چهل سال اخیر تعداد دانش آموزان همسو با توسعه کمی و کیفی نظام آموزشی و تغییرات جمعیت تحولات چشمگیری را تجربه کرده است. تحولات مربوط به جمعیت اصلی ترین عامل تغییر تعداد دانش آموزان در چهار دهه اخیر بوده است. رشد جمعیت کشور در سال های پس از انقلاب به شدت افزایش یافت، به نحوی که طی سال های ۶۵-۵۵ به رشدی نزدیک به ۴ درصد رسید. جدول ۲-۱ جمعیت کشور را در نقاط شهری، روستایی و کل در طی این بازه زمانی نشان می دهد.

شرح	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
کل کشور	۳۳۷۰۸۷۴۴	۴۹۴۴۵۰۱۰	۷۰۴۹۵۷۸۲	۷۹۹۲۶۲۷۰
نقاط شهری	۱۵۸۵۴۶۸۰	۲۶۸۴۴۵۶۱	۴۸۲۵۹۹۶۴	۵۹۱۴۶۸۴۷
نقاط روستایی	۱۷۸۵۴۰۶۴	۲۲۶۰۰۴۴۹	۲۲۲۳۵۸۱۸	۲۰۷۳۰۶۲۵
نسبت شهر نشینی	۴۷	۵۴,۳	۶۸,۵	۷۴

جدول ۲-۱: تعداد جمعیت و میزان شهرنشینی (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

(ماخذ: مرکز آمار ایران)

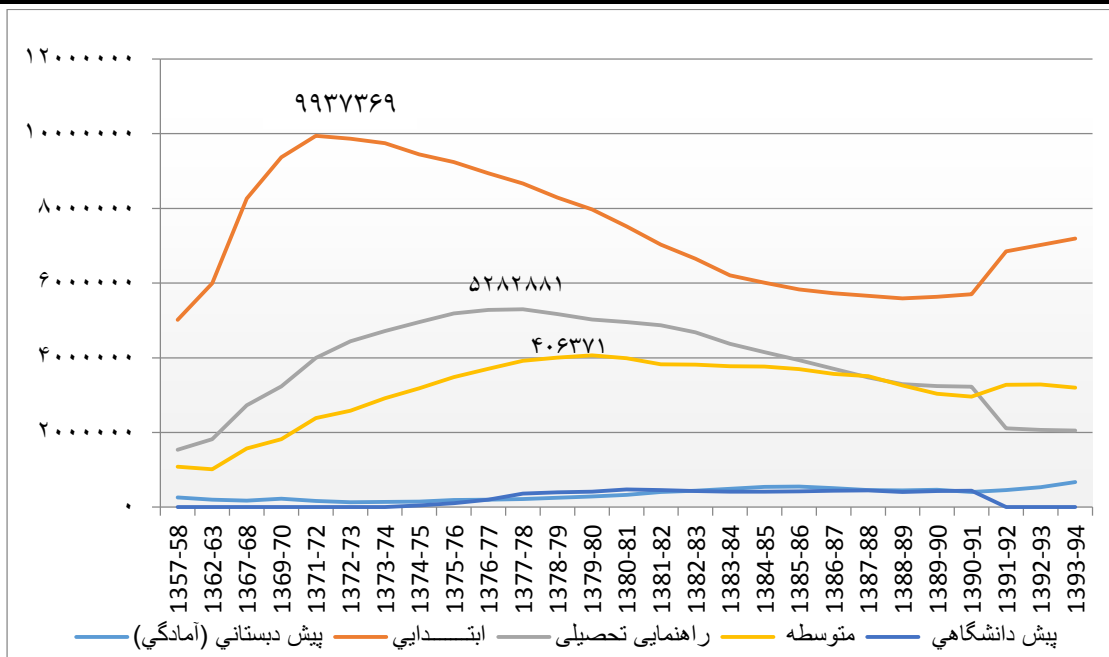
رشد شدید جمعیت در این دهه موجب شد که نظام آموزشی ایران در دو دهه بعد با مشکل فراهم سازی زیرساخت های فیزیکی و تأمین نیروی کار شاغل در این بخش رو به رو باشد. تعداد دانش آموزان (شهری و روستایی) از ۷۲۹۸۱۵۳ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۸۱۲۱۵۳۴ نفر در اوج خود در سال ۱۳۷۷ می رسد و سپس تعداد دانش آموزان روند نزولی خود را طی می کند و به ۱۴۴۹۴۷۳۱ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. به دلیل تغییرات اجتماعی و سیاست های تنظیم خانواده از سال ۱۳۶۸، تعداد موالید در سال های بعد از آن رو به کاهش نهاد. با توجه به تغییرات مزبور، تعداد دانش آموزان در سال ۱۳۹۵ به ۱۳۸۵۹۹۱۲ نفر رسیده است.



(ماخذ: محاسبات تحقیق)

کاهش تعداد دانش‌آموزان در طی یک روند نزولی از سال ۱۳۷۰ در دوره ابتدایی شروع گردید و سپس به دوره راهنمایی تحصیلی در سال ۱۳۷۷ رسید و از دهه ۱۳۸۰ تعداد دانش‌آموزان دوره متوسطه روند نزولی خود را شروع می‌کند و بخش زیادی از کاهش تعداد دانش‌آموز در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ مربوط به تعداد دانش‌آموزان در مقطع دوم متوسطه می‌باشد، به نحوی که تعداد دانش‌آموزان دبیرستان‌های عمومی از ۳۲۳۲۶۷۱ نفر در سال ۸۵ به ۱۵۶۴۵۷۰ نفر در سال ۹۵ و تعداد دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای از ۷۷۴ هزار نفر به ۶۲۳ هزار نفر رسیده است. همانطور که عنوان شد کاهش موالید در دهه ۷۰ شمسی منجر به کاهش دانش‌آموزان در مقطع دوم متوسطه شد. نمودار ۲-۲: تعداد دانش‌آموزان را بر حسب دوره‌های تحصیلی در بازه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۳ نشان می‌دهد.

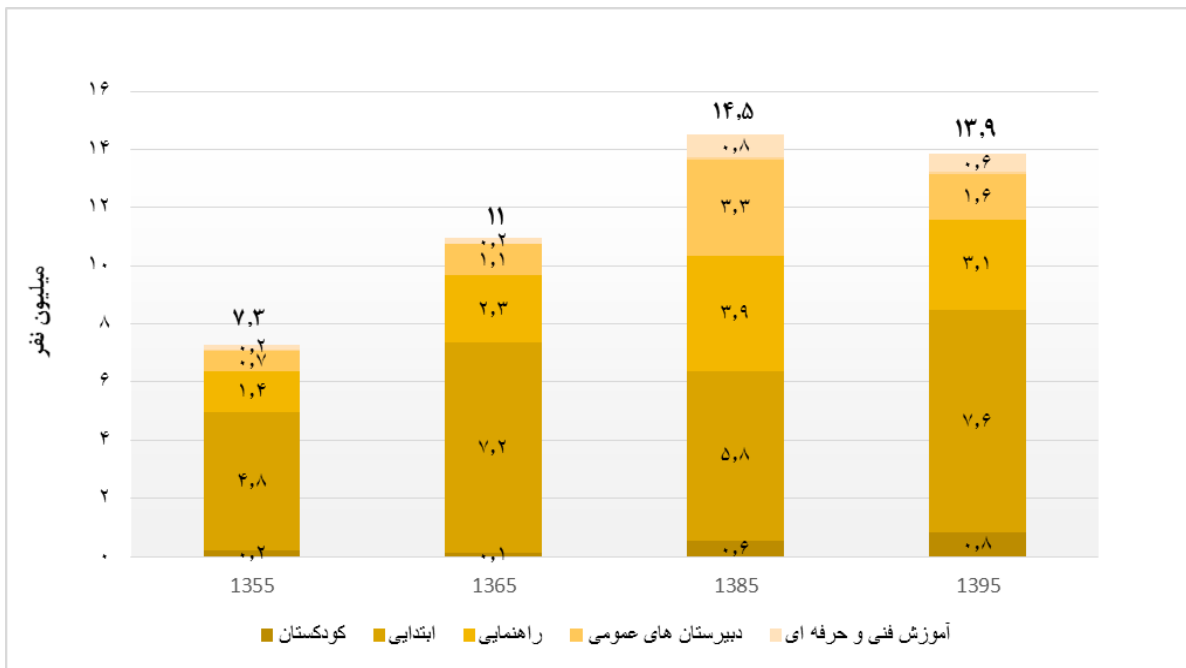
دستاوردها و چالش‌های بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵



نمودار ۲-۲: تعداد دانش‌آموزان برحسب دوره‌های تحصیلی از سال ۵۷ تا ۹۳

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

از طرف دیگر با افزایش نرخ تولد از اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی، مجدداً تعداد دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی از سال ۱۳۹۰ روند افزایشی به خود گرفته و از ۵,۸ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ به ۷,۶ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این موضوع به دلیل شکل‌گیری پدیده موسوم به "اثر گشتاور جمعیتی" در کشور می‌باشد. بدین معنی که با انفجار جمعیتی در یک نسل انتظار بر این است که اثر این انفجار جمعیتی، در نسل‌های آتی باقی بماند.

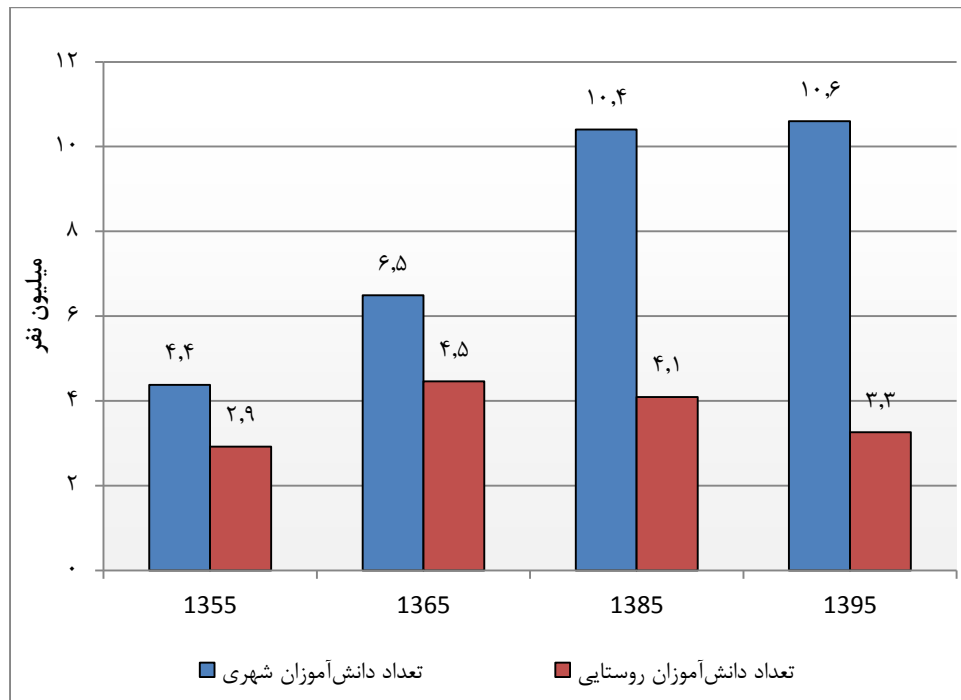


نمودار ۲-۳: تعداد دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۲-۱-۱- دانش آموز شهری و روستایی

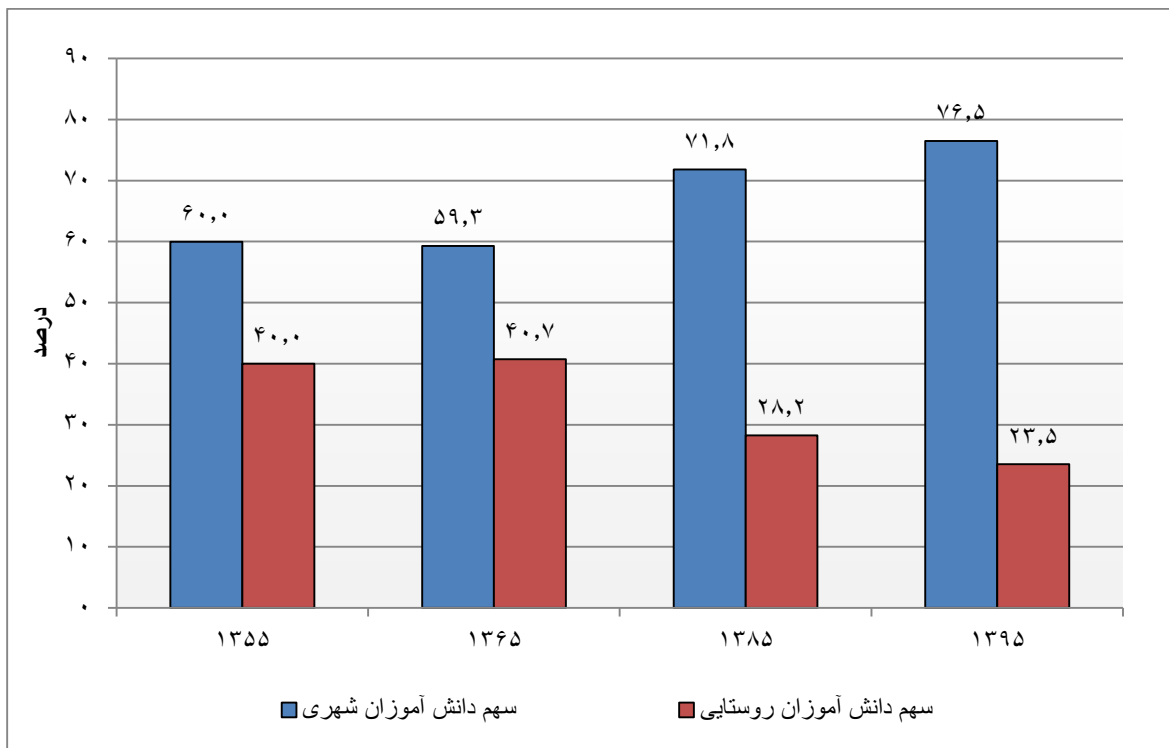
بخش عمده افزایش در تعداد دانش‌آموزان در مناطق شهری اتفاق افتاده است، به نحوی که تعداد دانش‌آموزان شهری از ۲۷۵۵۰۹۳ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۶۷۳۰۶۹۷ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. طی چهار دهه اخیر میزان سهم شهرنشینی در کشور از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این عامل در کنار افزایش مداوم جمعیت، منجر به افزایش تعداد دانش‌آموزان شهری و ثبات نسبی تعداد دانش‌آموزان روستایی گردیده است. نمودار ۲-۴ تغییرات تعداد دانش‌آموزان شهری و روستایی را در طی چهار دهه اخیر نشان می‌دهد.



نمودار ۲-۴: تعداد دانش‌آموزان شهری و روستایی (۱۳۵۵-۱۳۹۰)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

در حال حاضر دانش‌آموزان شهری سهم ۲۳,۵ درصدی از تعداد دانش‌آموزان و دانش‌آموزان روستایی سهم ۷۶,۵ درصدی از کل تعداد دانش‌آموزان را به خود اختصاص داده‌اند. آنچه باید در مورد تغییرات جمعیت شهری در ۱۰ سال اخیر (۱۳۸۵-۱۳۹۵) مورد توجه قرار گیرد این است که افزایش جمعیت شهری در طی این دوره عمدتاً به دلیل مهاجرت نبوده، بلکه تبدیل شدن برخی از روستاها به شهر و پیدایش شهرهای جدید علت افزایش نسبت شهرنشینی و در پی آن تعداد دانش‌آموزان شهری بوده است (مستندات جمعیتی برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۳). لذا تقویت و توسعه آموزش و پرورش در مناطق روستایی و محروم همچنان باید مورد توجه قرار بگیرد.



نمودار ۲-۵: سهم دانش‌آموزان شهری و روستایی (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

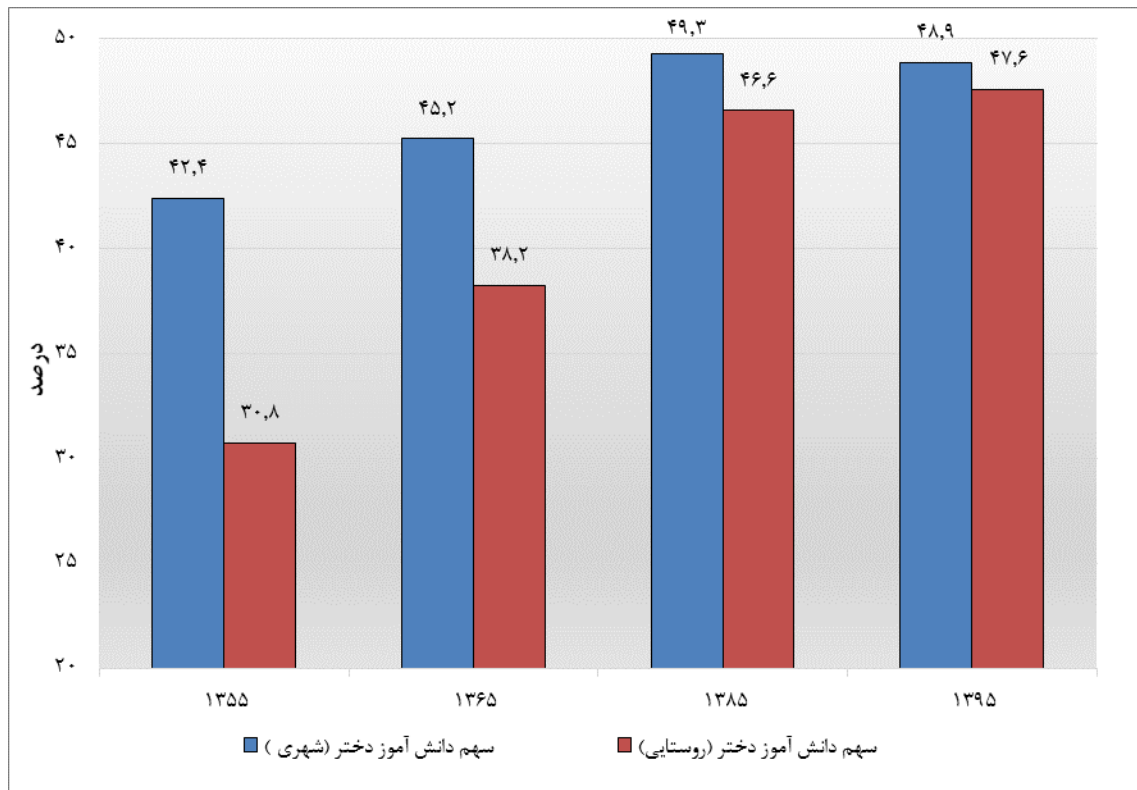
(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۲-۱-۲- دانش‌آموزان دختر و پسر

از جمعیت ۱۳,۹ میلیون نفری دانش‌آموزان کشور در سال ۱۳۹۵، ۷,۱ میلیون نفر (۵۱,۴ درصد) را دانش‌آموزان پسر و ۶,۷ میلیون نفر (۴۸,۶ درصد) را دانش‌آموزان دختر تشکیل می‌دهند. این نسبت‌ها در شهرها و روستاها تقریباً به همین صورت می‌باشد. در طی چهار دهه اخیر سهم دانش‌آموزان دختر از ۳۷,۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۴۸,۶ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این نسبت در شهرها از ۴۲,۴ به ۴۸,۹ و در روستاها از ۳۰,۸ به ۴۷,۶ درصد رسیده است.

عدم تحصیل یا ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر به ویژه در مناطق روستایی یکی از مشکلات عمده‌ای است که نظام آموزشی کشور همواره با آن رو به رو بوده است. مجموعه عوامل اقتصادی و اجتماعی همانند عدم احساس ضرورت به تحصیل دختران، ازدواج زود هنگام و بسیاری از باورهای غلط در نهادهای غیر رسمی نسبت به تحصیل دختران در بازماندن این افراد از تحصیل تاثیرگذار بوده است (فرضی‌زاده، ۱۳۹۵). تلاش برای رفع تبعیض

در میان دانش‌آموزان پسر و دختر، افزایش آگاهی مردم در قبال ارزش سوادآموزی و تغییرات فرهنگی از جمله علل کاهش تبعیض جنسیتی به خصوص در مناطق روستایی بوده است. نمودار ۲-۶ سهم دانش‌آموزان دختر شهری و روستایی را از کل دانش‌آموزان شهری و روستایی در طی چهار دهه اخیر نشان می‌دهد.



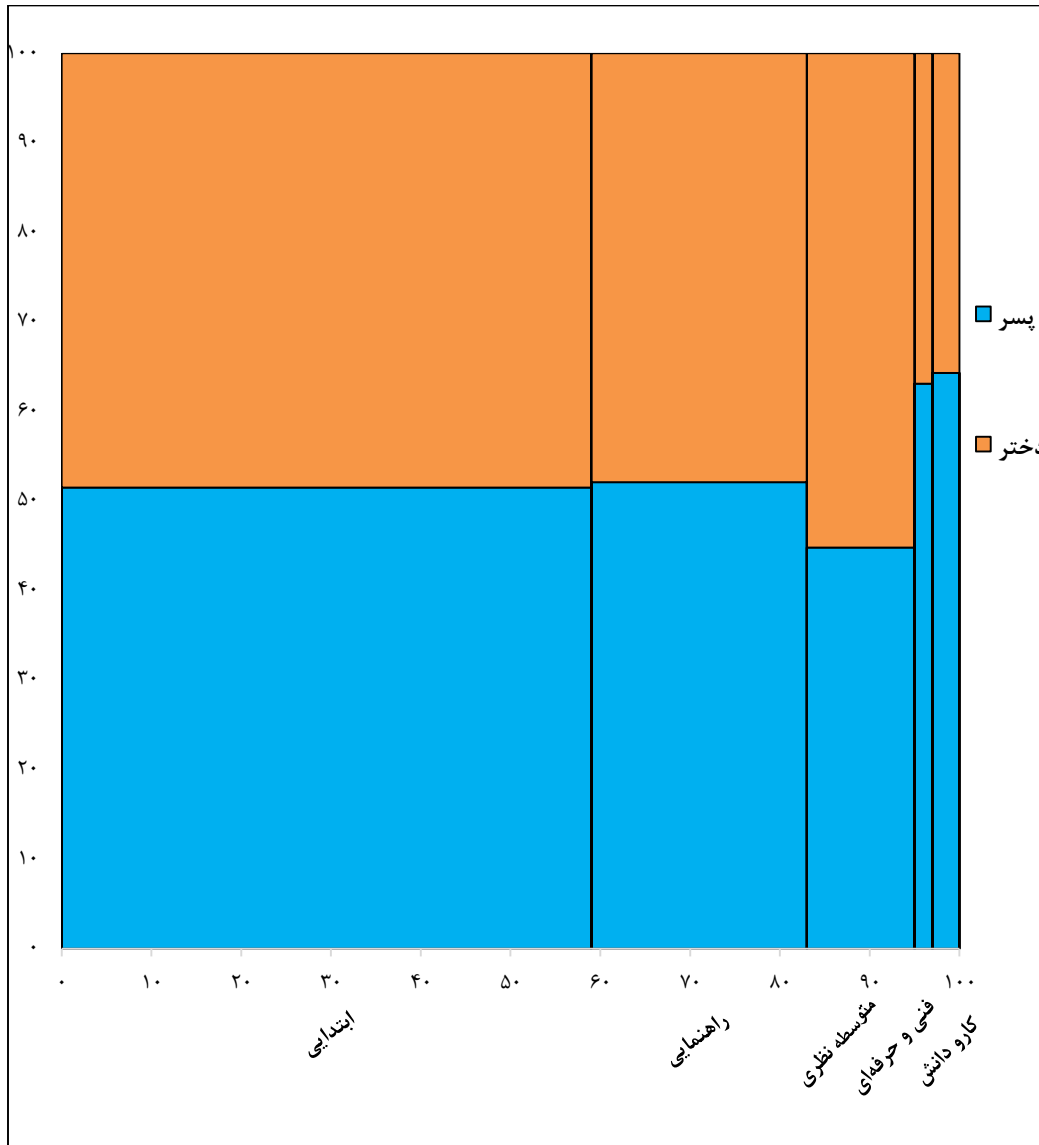
نمودار ۲-۶: سهم دانش‌آموزان دختر در مناطق شهری و روستایی (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

ماخذ: محاسبات تحقیق

در سال ۱۳۹۵ و از جمعیت ۱۲,۹ میلیون نفری دانش‌آموزان^۱، مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه نظری، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش، به ترتیب سهمی ۵۹,۱، ۲۴، ۱۲,۱، ۲,۳ و ۲,۵ درصدی از تعداد دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهند. در مقاطع ابتدایی و راهنمایی، سهم جنسیتی دانش‌آموزان پسر اندکی بیشتر از دخترها و به ترتیب برابر با ۵۱,۵ و ۵۲,۱ درصد می‌باشد. در مقطع متوسطه نظری، دانش‌آموزان دختر و پسر به ترتیب سهمی ۵۵,۲ و ۴۴,۸ درصدی را دارا هستند.

^۱- در این آمار دانش‌آموزان مدارس استثنایی و کودکان‌ها لحاظ نشده است.

بر خلاف مقطع متوسطه نظری، در مقاطع فنی و حرفه‌ای و کار و دانش، سهم دانش‌آموزان پسر بیشتر بوده و به ترتیب سهمی ۶۳،۱ و ۶۴،۳ درصدی دارند. توزیع جنسیتی دانش‌آموزان در مقطع متوسطه دوم نشان می‌دهد که در مدارس فنی و حرفه‌ای و کار و دانش رشته‌های تحصیلی و ظرفیت اندکی برای تحصیل دانش‌آموزان دختر ایجاد شده است. نمودار (۷-۲) توزیع دانش‌آموزان کشور را بر حسب مقطع تحصیلی و جنسیت در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.



نمودار ۷-۲: توزیع دانش‌آموزان بر حسب مقطع تحصیلی و جنسیت در سال ۱۳۹۵ (درصد)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۲-۲- پوشش تحصیلی و بچه‌های بیرون از مدرسه

۲-۲-۱- پوشش دوره‌های تحصیلی

پوشش تحصیلی یکی از متغیرهایی است که حرکت کشور به سمت از بین بردن بی‌سوادی را نشان می‌دهد. افزایش پوشش تحصیلی به منزله انسداد ورودی افراد بی‌سواد در جامعه می‌باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰). این متغیر بدین مفهوم است که چه تعداد از افراد در یک گروه سنی، در دوره تحصیلی متناظر با آن گروه، به آموزش دسترسی داشته‌اند. پوشش تحصیلی واقعی به معنی نسبت تعداد دانش‌آموزان واقع در سن مقرر یک دوره تحصیلی تقسیم بر جمعیت متناظر با آن دوره تحصیلی است.

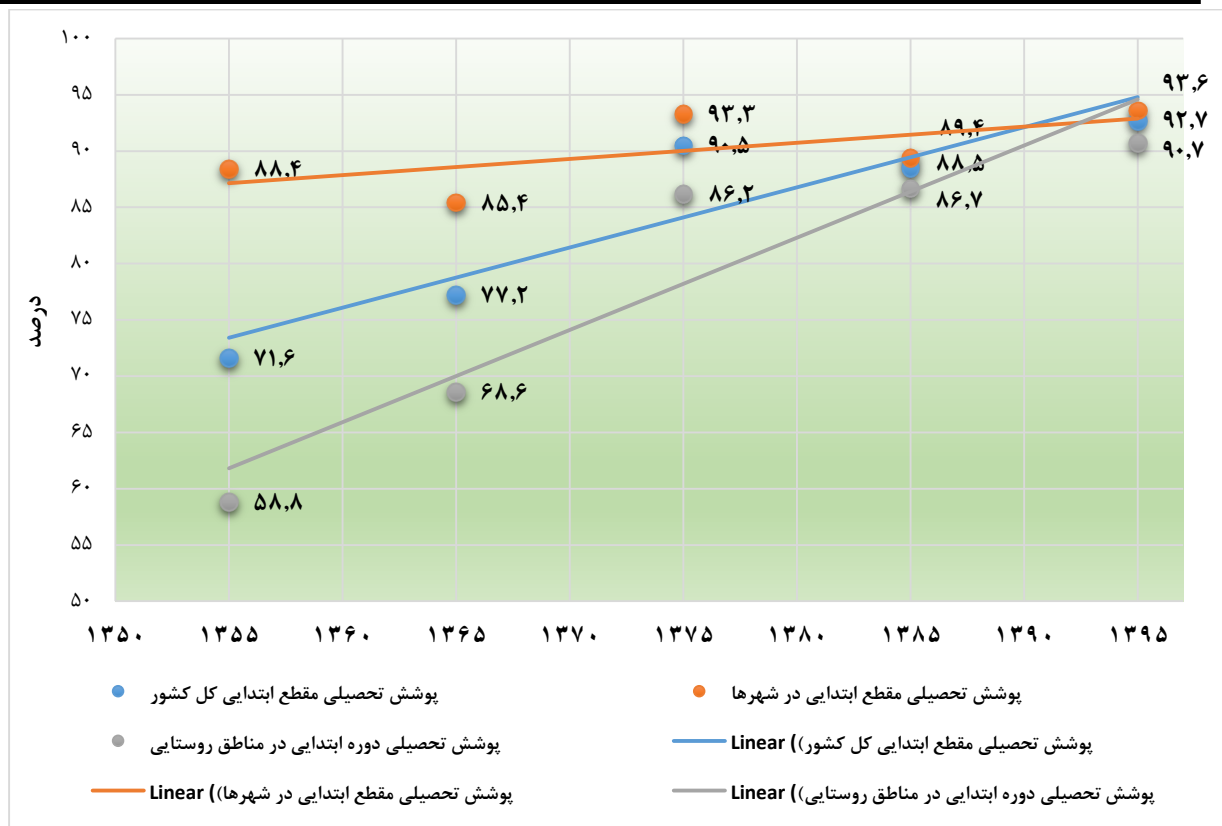
در این قسمت با توجه به آمارهای پوشش تحصیلی، تصویری از وضعیت این متغیر در چهار دهه اخیر ارائه می‌شود.

الف: پوشش تحصیلی در مقطع ابتدایی

آموزش ابتدایی در دهه‌های اخیر، از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. به طوریکه بررسی پوشش تحصیلی در مقطع ابتدایی در این دوران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۵، از جمعیت ۵,۰۷ میلیون نفری کشور در سنین بین ۶ تا ۱۰ سال، ۳,۵۸ میلیون نفر در مقطع ابتدایی مشغول به تحصیل بوده‌اند. پوشش تحصیلی مقطع ابتدایی در این سال، ۷۱,۶ درصد بوده است. در حالی که در سال ۱۳۹۵، پوشش تحصیلی مقطع ابتدایی به ۹۲,۷ درصد رسیده است.

همانند سایر شاخص‌های مربوط به آموزش از قبیل نرخ باسوادی، مقایسه وضعیت پوشش تحصیلی در شهر و روستا نشان می‌دهد که وضعیت این شاخص در شهرها بهتر از وضعیت روستاها می‌باشد. در سال ۱۳۵۵، پوشش تحصیلی در مقطع ابتدایی جمعیت ساکن در شهرها، ۸۸,۴ درصد و در مقطع ابتدایی جمعیت ساکن در روستاها، ۵۸,۸ درصد بوده است. در حال حاضر، این اختلاف به شدت کاهش پیدا کرده و پوشش تحصیلی دوره ابتدایی در مناطق شهری و روستایی به ترتیب به ۹۳,۶ و ۹۰,۷ درصد رسیده است. نمودار ۲-۸ تغییرات پوشش تحصیلی مقطع ابتدایی را در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد.

آمارهای فوق‌الذکر نشان‌دهنده این است که مبادی ورود افراد بی‌سواد به جامعه تا حد زیادی به سمت انسداد پیش‌رفته، اما همچنان بخش کوچکی از جمعیت کشور در این سن، به آموزش عمومی ورود پیدا نکرده یا از تحصیل بازمانده‌اند.



نمودار ۲-۸: پوشش تحصیلی واقعی مقطع ابتدایی در مناطق شهری، روستایی و کل کشور (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

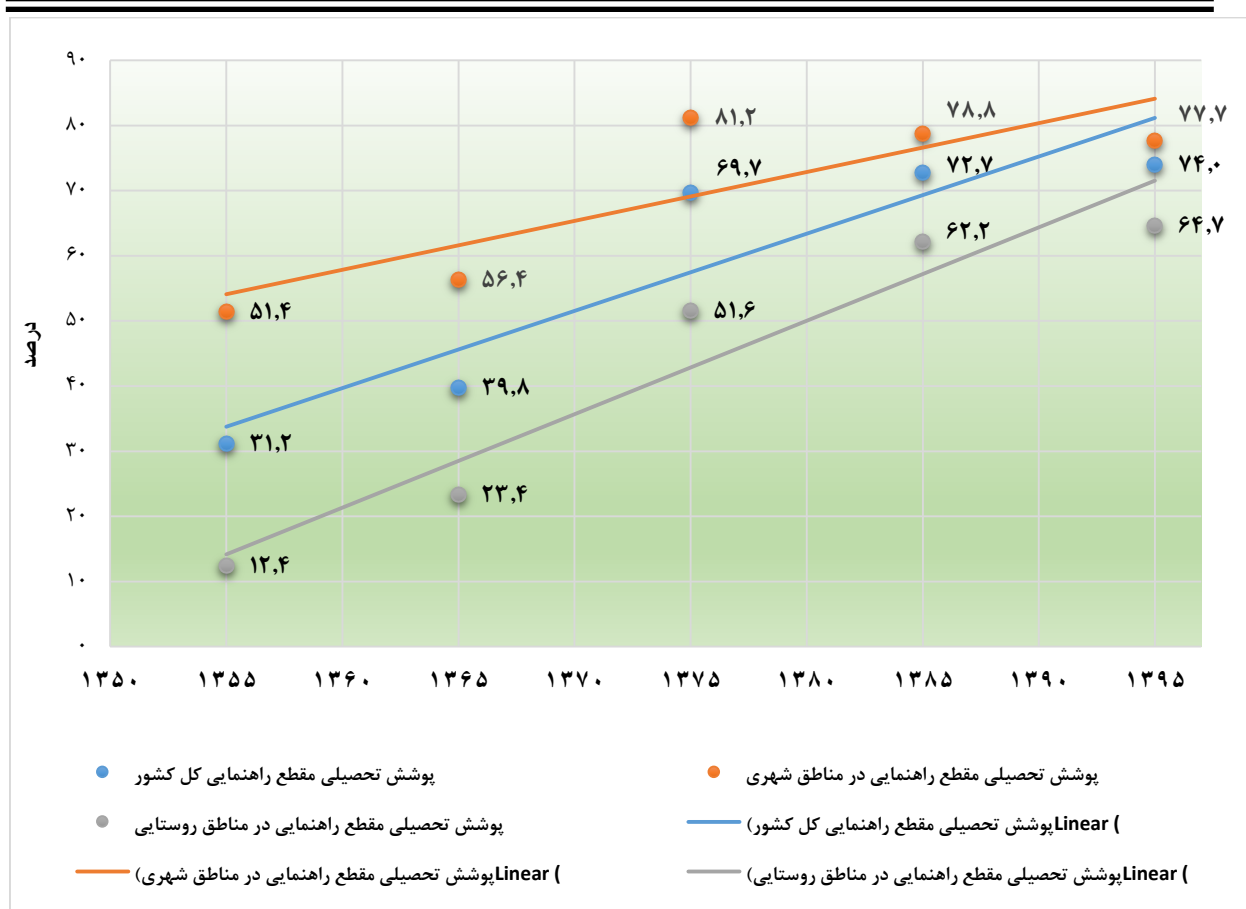
(ماخذ: محاسبات تحقیق)

ب: پوشش تحصیلی در مقطع راهنمایی

در سال ۱۳۵۵، جمعیت گروه سنی بین ۱۱ تا ۱۳ سال ۲,۵۴ میلیون نفر بوده است که از این تعداد، ۷۸۷ هزار نفر مشغول به تحصیل در دوره راهنمایی بوده‌اند. به بیان دیگر، پوشش واقعی تحصیلی در مقطع راهنمایی، ۳۱ درصد بوده است. بعد از گذشت چهل سال از این زمان، پوشش واقعی تحصیلی در سال ۱۳۹۵ به ۷۴ درصد رسیده است.

این رشد چشمگیر در طی این بازه زمانی و در مقایسه با رشد پوشش تحصیلی در مقطع ابتدایی، نمایانگر این است که در سال ۱۳۵۵، بخش بزرگی از ترک تحصیل در دوران راهنمایی صورت می‌گرفت و در حال حاضر این رقم به شدت کاهش پیدا کرده است. همچنین در سال ۱۳۹۵، از جمعیت ۳,۳ میلیون نفری بین سنین ۱۲ تا ۱۴ سال، حدود ۵۰۴ هزار نفر در مقطع ابتدایی مشغول به تحصیل بوده‌اند.

همانند پوشش واقعی تحصیلی در مقطع ابتدایی، در مقطع راهنمایی نیز در طی چهار دهه اخیر مناطق شهری نرخ پوشش بالاتری را به خود اختصاص داده‌اند. نمودار ۲-۹ پوشش واقعی مقطع تحصیلی راهنمایی را در بازه ۱۳۵۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد.



نمودار ۲-۹: پوشش تحصیلی واقعی مقطع راهنمایی در مناطق شهری، روستایی و کل کشور (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

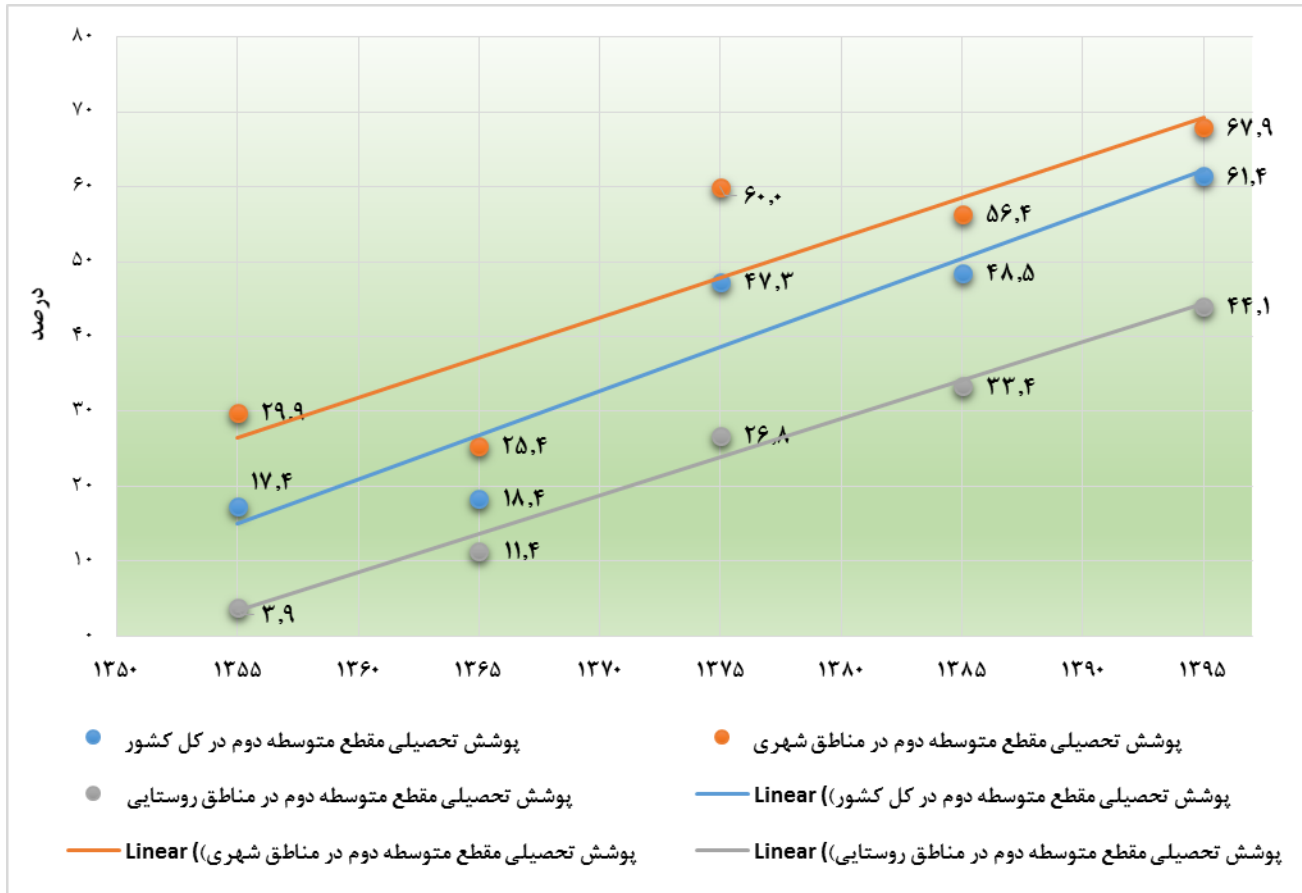
ج: پوشش تحصیلی در مقطع متوسطه دوم

پوشش تحصیلی واقعی در مقطع دوم متوسطه و پیش‌دانشگاهی در سال ۱۳۵۵، ۱۷,۴ درصد بوده است. این شاخص در جمعیت شهری و روستایی کشور در سال ۱۳۵۵، به ترتیب ۲۹,۹ و ۳,۹ درصد بوده است. شاخص پوشش تحصیلی واقعی کل کشور در سال ۱۳۹۵، به ۶۱,۴ درصد رسید. شاخص مزبور برای مناطق شهری و روستایی در این سال، به ترتیب ۴۴,۱ و ۶۷,۹ درصد بوده است.

در سال ۱۳۹۵، جمعیت کشور در بازه سنی بین ۱۵-۱۷ سال، حدود ۳,۲۵ میلیون نفر بوده است که از این تعداد ۲ میلیون نفر در مقطع دوم متوسطه و پیش‌دانشگاهی و حدود ۶۰۰ هزار نفر در مقاطع راهنمایی و ابتدایی مشغول به تحصیل بوده‌اند.

آنچه در مقطع متوسطه دوم مشاهده می‌شود این است که بر خلاف دو مقطع قبلی تحصیلی، پوشش تحصیلی در مناطق شهری و روستایی به سمت یکدیگر همگرا نشده‌اند. این موضوع به این خاطر است که در

مناطق روستایی، سهم بیشتری از دانش‌آموزان در مقطع اول و دوم متوسطه ترک تحصیل می‌کنند. نمودار ۲-۱۰ پوشش تحصیلی واقعی را در مقطع متوسطه دوم در طی چهار دهه اخیر نشان می‌دهد.



نمودار ۲-۱۰: پوشش تحصیلی واقعی مقطع متوسطه دوم در مناطق شهری، روستایی و کل کشور (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

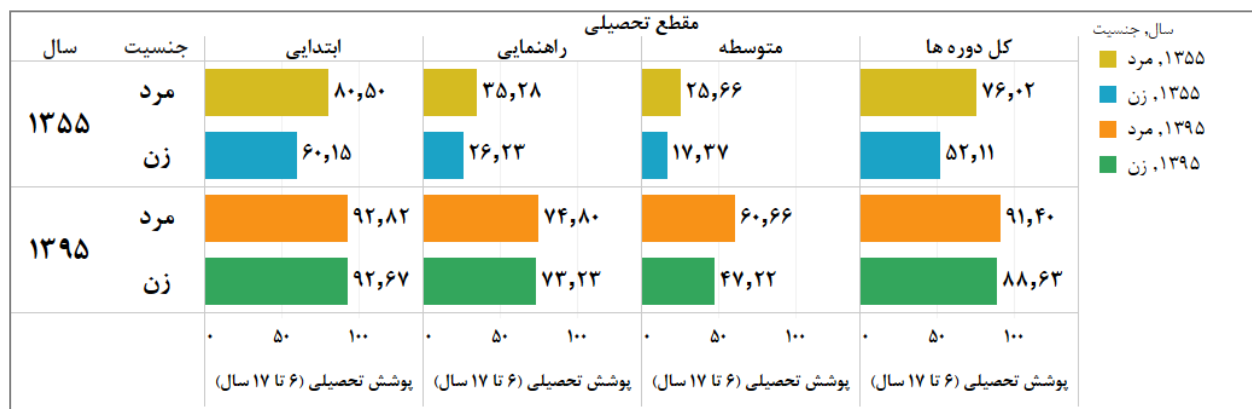
(ماخذ: محاسبات تحقیق)

د: پوشش تحصیلی بر حسب جنسیت (۹۵ و ۵۵)

در سال ۱۳۵۵، در تمامی مقاطع تحصیلی، پوشش تحصیلی در میان جنسیت مرد از جنسیت زن بیشتر بوده است. این شکاف در سال ۱۳۹۵ و بر حسب جمعیت ۶ تا ۱۷ سال، بهبود چشمگیری پیدا کرده است. نرخ پوشش تحصیلی در میان جنسیت مرد و زن در سال ۱۳۹۵، به ترتیب، ۹۱,۴ و ۸۸,۶ درصد بوده است.

با این وجود، در مقطع دوم متوسطه همچنان شکاف زیادی میان مردان و زنان وجود دارد. در سال ۱۳۹۵، پوشش تحصیلی مردان و زنان در مقطع متوسطه دوم به ترتیب، ۶۰,۶۶ و ۴۷,۲۲ درصد می‌باشد. این موضوع نشان‌دهنده این است که زنان نسبت به مردان در مقطع دوم متوسطه ترک تحصیل می‌کنند. همچنین با توجه به این که پوشش تحصیلی مقطع متوسطه جمعیت روستایی نسبت به جمعیت شهری کمتر است، زنان روستایی به

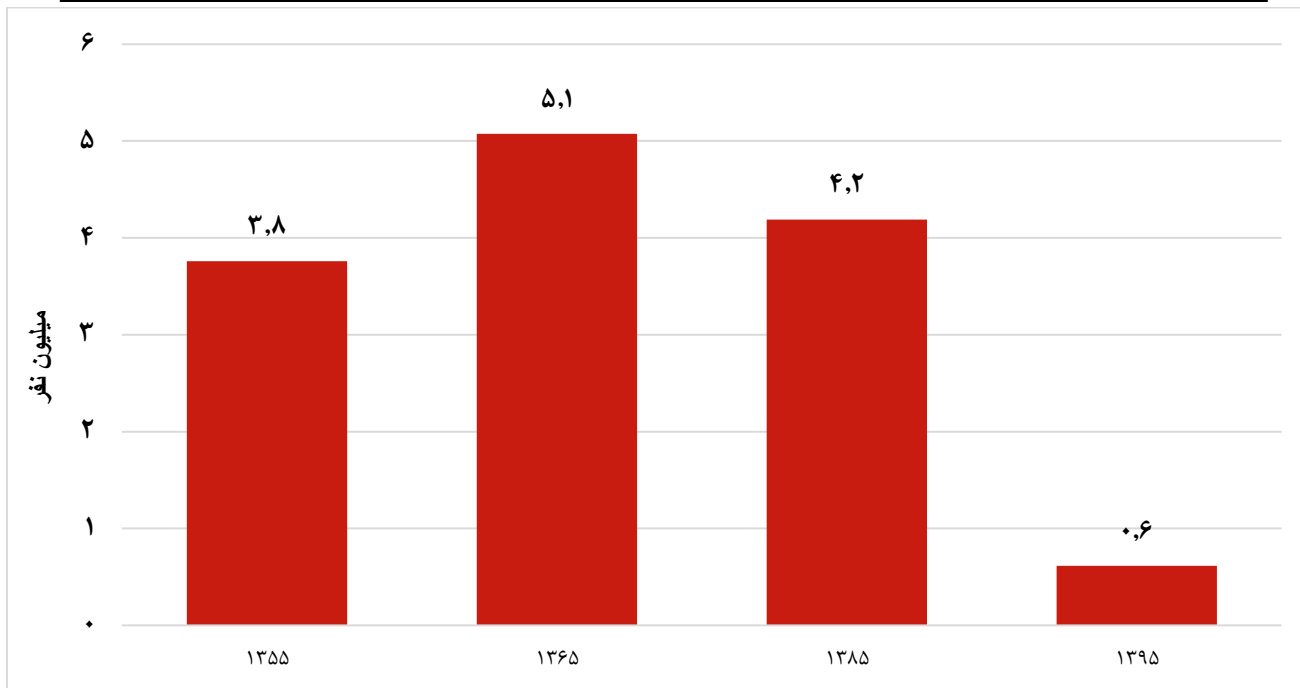
نسبت بیشتری از زنان ساکن در مناطق شهری ترک تحصیل می‌کنند. نمودار ۲-۱۱ پوشش تحصیلی را در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و کل دوره‌ها (بازه سنی ۶-۱۷ سال) در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.



۲-۲-۲- بچه‌های بیرون از مدرسه

تعداد کودکان خارج از مدرسه یکی از اصلی‌ترین متغیرهای نشان‌دهنده موفقیت یک کشور در ایجاد فرصت‌های برابر در جامعه به منظور تحصیل می‌باشد. کودکان در سنین مربوط به تحصیلات عمومی به دو دلیل در خارج از مدرسه و محیط تحصیلی حضور دارند. گروهی از آنها بی‌سواد تلقی شده و به تحصیلات عمومی وارد نشده‌اند، گروهی دیگر از آنها به دلیل ترک تحصیل در مدرسه حضور ندارند. در طول چهار دهه اخیر این متغیر با وجود افزایش جمعیت، کاهش قابل توجهی داشته است، به نحوی که این متغیر از ۳,۷۶ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵، به ۶۱۵ هزار نفر در سال ۱۳۹۵ کاهش یافت.

با وجود این کاهش قابل توجه در تعداد کودکان خارج از مدرسه، همچنان از جمعیت ۷,۱۸ میلیون نفری کودکان بین ۶ تا ۱۷ سال، ۸,۵۶ درصد از آنها (۶۱۵ هزار نفر) در خارج از مدرسه قرار دارند. با توجه به این که بخشی از این جمعیت بی‌سواد بوده و بخشی دیگر ترک تحصیل کرده‌اند، برآورد این تحقیق نشان می‌دهد که از جمعیت ۶۱۵ هزار نفری خارج از مدرسه در سنین ۶ تا ۱۷ سال، حدود ۳۸۵ هزار نفر بی‌سواد و ۲۳۰ هزار نفر به دلیل ترک تحصیل در مدرسه حضور ندارند. وجود این جمعیت از کشور که قبل از اتمام دوره متوسطه دوم ترک تحصیل کرده‌اند، نشانگر این است که نظام آموزشی کشور علاوه بر انسداد ورود افراد بی‌سواد به کشور، در نگهداری دانش‌آموزان تا پایان مقطع متوسطه نیز به موفقیت کامل نائل نیامده است. نمودار ۲-۱۲ تعداد افراد خارج از مدرسه را در بازه زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.



نمودار ۲-۱۲: تعداد کودکان خارج از مدرسه در بازه زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ (گروه سنی ۶ تا ۱۷ سال)

ماخذ: محاسبات تحقیق

با بررسی وضعیت نسبت کودکان خارج از مدرسه به جمعیت در هر سن، مشاهده می‌شود که هر چه به سمت مقطع سنی ۱۷ سال حرکت می‌کنیم، نسبت کودکان خارج از مدرسه بیشتر می‌گردد. این موضوع به دلیل ترک تحصیل روی می‌دهد.

بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ را می‌توان موفقیت‌آمیزترین دوره کاهش تعداد و سهم کودکان خارج از مدرسه نامید. در این دوران، نسبت کودکان خارج از مدرسه به کل جمعیت در گروه سنی ۶ تا ۱۷ سال، از ۲۵,۷ درصد به ۸,۵۶ درصد رسیده است. این موفقیت در تمام گروه‌های سنی مشاهده می‌شود.

بررسی وضعیت کشور در چهار دهه اخیر نشان می‌دهد که ترک تحصیل در سنین ۱۵ تا ۱۷ سال در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۵ و سال‌های قبل از آن بهبود چشمگیری یافته است، به نحوی که نسبت کودکان خارج از مدرسه از ۴۶، ۵۶ و ۶۱ درصد در سنین ۱۵، ۱۶ و ۱۷ در سال ۱۳۸۵، به ترتیب به ۹,۶، ۱۵ و ۲۸ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. نمودار ۲-۱۳ نسبت کودکان خارج از مدرسه را به تعداد جمعیت در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.

دستاوردها و چالش‌های بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

سال	۶ساله	۷ساله	۸ساله	۹ساله	۱۰ساله	۱۱ساله	۱۲ساله	۱۳ساله	۱۴ساله	۱۵ساله	۱۶ساله	۱۷ساله	۶ تا ۱۷ سال
۱۳۵۵	۴۳,۸۱	۲۶,۶۸	۲۳,۴۶	۲۱,۸۱	۲۴,۹۳	۲۴,۸۹	۲۳,۲۹	۳۵,۰۱	۴۱,۹۸	۴۹,۱۵	۵۴,۵۶	۶۱,۶۷	۳۵,۵۳
۱۳۶۵	۳۳,۹۰	۱۹,۳۱	۱۷,۸۳	۱۶,۷۰	۱۹,۳۳	۲۰,۵۰	۲۷,۷۶	۳۴,۲۱	۴۴,۷۰	۵۵,۲۰	۶۲,۹۴	۶۹,۹۹	۳۳,۷۸
۱۳۸۵	۲۹,۱۷	۶,۰۸	۶,۳۲	۶,۳۲	۱۰,۴۶	۹,۸۵	۱۱,۶۶	۱۳,۲۶	۱۶,۲۲	۴۶,۷۶	۵۶,۱۴	۶۱,۰۱	۲۵,۷۴
۱۳۹۵	۱۷,۷۴	۵,۳۵	۴,۷۱	۴,۵۱	۲,۳۰	۲,۳۶	۳,۲۴	۴,۱۷	۶,۰۶	۹,۶۷	۱۵,۴۴	۲۸,۳۴	۸,۵۶

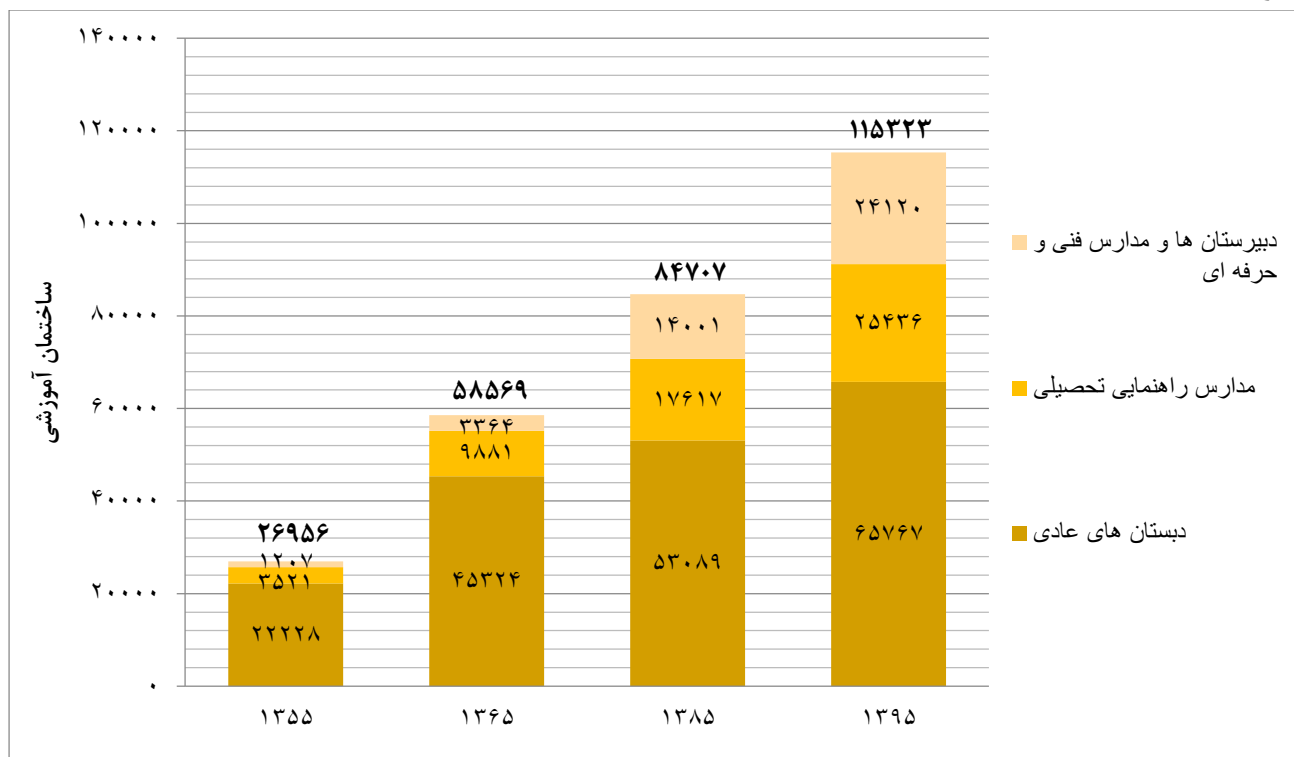
نمودار ۲-۱۳: نسبت کودکان خارج از مدرسه به تعداد جمعیت در هر سن (گروه سنی ۶ تا ۱۷ سال)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۲-۳- وضع فضاهای آموزشی

فضای آموزشی به عنوان زیرساخت فیزیکی آموزش نقش مهمی در کیفیت آموزش و بهره‌وری دانش‌آموزان دارد. تراکم پایین تعداد دانش‌آموزان در کلاس، وجود امکانات آموزشی و رفاهی از عوامل تاثیرگذار بر عملکرد دانش‌آموزان به شمار می‌رود. با انفجار جمعیتی در دهه ۱۳۶۰ شمسی، نظام آموزشی کشور با مشکل تأمین فضای آموزشی دانش‌آموزان در دو دهه بعد رو به رو شد. با تأمین فضای آموزشی دانش‌آموزان در طی دوره مزبور، در طی ۱۰ سال اخیر، نظام آموزشی کشور بر افزایش کیفیت فضای آموزشی کشور متمرکز شده بود.

نمودار ۲-۱۴ تعداد ساختمان‌های آموزشی را به تفکیک مدارس دوره ابتدایی، دوره اول متوسطه و دوره دوم متوسطه در طی چهار دهه اخیر نشان می‌دهد. در دهه ۶۰ که نیاز بیشتری به مدارس ابتدایی احساس می‌شد، تعداد مدارس در این مقطع تقریباً دو برابر شد. همچنین با گسترش آموزش عمومی در مقاطع اول و دوم متوسطه، مدارس این مقاطع نیز حدوداً سه برابر شد. در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شمسی با توجه به این که رشد جمعیت کاهش یافت، از شتاب رشد مدارس در مقطع ابتدایی نیز کاسته شد. با این وجود، لزوم گسترش آموزش عمومی در مقاطع دوم و سوم متوسطه و حضور متولدین دهه ۶۰، منجر به افزایش ساختمان‌های آموزشی در مقاطع دوم و سوم متوسطه شد.



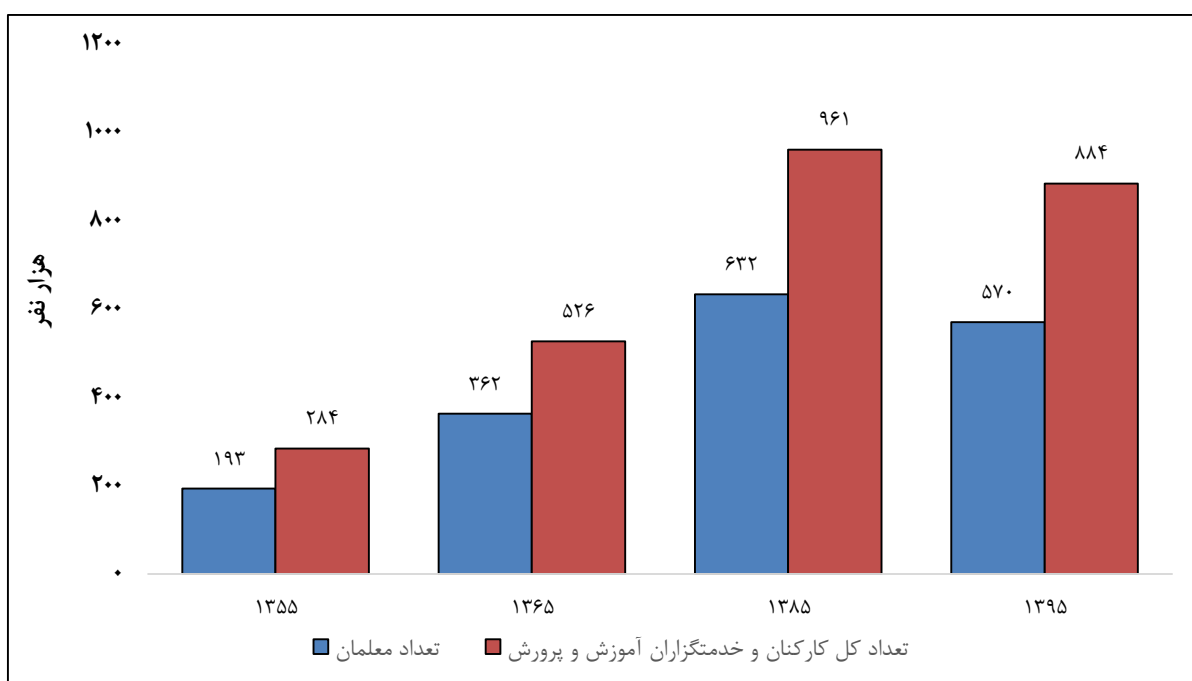
نمودار ۲-۱۴: تعداد ساختمان آموزشی در مقاطع ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم - (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

ماخذ: محاسبات تحقیق

۲-۴- تحول وضع کارکنان و معلمان

۲-۴-۱- کارکنان

با توجه به تحولات جمعیتی و گسترش آموزش عمومی در کشور، تعداد معلمان نیز در طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ افزایش یافت. اما در ۱۰ سال اخیر و با کاهش تعداد دانش‌آموزان، تعداد معلمان و کارکنان شاغل در آموزش و پرورش نیز کاهش یافت. همچنین انتظار می‌رود با توجه به هرم جمعیتی کشور در سال ۱۳۹۵ و کاهش تعداد دانش‌آموزان، تعداد کارکنان معلمان در سال‌های آتی نیز کاهش یابد. نمودار ۲-۱۵ تعداد کارکنان و معلمان شاغل در آموزش و پرورش را در طی چهار دهه اخیر نشان می‌دهد.



نمودار ۲-۱۵: تعداد معلمان و کارکنان آموزش و پرورش (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

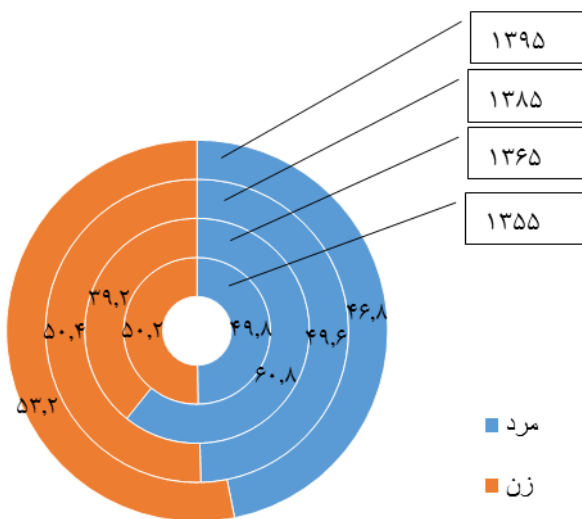
(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۲-۴-۲- معلمان

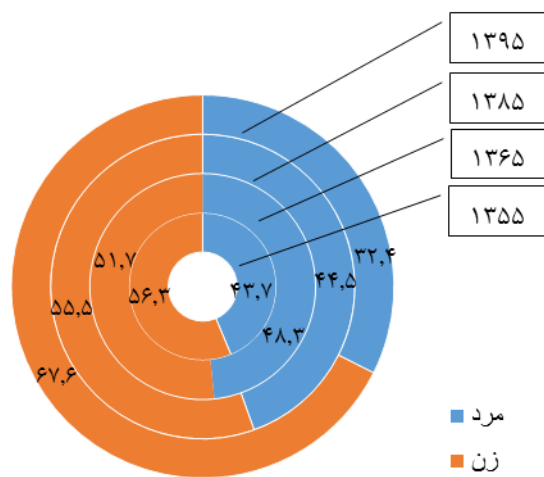
بررسی تغییرات سهم جنسیتی معلمان زن و مرد نشان می‌دهد که در طول چهار دهه اخیر، این نسبت به نفع معلمان زن تغییر کرده است. به غیر از بازه زمانی سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ که سهم معلمان زن از کل معلمان، از ۵۲,۶ درصد به ۴۶,۲ درصد کاهش یافت، در طول سه دهه بعد، این سهم افزایش یافته و به ۶۰,۹ درصد رسیده است.

تغییرات مزبور در مقاطع ابتدایی و دبیرستان نسبت به دوره راهنمایی بیشتر بوده است. در مقطع ابتدایی، سهم معلمان زن از ۵۶,۳ درصد به ۶۷,۶ درصد و در مقطع دبیرستان این سهم از ۲۷,۸ درصد به ۵۹,۴ درصد افزایش یافته است. با توجه به تحولات هرم جمعیت کشور بر حسب میزان تحصیلات، مشخص است که در سال ۱۳۵۵، افراد بی‌سواد با جنسیت زن، سهم بیشتری از تعداد افراد بی‌سواد را در کشور تشکیل می‌دادند. اما با گذشت زمان و افزایش میانگین سال‌های تحصیل در میان آنها، تقاضا برای آموزش زنان نیز افزایش یافته است. بخش بزرگی از افزایش سهم معلمان، به خصوص در دوره دبیرستان، به این خاطر بوده است. نمودارهای ۲-۱۶، ۲-۱۷، ۲-۱۸ و ۲-۱۹ سهم جنسیتی معلمان را در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و در مجموع نشان می‌دهد.

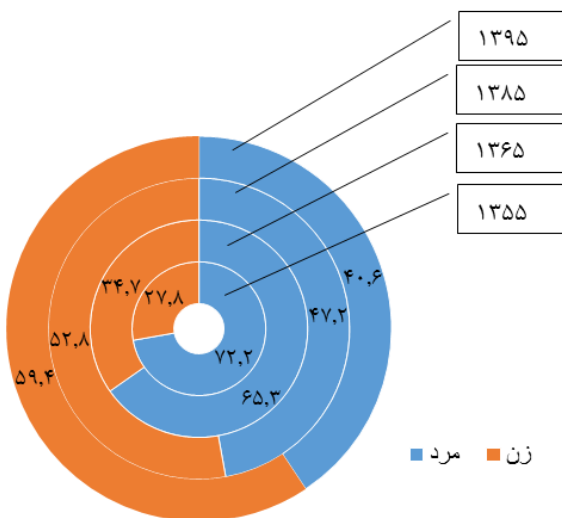
دستاوردها و چالش‌های بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵



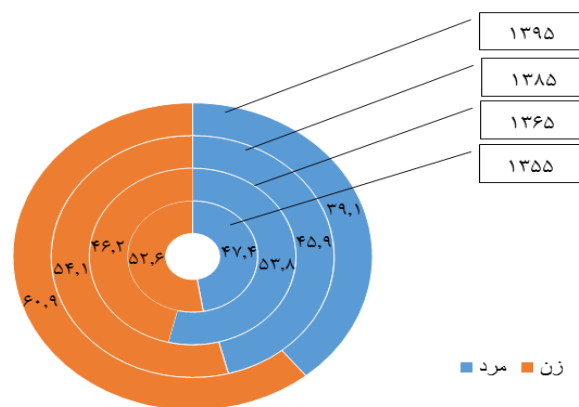
نمودار ۲-۱۷: سهم جنسیتی معلمان در مقطع راهنمایی (۱۳۵۵-۱۳۹۵)



نمودار ۲-۱۶: سهم جنسیتی معلمان در مقطع ابتدایی (۱۳۵۵-۱۳۹۵)



نمودار ۲-۱۸: سهم جنسیتی معلمان در مقطع دبیرستان (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

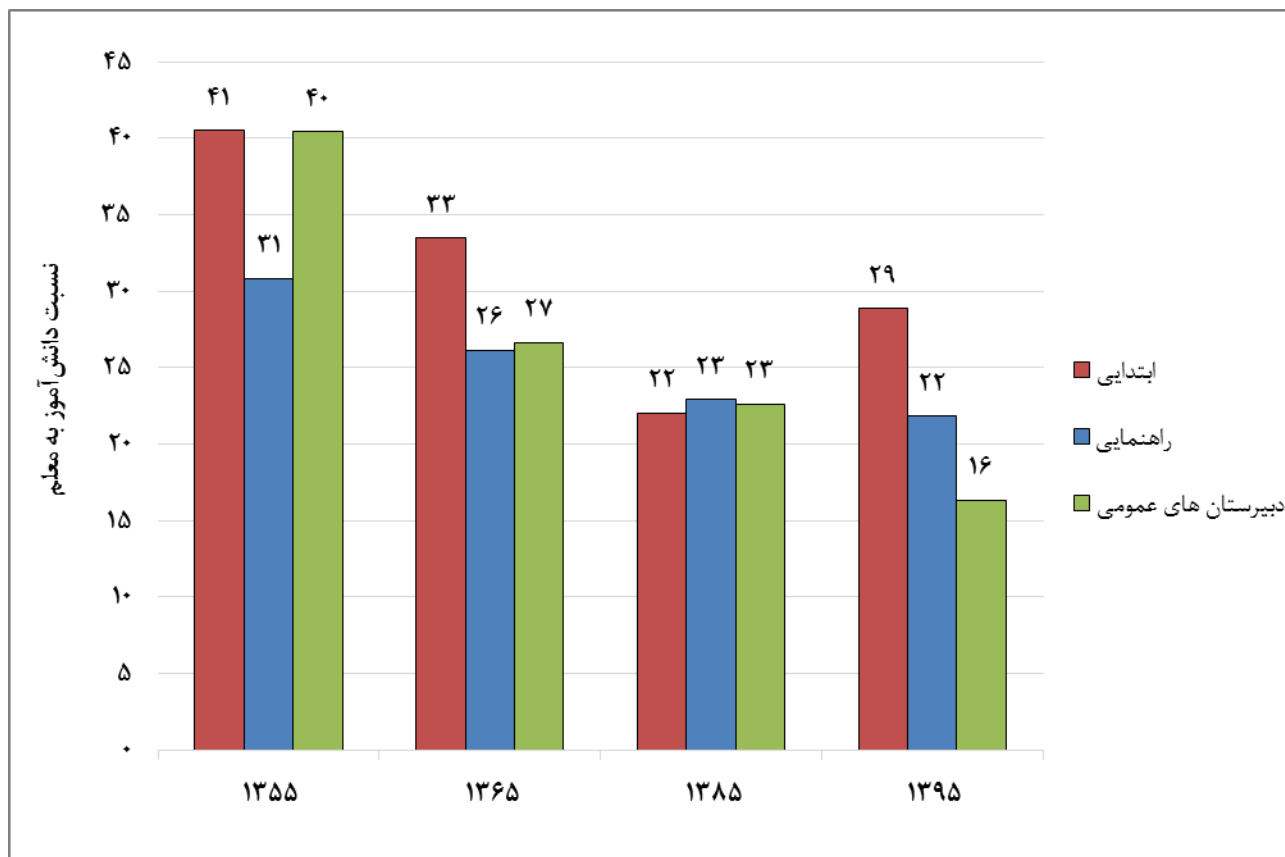


نمودار ۲-۱۹: سهم جنسیتی کل معلمان (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

۲-۴-۳- نسبت دانش آموز به معلم

تعداد معلمان را نمی‌توان به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری منابع انسانی اختصاص یافته به آموزش عمومی قلمداد کرد. برای بررسی این موضوع بهتر است شاخص نسبت دانش آموز به معلم مورد بررسی قرار بگیرد. استفاده از این شاخص به خصوص در مقطع ابتدایی که هر معلم وظیفه تدریس در یک کلاس را بر عهده دارد، به خوبی تراکم دانش‌آموزان در یک کلاس را نشان می‌دهد.

نسبت دانش‌آموز به معلم در تمامی مقاطع تحصیلی کاهش یافته است. این نسبت در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان به ترتیب از ۴۱، ۳۱ و ۴۰ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۹، ۲۲ و ۱۶ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. تعداد معلمان در مقطع ابتدایی در طی ده سال اخیر، تقریباً ثابت مانده است و علت افزایش نسبت دانش‌آموز به معلم در این مقطع، افزایش تعداد دانش‌آموزان بوده است. نمودار ۲-۲۰ نسبت دانش‌آموز به معلم را در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در بازه زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.



نمودار ۲-۲۰: نسبت دانش‌آموز به معلم در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

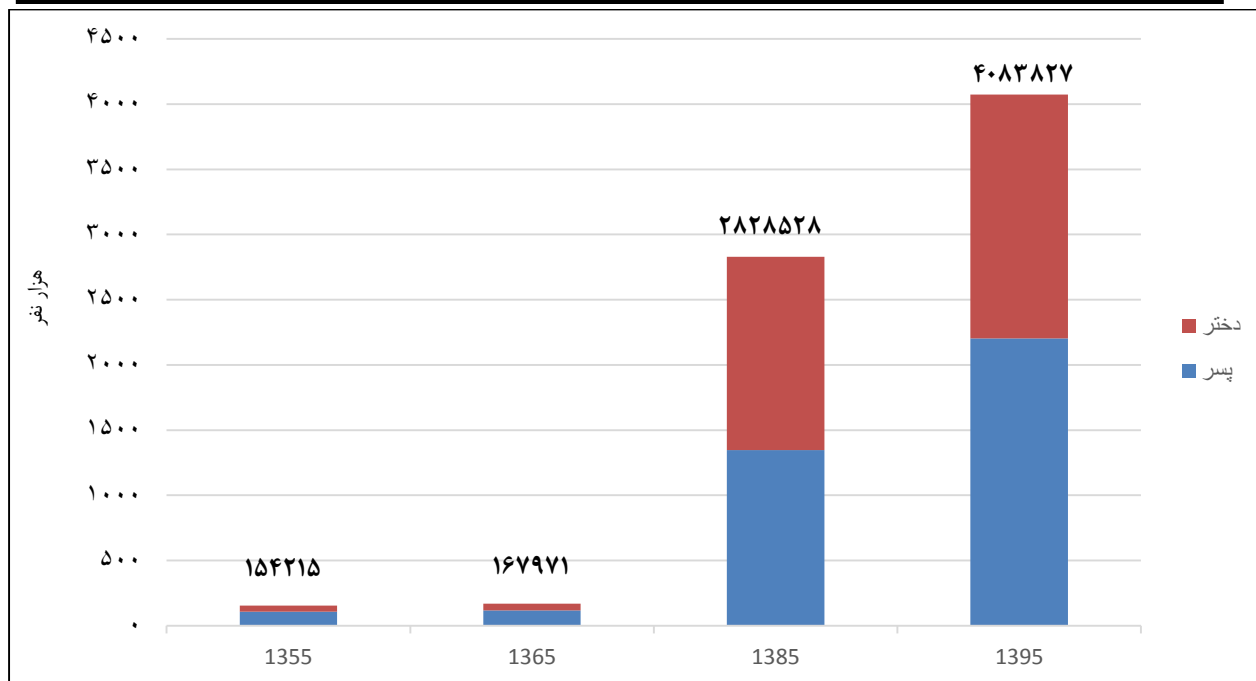
(ماخذ: محاسبات تحقیق)

بخش سوم، تحول آموزش عالی در طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۹۵

آموزش عالی به عنوان یکی از اجزای نظام آموزشی کشور، وظیفه تربیت نیروی کار ماهر و فعالیت‌های مربوط به تحقیقات و تولید دانش را بر عهده دارد. دانش همواره به عنوان یکی از اجزای رشد اقتصادی مطرح می‌شود. کشورهای که سهم بالاتری از نیروی کار آنها دارای تحصیلات دارند، ظرفیت بالاتری برای استفاده از تکنولوژی و فناوری در اختیار دارند. این موضوع افزایش بهره‌وری نیروی کار و افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید را در پی دارد. با این حال صرف فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه، تضمین کننده افزایش بهره‌وری در افراد نیست. کیفیت آموزش عالی عامل اصلی افزایش بهره‌وری نیروی کار و تولید نیروی کار ماهر در یک اقتصاد می‌باشد. در این قسمت تحولات آموزش عالی در طی دوران چهل ساله بعد از انقلاب مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحولات آموزش عالی در سطوح تحصیلی، گروه‌های تحصیلی، مراکز آموزش عالی و اعضای هیات علمی تجزیه و تحلیل خواهد شد.

۳-۱- تحول وضع دانشجویان

گسترش آموزش عالی در طی چهل سال اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است، به نحوی که تعداد دانشجویان از ۱۵۴ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به حدود ۴ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. افزایش تعداد دانشجویان با تغییرات در ساختار جنسیتی آنها نیز همراه بوده است، به نحوی که سهم دانشجویان پسر از ۷۰ درصد در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، به ۴۷،۶ و ۵۴،۱ درصد در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ رسیده است. نمودار ۳-۱ وضعیت تعداد دانشجویان را در طی ۴۰ سال اخیر نشان می‌دهد.



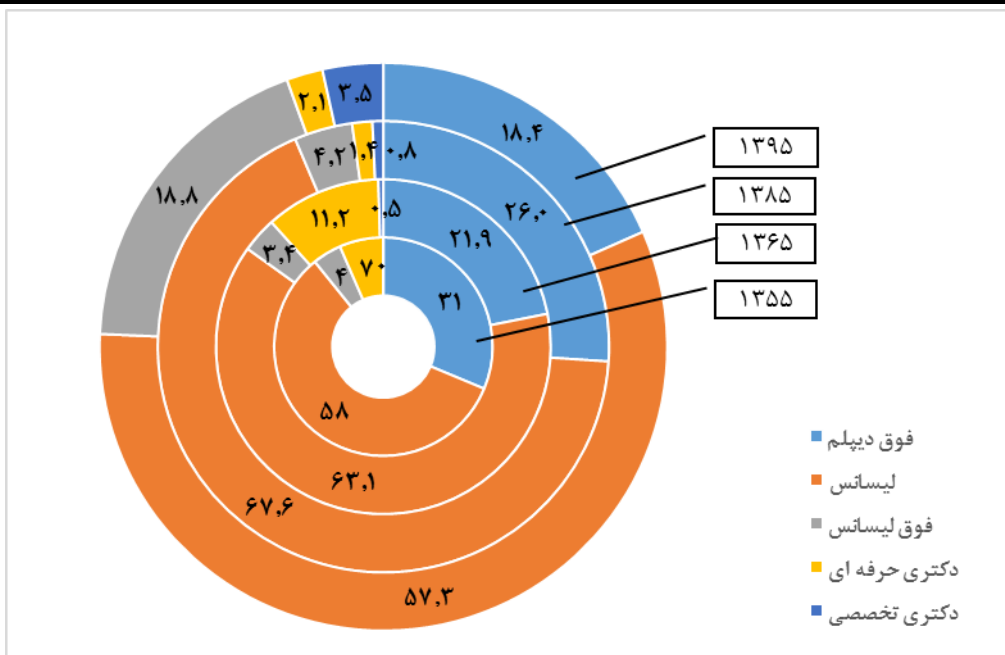
نمودار ۱-۳: تعداد دانشجویان بر حسب جنسیت (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۳-۱-۱-۱-۳- دانشجویان بر حسب سطوح تحصیلی

در طی چهل سال گذشته، سهم دانشجویان در سطوح پایین تحصیلی (کاردانی و کارشناسی) کاهش یافته و در عوض سهم دانشجویان در سطوح بالای تحصیلی افزایش یافته است. این تغییرات در ۱۰ سال گذشته شدیدتر بوده است. سهم دانشجویانی که در دوره فوق لیسانس، دکتری حرفه‌ای و دکتری تخصصی تحصیل می‌کنند، به ترتیب از ۴,۲، ۱,۴، و ۰,۸ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۸,۸، ۲,۱ و ۳,۵ درصد افزایش یافته است.

تغییر ساختار آموزش عالی کشور به سمت آموزش در سطوح بالای تحصیلی این امکان را به وجود می‌آورد تا سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه و گسترش اقتصاد دانش‌بنیان با سرعت بیشتری در کشور اجرایی شود. علاوه بر این، تغییرات مزبور لزوم کاهش فاصله بین صنعت و دانشگاه و افزایش قابلیت‌های این گروه از دانشجویان را به منظور جذب در بازار کار یادآور می‌شود. نمودار ۲-۳ سهم دانشجویان را در سطوح مختلف تحصیلی بین سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.



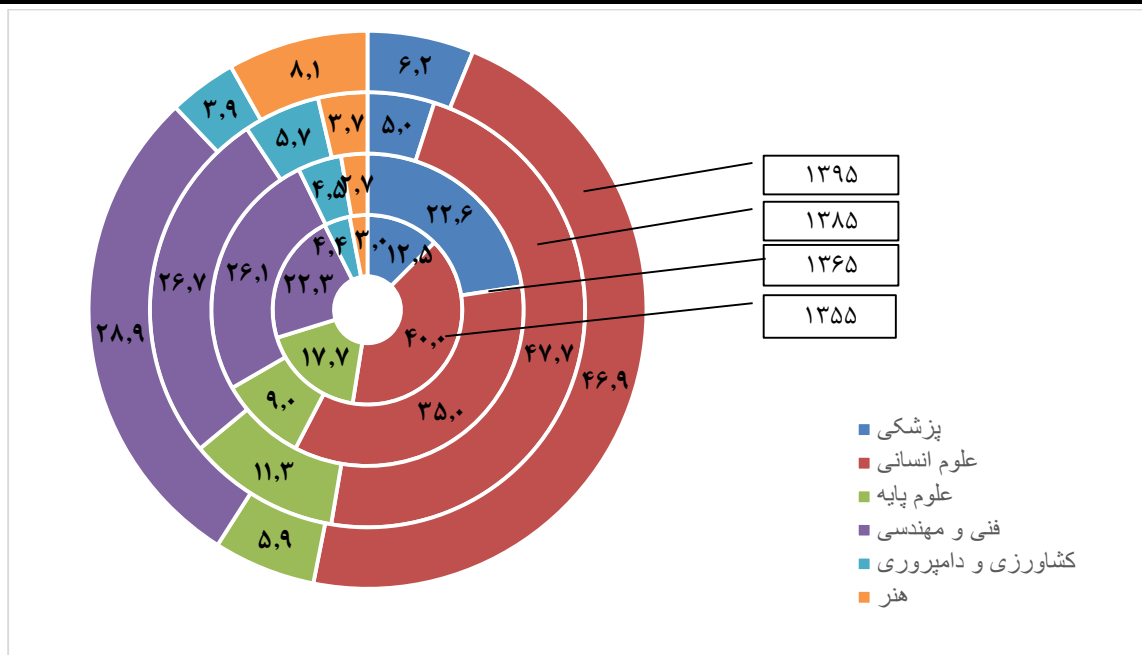
نمودار ۳-۲: سهم دانشجویان در سطوح مختلف تحصیلی (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۳-۱-۲- دانشجویان بر حسب گروه‌های تحصیلی

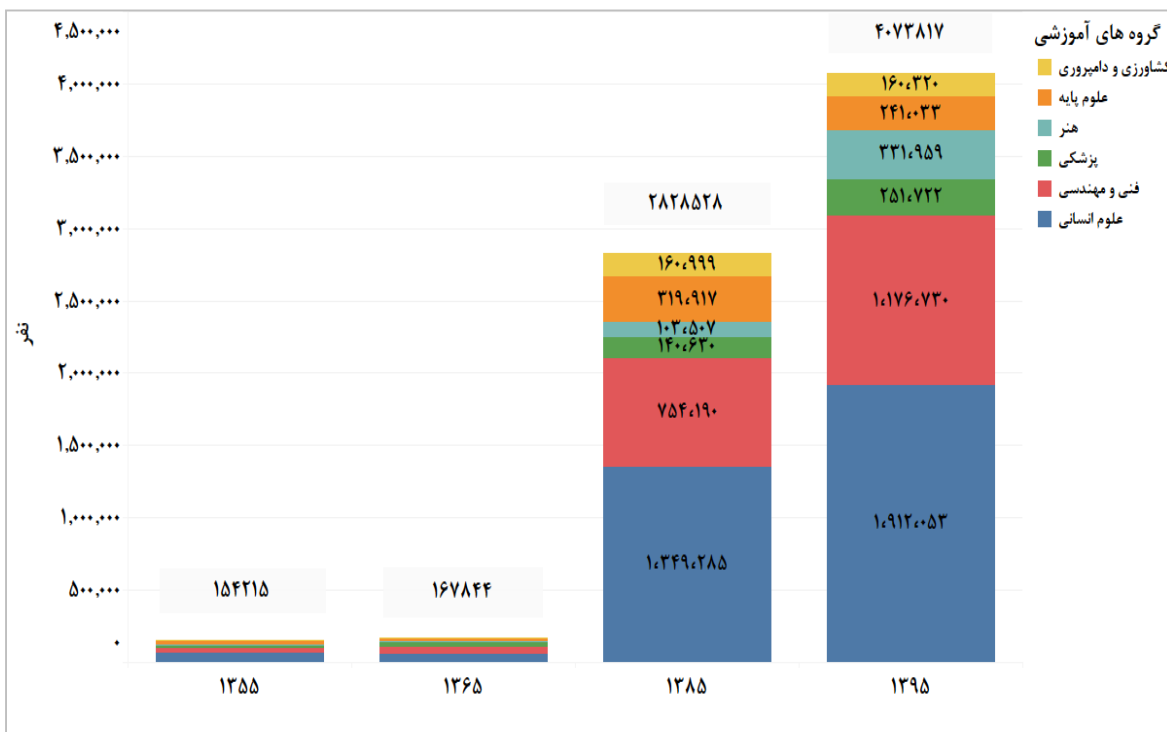
بررسی سهم دانشجویان در گروه‌های مختلف تحصیلی نشان می‌دهد که گروه‌های انسانی و فنی و مهندسی سهمی ۷۵ درصدی از تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل را تشکیل می‌دهند. سهم دانشجویان در گروه علوم انسانی در طی ۴۰ سال اخیر افزایش یافته و از ۴۰ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۴۶٫۹ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. سهم تعداد دانشجویان در رشته‌های مربوط به گروه فنی و مهندسی نیز از سهمی ۲۲٫۳ درصدی به ۲۸٫۹ درصد رسیده است.

در سال‌های ابتدای بعد از انقلاب اسلامی، کمبود نیروی انسانی در بخش بهداشت و درمان به شدت احساس می‌شد. اکثر مناطق کشور با کمبود نیروهای ارائه‌دهنده خدمات پزشکی رو به رو بوده‌اند. ادغام دانشگاه‌های علوم پزشکی در وزارت بهداشت و افزایش پذیرش دانشجویان در این رشته‌ها، منجر به افزایش دانشجویان گروه پزشکی شد. با توجه به نیاز کشور به فارغ‌التحصیلان در حوزه سلامت، تعداد دانشجویان در فاصله بین سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به شدت بالا رفت و از ۱۹ هزار نفر به ۳۵ هزار نفر رسید. با توجه به افزایش جمعیت، تعداد دانشجویان رشته‌های گروه پزشکی در سال‌های بعد نیز بالا رفت، اما این گروه سهم کمتری از تعداد دانشجویان را به خود اختصاص دادند. سهم دانشجویان در گروه پزشکی از ۱۲٫۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۲٫۶ درصد در سال ۱۳۶۵ رسید و در سال ۱۳۹۵ از سهم دانشجویان در این گروه کاسته شد و به حدود ۶٫۲ درصد رسیده است. نمودارهای ۳-۳ و ۳-۴ سهم و تعداد دانشجویان در گروه‌های مختلف تحصیلی را نشان می‌دهد.



نمودار ۳-۳: سهم دانشجویان در گروه‌های مختلف تحصیلی (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)



نمودار ۴-۳: تعداد دانشجویان در گروه‌های مختلف تحصیلی (۱۳۹۵-۱۳۵۵)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

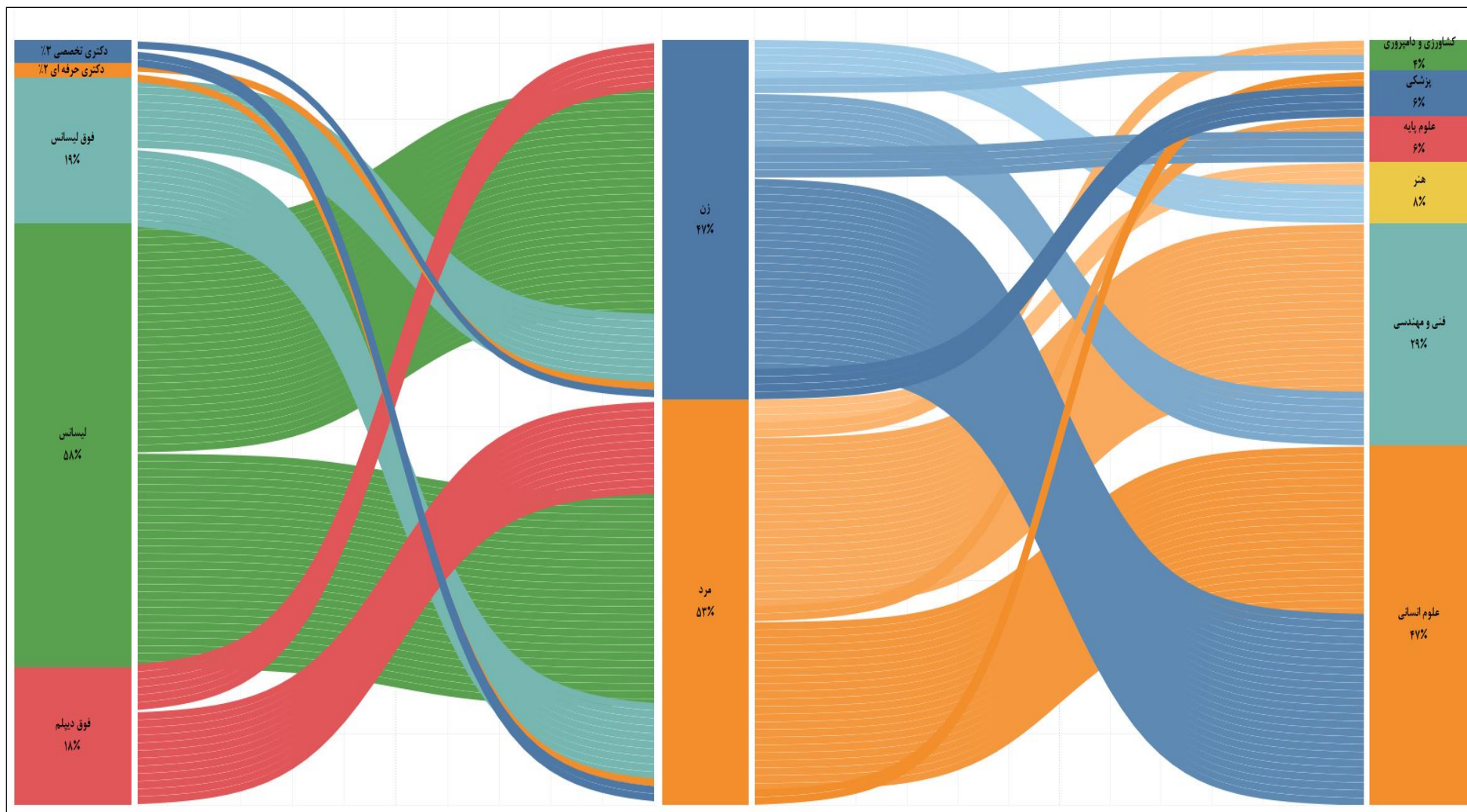
۳-۱-۳- دانشجویان بر حسب جنسیت

در حال حاضر از جمعیت ۴۰۷۳۸۱۷ نفری مشغول به تحصیل در آموزش عالی، دانشجویان پسر و دختر به ترتیب سهمی ۵۳ و ۴۷ درصدی را به خود اختصاص داده‌اند.

مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری حرفه‌ای و تخصصی به ترتیب سهمی برابر با ۱۸,۴، ۵۷,۳، ۱۸,۸، ۲,۱ و ۳,۵ درصدی از تعداد دانشجویان را تشکیل می‌دهند. از سهم ۱۸,۴ درصدی دانشجویان مقطع کاردانی، تعداد دانشجویان پسر تقریباً دو برابر دانشجویان دختر است و دانشجویان پسر و دختر تقریباً سهمی برابر با ۱۲ و ۶ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. سهم دانشجویان پسر و دختر در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری حرفه‌ای تقریباً یکسان است. در مقطع دکتری تخصصی سهم دانشجویان دختر و پسر به ترتیب برابر با ۱,۴ و ۲ درصد می‌باشد.

بررسی وضعیت دانشجویان در گروه‌های مختلف تحصیلی نشان می‌دهد که سهم افراد مشغول به تحصیل در آموزش عالی در گروه‌های علوم انسانی، فنی و مهندسی، علوم پزشکی، هنر، علوم پایه، و کشاورزی و دامپروری به ترتیب برابر با ۴۶,۹، ۲۸,۹، ۶,۲، ۸,۱، ۵,۹ و ۴ درصد بوده است. در گروه علوم انسانی، سهم دخترها و پسرها به ترتیب برابر با ۲۴,۵ و ۲۲,۴ بوده است. در گروه فنی و مهندسی، دانشجویان با جنسیت پسر تقریباً سه برابر دخترها بوده‌اند و به ترتیب سهمی ۲۲,۲ و ۶,۷ درصدی داشته‌اند. بر خلاف گروه فنی و مهندسی، در گروه‌های هنر، پزشکی، علوم پایه و کشاورزی و دامپروری سهم دخترها بیشتر از پسرها بوده است. در گروه هنر سهم دخترها و پسرها به ترتیب برابر با ۴,۷ و ۳,۵ درصد و در گروه پزشکی این سهم، ۳,۹ و ۲,۳ درصد بوده است. این نسبت در گروه علوم پایه ۴,۱ و ۱,۸ و در گروه کشاورزی و دامپروری برابر با ۲,۱ و ۱,۹ درصد بوده است.

در نمودار جریانی ۳-۵، وضعیت دانشجویان بر حسب جنسیت، سطوح و گروه‌های تحصیلی در سال ۱۳۹۵ ارائه شده است.

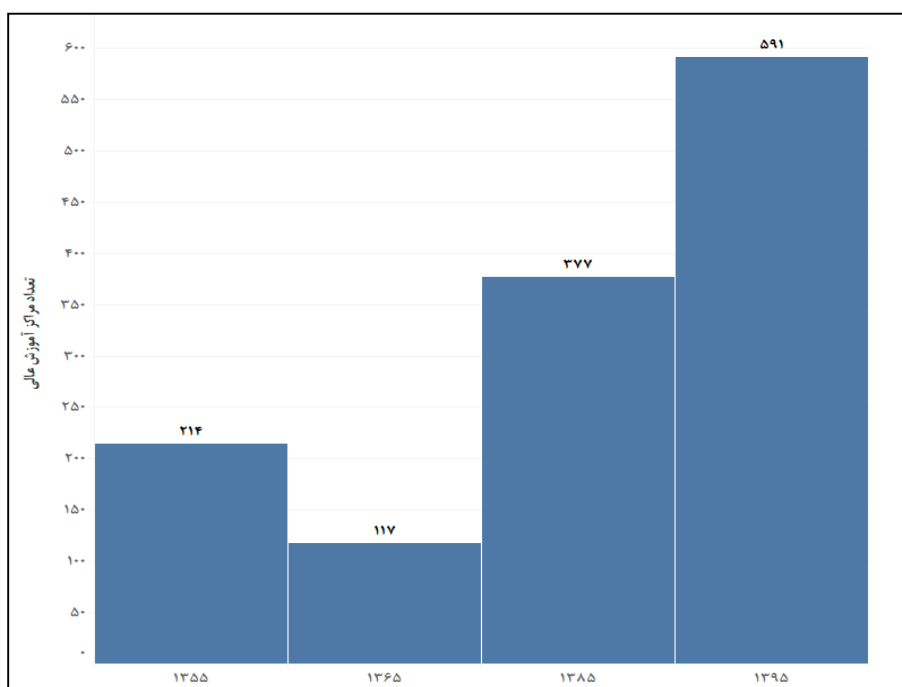


نمودار ۳-۵: وضعیت تعداد دانشجویان در گروه‌های تحصیلی، سطوح تحصیلی و بر حسب جنسیت در سال ۱۳۹۵

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۳-۲- وضعیت مراکز آموزش عالی و تغییرات آن در چهل سال گذشته

بررسی تعداد مراکز آموزش عالی در طول دوره مورد بررسی نشان می‌دهد که تعداد این مراکز از ۲۱۴ مرکز در سال ۱۳۵۵ به ۵۹۱ مرکز در سال ۱۳۹۵ رسیده است. نمودار ۳-۶ تعداد مراکز آموزش عالی را در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد. با انقلاب فرهنگی و بازطراحی نظام آموزش عالی، تعداد مراکز آموزش عالی از ۲۱۴ مرکز در سال ۱۳۵۵ به ۱۱۷ مرکز در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت. با این وجود تأسیس دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی بعد از این دوره با شتاب زیادی آغاز شد.

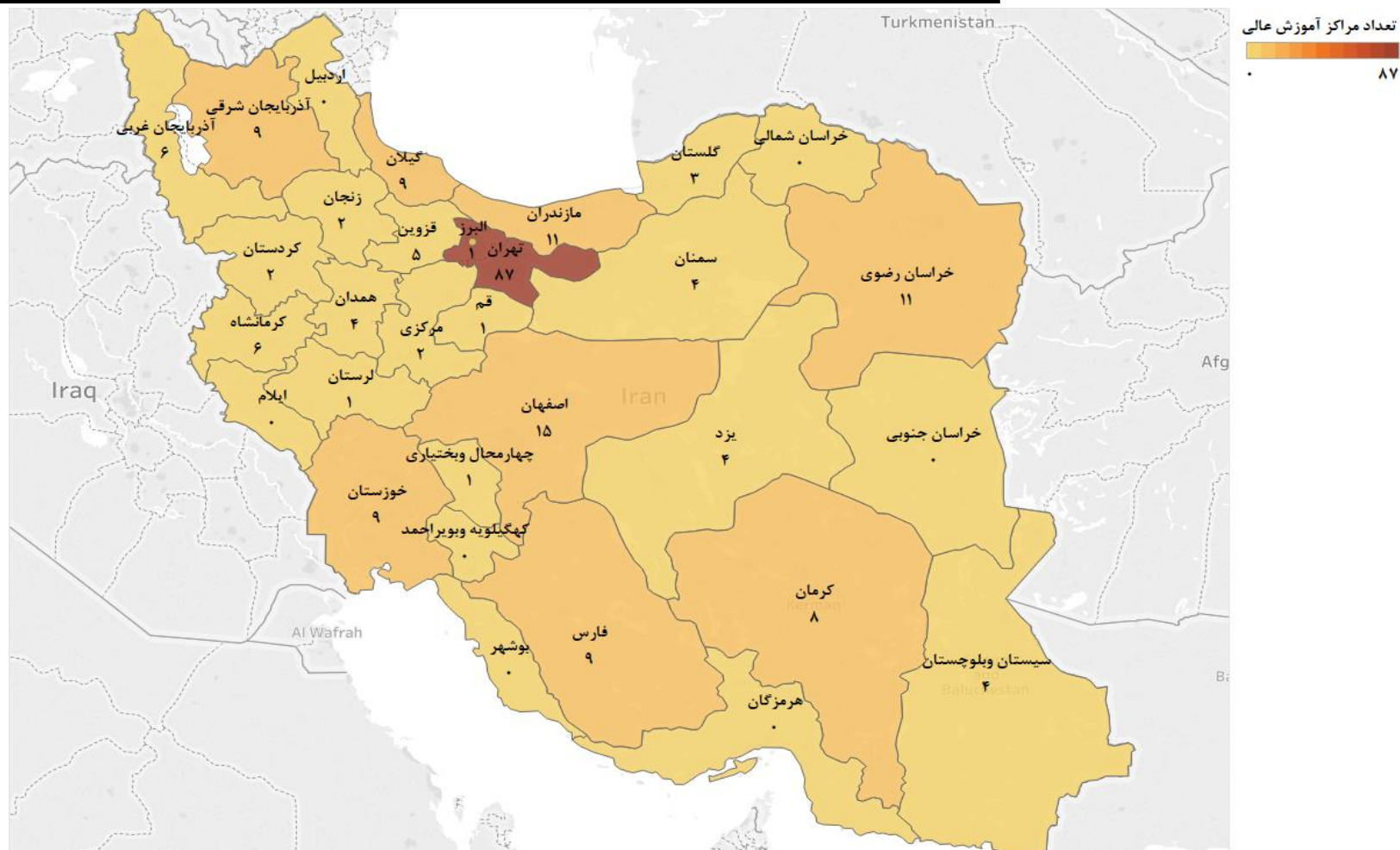


نمودار ۳-۶: تعداد مراکز آموزش عالی (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۳-۲-۱- مراکز آموزش عالی در استان‌ها

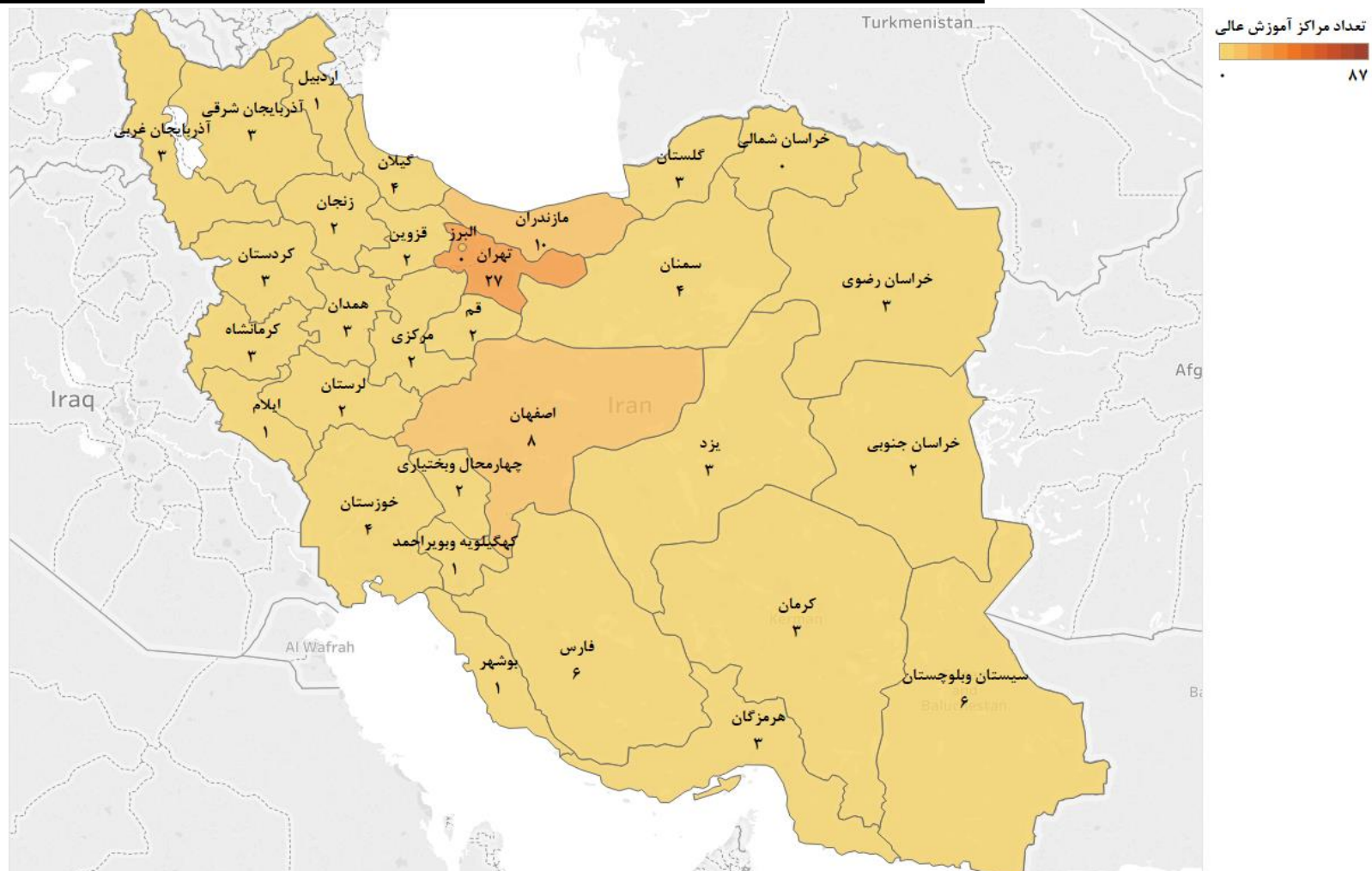
در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور عمدتاً در تهران و برخی از مراکز استان‌ها متمرکز بود. در سال‌های بعد از انقلاب فرهنگی تأسیس این مراکز در شهرستان‌ها و با هدف دسترسی به امکانات آموزش عالی در اقصی نقاط کشور در دستور کار قرار گرفت. نمودارهای ۳-۷ و ۳-۸، ۳-۹ و ۳-۱۰ پراکندگی مراکز آموزش عالی را در استان‌های کشور طی بازه زمانی ۱۳۵۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد.



نمودار ۳-۷: تعداد مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۵۵

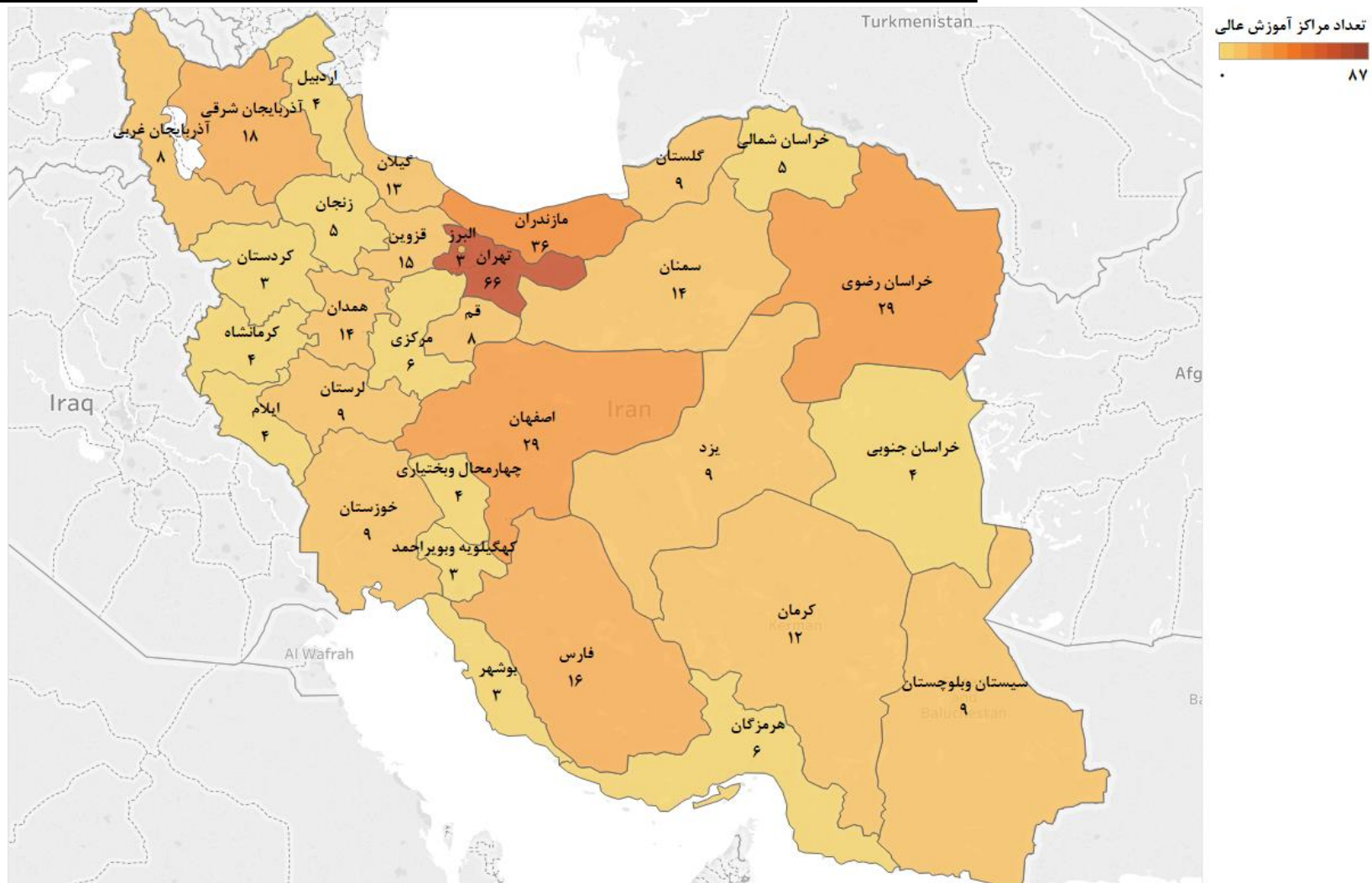
(ماخذ: محاسبات تحقیق)

دستاوردها و چالش‌های بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵



نمودار ۳-۸: تعداد مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۶۵

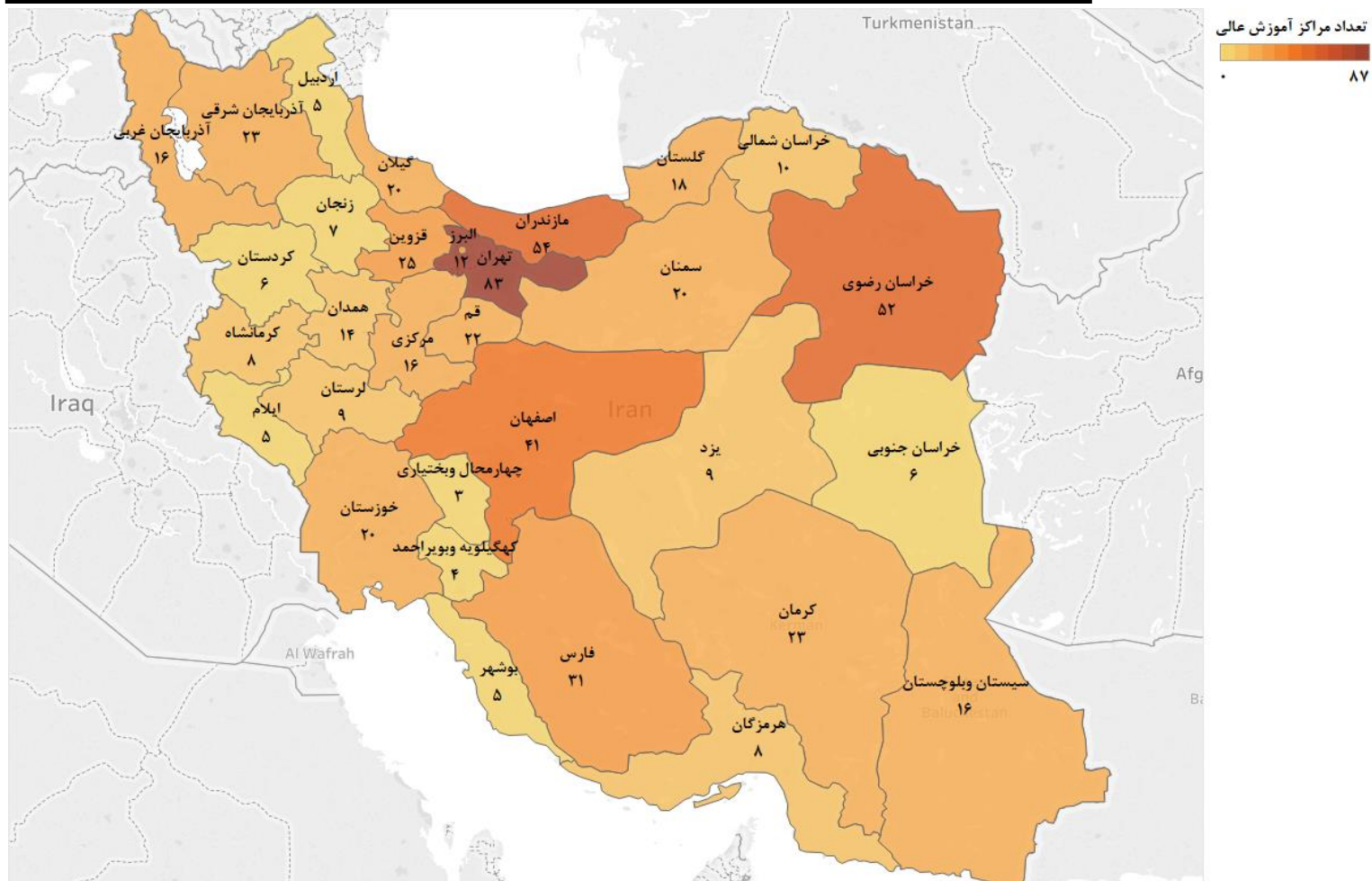
(ماخذ: محاسبات تحقیق)



نمودار ۳-۹: تعداد مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۵

ماخذ: محاسبات تحقیق

دستاوردها و چالش‌های بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵



نمودار ۳-۱۰: تعداد مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۹۵

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

همانطور که ملاحظه می‌گردد با وجود رشد بالای مراکز آموزش عالی در کشور، تعداد این مراکز در استان تهران در سال ۱۳۹۵ کمتر از سال ۱۳۵۵ می‌باشد، با این وجود تعداد مراکز آموزش عالی در سایر استان‌های کشور افزایش یافته و در هر استان به طور متوسط ۱۹ مرکز آموزش عالی وجود دارد. به منظور درک بهتر در جدول (۱-۳) سهم هر استان از تعداد مراکز آموزش عالی در بازه زمانی ۱۳۵۵-۱۳۹۵ احصاء شده است.

جدول ۱-۳: سهم هر استان از تعداد مراکز آموزش عالی (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

استان	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	% of Total
آذربایجان شرقی	۴.۲۱%	۲.۵۶%	۴.۷۷%	۳.۸۹%	تعداد % of Total ۰.۰۰% ۱۰.۰۰%
آذربایجان غربی	۲.۸۰%	۲.۵۶%	۲.۱۲%	۲.۷۱%	
اردبیل	۰.۰۰%	۰.۸۵%	۱.۰۶%	۰.۸۵%	
اصفهان	۷.۰۱%	۶.۸۴%	۷.۶۹%	۶.۹۴%	
البرز	۰.۴۷%	۰.۰۰%	۰.۸۰%	۲.۰۳%	
ایلام	۰.۰۰%	۰.۸۵%	۱.۰۶%	۰.۸۵%	
بوشهر	۰.۰۰%	۰.۸۵%	۰.۸۰%	۰.۸۵%	
تهران	۴۰.۶۵%	۲۳.۰۸%	۱۷.۵۱%	۱۴.۰۴%	
چهارمحال و بختیاری	۰.۴۷%	۱.۷۱%	۱.۰۶%	۰.۵۱%	
خراسان جنوبی	۰.۰۰%	۱.۷۱%	۱.۰۶%	۱.۰۲%	
خراسان رضوی	۵.۱۴%	۲.۵۶%	۷.۶۹%	۸.۸۰%	
خراسان شمالی	۰.۰۰%	۰.۰۰%	۱.۳۳%	۱.۶۹%	
خوزستان	۴.۲۱%	۳.۴۲%	۲.۳۹%	۳.۳۸%	
زنجان	۰.۹۳%	۱.۷۱%	۱.۳۳%	۱.۱۸%	
سمنان	۱.۸۷%	۳.۴۲%	۳.۷۱%	۳.۳۸%	
سیستان و بلوچستان	۱.۸۷%	۵.۱۳%	۲.۳۹%	۲.۷۱%	
فارس	۴.۲۱%	۵.۱۳%	۴.۲۴%	۵.۲۵%	
قزوین	۲.۳۴%	۱.۷۱%	۳.۹۸%	۴.۲۳%	
قم	۰.۴۷%	۱.۷۱%	۲.۱۲%	۳.۷۲%	
کردستان	۰.۹۳%	۲.۵۶%	۰.۸۰%	۱.۰۲%	
کرمان	۳.۷۴%	۲.۵۶%	۳.۱۸%	۳.۸۹%	
کرمانشاه	۲.۸۰%	۲.۵۶%	۱.۰۶%	۱.۳۵%	
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۰۰%	۰.۸۵%	۰.۸۰%	۰.۶۸%	
گلستان	۱.۴۰%	۲.۵۶%	۲.۳۹%	۳.۰۵%	
گیلان	۴.۲۱%	۳.۴۲%	۳.۴۵%	۳.۳۸%	
لرستان	۰.۴۷%	۱.۷۱%	۲.۳۹%	۱.۵۲%	
مازندران	۵.۱۴%	۸.۵۵%	۹.۵۵%	۹.۱۴%	
مرکزی	۰.۹۳%	۱.۷۱%	۱.۵۹%	۲.۷۱%	
هرمزگان	۰.۰۰%	۲.۵۶%	۱.۵۹%	۱.۳۵%	
همدان	۱.۸۷%	۲.۵۶%	۳.۷۱%	۲.۳۷%	
یزد	۱.۸۷%	۲.۵۶%	۲.۳۹%	۱.۵۲%	

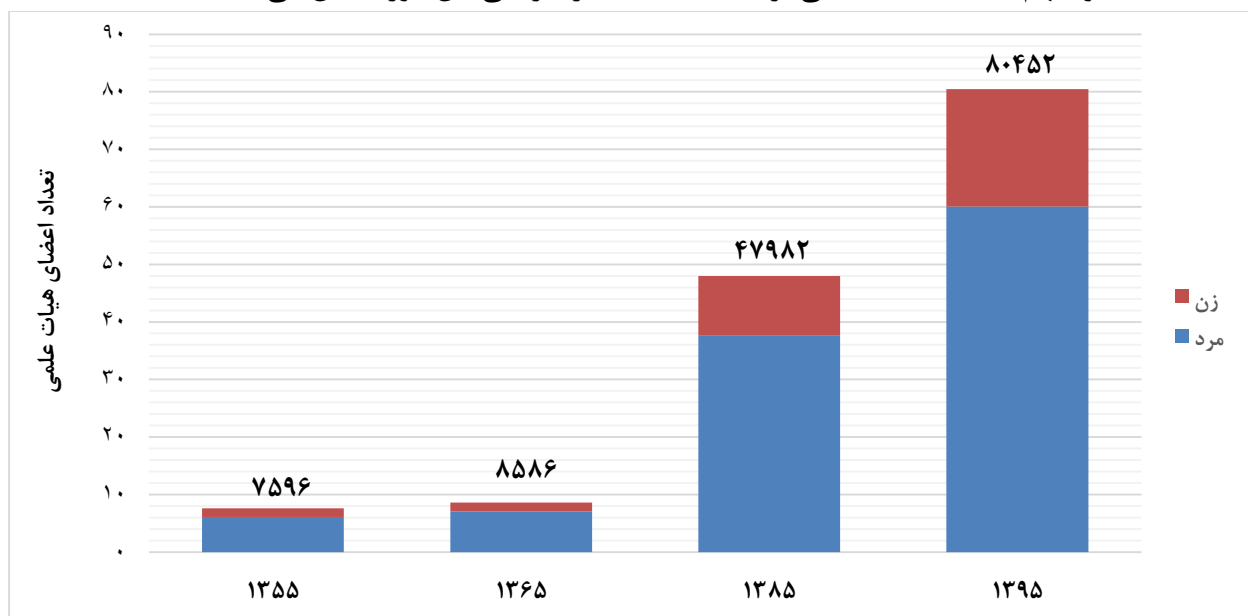
(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۳-۳- وضعیت اعضای هیات علمی

اعضای هیات علمی به عنوان بالاترین سطح تخصص در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی نقش بسیار مهمی در توسعه آموزش عالی و شکل گیری یک اقتصاد دانش بنیان ایفا می کنند. اعضای هیات علمی رشته های مختلف دانشگاهی در کشور، هر چه بیشتر بتوانند خدمات خود را با کیفیت بهتری ارائه دهند، توسعه و پیشرفت آن کشور شتاب بیشتری خواهد گرفت (جانعلی زاده و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به این که اعضای هیات علمی دارای قدرت شناختی و علمی-تخصصی کافی در نظام آموزش عالی هستند، علاوه بر نقش خود در آموزش، باید نقش برنامه ریز در آموزش را به عهده گیرند (فراستخواه و منیعی، ۱۳۹۳).

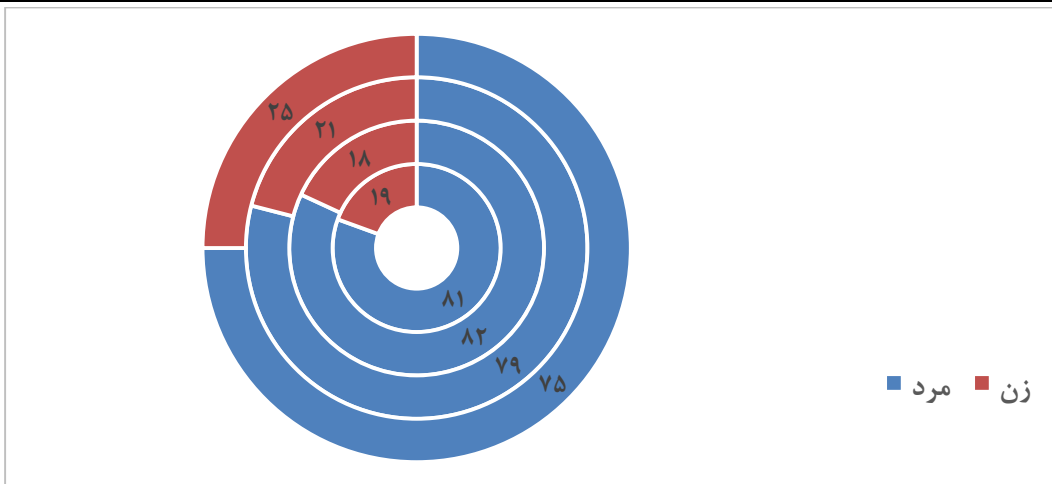
۳-۳-۱- اعضای هیات علمی بر حسب جنسیت

با افزایش تعداد دانشجویان و توسعه مراکز دانشگاهی، تعداد اعضای هیات علمی نیز در طی چهار دهه اخیر افزایش یافته و از ۷۵۹۶ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۸۰۴۵۲ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. در سال ۱۳۵۵ مردان ۸۱ درصد از اعضای هیات علمی را تشکیل می دادند. در فاصله بین سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۹۵، با وجود افزایش تعداد و سهم اعضای هیات علمی زن، همچنان ۷۵٪ از اعضای هیات علمی را مردان تشکیل می دهند. نمودارهای ۳-۱۱ و ۳-۱۲ تعداد و سهم اعضای هیات علمی بر حسب جنسیت را در طی این دوره نشان می دهد.



نمودار ۳-۱۱: تعداد اعضای هیات علمی (۱۳۵۵-۱۳۹۵) (هزار نفر)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

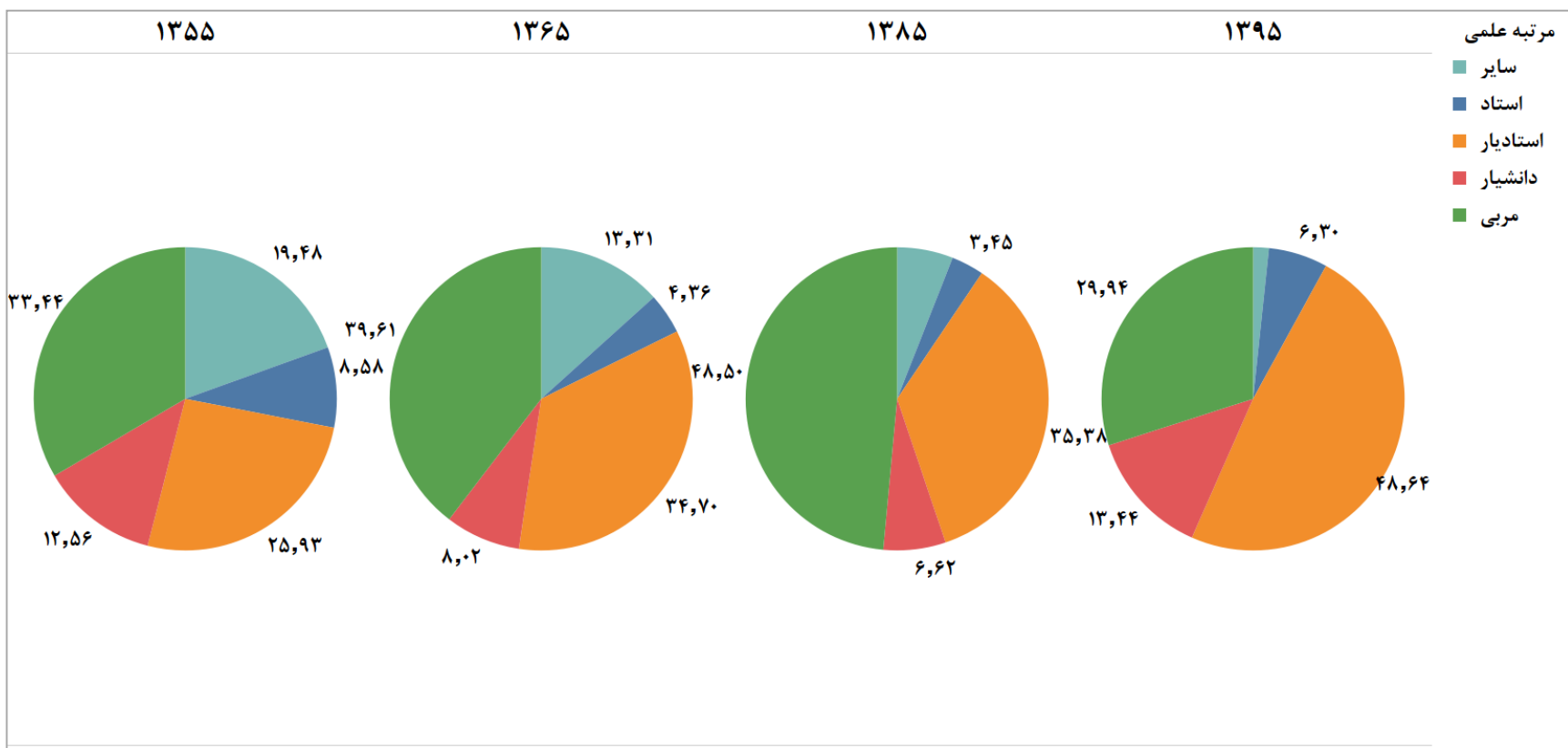


نمودار ۳-۱۲: سهم اعضای هیات علمی بر حسب جنسیت طی بازه ۱۳۹۵-۱۳۵۵ (درصد)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۳-۲-۳- اعضای هیات علمی بر حسب مراتب علمی

همانطور که عنوان شد با رشد شتابان آموزش عالی در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵، تعداد اعضای هیات علمی نیز به شدت افزایش یافت. افزایش جذب اعضای هیات علمی در این بازه زمانی، سهم اعضای هیات علمی با مراتب پایین علمی به شدت افزایش یافت. به عنوان نمونه سهم اعضای هیات علمی با مرتبه علمی مربی به ۴۸٫۵ درصد در سال ۱۳۸۵ رسید. با این وجود، کاهش رشد اعضای هیات علمی و شتاب گرفتن رشد علمی در طی ۱۰ سال اخیر منجر به بالا رفتن مرتبه علمی و تخصص اعضای هیات علمی شده است. نمودار ۳-۱۳ سهم اعضای هیات علمی را به تفکیک مرتبه علمی نشان می‌دهد.



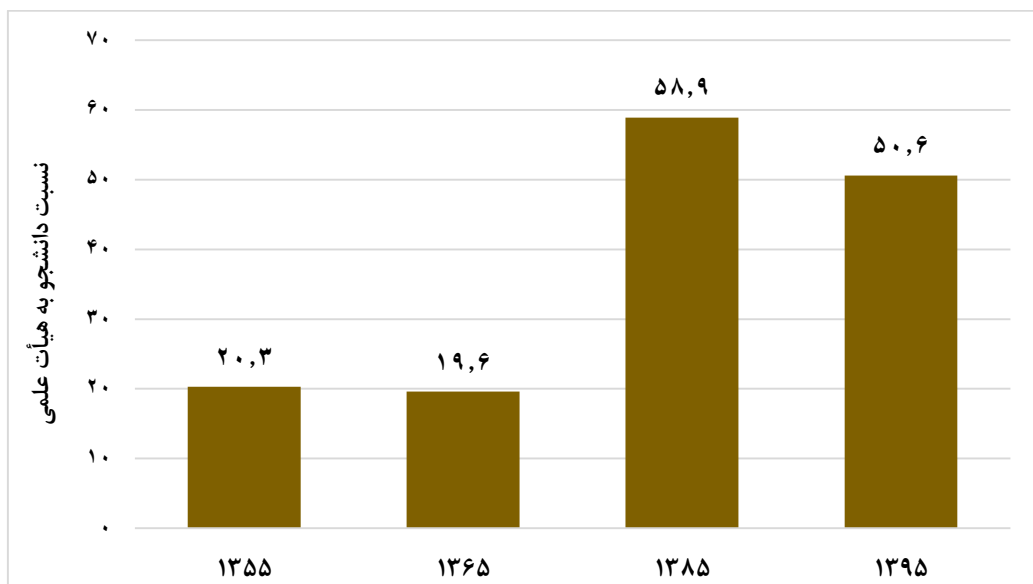
نمودار ۳-۱۳: سهم مرتبه علمی اعضای هیات علمی

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

۳-۴- نسبت دانشجو به هیأت علمی

نسبت دانشجو به هیأت علمی متغیری است که به عنوان متغیر جایگزین اندازه کلاس به کار می‌رود. این متغیر به طور معمول در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های پزشکی کمتر از سایر دانشگاه‌ها است. این نسبت را می‌توان به عنوان متغیر اصلی اثربخشی اساتید و مشارکت آنها در تولید خدمات آموزشی با کیفیت به حساب آورد.

تعداد دانشجو به هیأت علمی با اندازه کلاس همراه بوده و این باور وجود دارد که هر چه کلاس کوچکتر باشد، محیط بهتری را برای آموزش و یادگیری فراهم می‌سازد. در ایالات متحده، اروپا، چین، اروپا و بسیاری از کشورها، کاهش اندازه کلاس به عنوان یک سیاست دنبال می‌شود (کوک، ۲۰۱۴). شاخص مزبور در فاصله زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ به شدت افزایش یافته است. در ایران نسبت دانشجو به هیأت علمی از ۲۰,۳ در سال ۱۳۵۵ به ۵۸,۹ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت. در طی ده سال اخیر این نسبت کاهش یافته و به ۵۰,۶ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. افزایش بیش از دو برابری این شاخص، یادآور این موضوع است که در حوزه آموزش عالی، توسعه کیفی دانشگاه‌ها باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. نمودار ۳-۱۴ تغییرات این شاخص را نشان می‌دهد.



نمودار ۳-۱۴: نسبت دانشجو به هیأت علمی تمام وقت (۱۳۵۵-۱۳۹۵)

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در گزارش حاضر روند تحولات نظام آموزشی کشور در سه سطح وضعیت سواد و تحصیل، آموزش عمومی و آموزش عالی تجزیه و تحلیل شد. در طی دوره ۴۰ ساله بعد از انقلاب اسلامی، علاوه بر افزایش نرخ باسوادی، شکاف این نرخ در مناطق شهری و روستایی و در بین مردان و زنان به مقدار قابل توجهی کاهش یافته است. همچنین در مورد شاخص‌های میانگین سال‌های تحصیل و هرم‌های جمعیتی، رشد قابل توجه در کنار کاهش شکاف منطقه‌ای و جنسیتی مشاهده می‌گردد.

بررسی تحولات مربوط به آموزش عمومی نشان می‌دهد که در مورد دانش‌آموزان همانند موارد فوق‌الذکر، علاوه بر بهبود قابل توجه در مورد شاخص‌های مربوط به آموزش عمومی مثل پوشش تحصیلی، بچه‌های بیرون از مدرسه و فضای آموزشی، شکاف بین مناطق شهری و روستایی و شکاف جنسیتی کاهش یافته است. در رابطه با سهم بچه‌های بیرون از مدرسه بخش بزرگی از کاهش در این شاخص در طی ۱۰ سال اخیر (سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵) اتفاق افتاده است.

نظام آموزش عالی کشور در طی دوران بعد از انقلاب، گسترش زیادی پیدا کرد. افزایش شاخص‌هایی همانند تعداد دانشجویان، مراکز آموزش عالی و اعضای هیات علمی، با افزایش سهم دانشجویان دختر و تمرکززدایی از موقعیت جغرافیایی مراکز آموزش عالی همراه بود. با این وجود لازم است که بهبود برخی متغیرهای کیفی مربوط به نظام آموزش عالی مثل نسبت دانشجو به هیات علمی و وضعیت اعضای هیات علمی به تفکیک مرتبه علمی در دستور کار قرار گیرد.

در انتها و با توجه به تغییرات عنوان شده نظام آموزشی کشور در طول چهل سال اخیر، باید خاطر نشان کرد که تلاش‌های چشمگیری در توسعه آموزش به عنوان یکی از اجزای توسعه کشور صورت گرفته است. ابعاد کمی و عدالت محور در این خصوص نمایان‌تر است. آنچه باید در آینده مورد توجه قرار بگیرد، توسعه کیفی نظام آموزشی و تناسب آن با ساختار جمعیتی و اقتصادی کشور می‌باشد.

- ۱- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۰). بررسی وضعیت پوشش تحصیلی و ریشه‌کن کردن بی‌سوادی در کشور،
 - ۲- فراستخواه، مقصود و رضا معینی، (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در سیاستگذاری آموزش عالی و برنامه ریزی دانشگاهی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۰، شماره ۴، ص ۵۳-۲۹
 - ۳- محمد ستاری فر (۱۳۷۴). درآمدی بر سرمایه و توسعه- دانشگاه علامه طباطبایی
 - ۴- حکیم‌زاده، رضوان. قربانی، حسین. و ملکی، عباس. (۱۳۹۴) بررسی علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی کشور
 - ۵- فرضی‌زاده، زهرا. طالب، مهدی. و متوسلی، محمود. (۱۳۹۵). بررسی موانع تحصیل دختران روستایی (پژوهش کیفی)
 - ۶- وزارت آموزش و پرورش - مرکز برنامه ریزی نیروی انسانی-دفتر طرح و برنامه- امارنامه آموزش و پرورش - سالهای ۱۳۵۵-۱۳۶۵-۱۳۸۵-۱۳۹۵
 - ۷- موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی- امارنامه آموزش عالی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۶۵-۱۳۷۵-۱۳۸۵
 - ۸- مرکز امار ایران- سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۵۵-۱۳۶۵-۱۳۷۵-۱۳۸۵-۱۳۹۵
۱. Koc, Nizamettin., Clik, Bekir., (۲۰۱۴), The impact of number of student per teacher on student achievement, Social AND Behavioral science

جداول پیوست

میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵									
شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
کل	۱۵,۱	۲۹,۴	۴۷,۵	۶۱,۸	۷۴,۱	۷۹,۵	۸۴,۶	۸۴,۷	۸۷,۶
شهری	۳۴,۶	۵۰,۴	۶۵,۵	۷۳,۱	۸۱,۹	۸۵,۷	۸۸,۹	۸۸,۶	۹۰,۸
روستایی	۶,۱	۱۵,۱	۳۰,۵	۴۸	۶۳,۷	۶۹,۳	۷۵,۱	۷۵,۱	۷۸,۵۲

میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵									
شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
مردوزن	۱۵,۱	۲۹,۴	۴۷,۵	۶۱,۸	۷۴,۱	۷۹,۵	۸۴,۶	۸۴,۷	۸۷,۶
مرد	۲۲,۴	۴۰,۱	۸۵,۹	۷۱	۸۰,۶	۸۴,۷	۸۸,۷	۸۸,۴	۹۱,۰
زن	۸	۱۷,۹	۳۵,۵	۵۲,۱	۶۷,۱	۷۴,۲	۸۰,۳	۸۱,۱	۸۴,۲

مأخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ و آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰
میزان باسوادی: این میزان از تقسیم جمعیت ۶ ساله و بیشتر باسواد به کل جمعیت ۶ ساله و بیشتر ضریب عدد ۱۰۰ به دست می‌آید.
درس‌شماری سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ درصد باسوادی برای جمعیت ۷ ساله به بالا محاسبه شده است.

میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر نقاط شهری از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵									
شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
مرد و زن	۳۴,۶	۵۰,۴	۶۵,۵	۷۳,۱	۸۱,۹	۸۵,۷	۸۸,۹	۸۸,۶	۹۰,۸
مرد	۴۵,۹	۶۱,۵	۷۴,۴	۸۰,۴	۸۶,۷	۸۹,۶	۹۲,۹	۹۱,۵	۹۳,۵
زن	۲۲,۴	۳۸,۳	۵۵,۶	۶۵,۴	۷۶,۸	۸۱,۷	۸۵,۶	۸۵,۶	۸۸

مأخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ و آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰
میزان باسوادی: این میزان از تقسیم جمعیت ۶ ساله و بیشتر باسواد به کل جمعیت ۶ ساله و بیشتر ضریب عدد ۱۰۰ به دست می‌آید.
درس‌شماری سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ درصد باسوادی برای جمعیت ۷ ساله به بالا محاسبه شده است.

میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر نقاط روستایی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵									
شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
مرد و زن	۶,۱	۱۵,۱	۳۰,۵	۴۸	۶۳,۷	۶۹,۳	۷۵,۱	۷۵,۱	۷۸,۵۲
مرد	۱۰,۹	۲۵,۴	۴۳,۶	۵۹,۹	۷۲,۶	۷۶,۵	۸۱,۱	۸۰,۶	۸۳,۹۲
زن	۱,۲	۴,۳	۱۷,۳	۳۶	۵۴,۲	۶۲,۱	۶۸,۹	۶۹,۴	۷۲,۸۵

مأخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ و آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰
میزان باسوادی: این میزان از تقسیم جمعیت ۶ ساله و بیشتر باسواد به کل جمعیت ۶ ساله و بیشتر ضریب عدد ۱۰۰ به دست می‌آید.
درس‌شماری سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ درصد باسوادی برای جمعیت ۷ ساله به بالا محاسبه شده است.
مأخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ و آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰

دستاوردها و چالش‌های بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

تعداد کل بی‌سوادان سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵					
جنس	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
جمع کل	۱۴۲۳۵۷۶۹	۱۴۶۰۷۶۶۸	۱۰۷۱۲۷۰۲	۹۸۳۷۹۷۳	۸۷۹۵۵۵۳
جمع مرد	۵۷۲۷۶۰۴	۵۶۶۲۹۰۲	۴۰۶۸۸۵۴	۳۶۵۸۸۶۱	۳۲۲۶۵۱۸
جمع زن	۸۵۰۸۱۶۵	۸۹۴۴۷۶۶	۶۶۴۳۸۴۸	۶۱۷۹۱۱۲	۵۵۶۹۰۳۵

میانگین سال‌های تحصیلی افراد ۶ ساله و بالاتر کل					
جنس	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
مردوزن	۲,۸	۳,۶	۵,۴	۶,۹	۷,۹
مرد	۳,۵	۴,۳	۵,۸	۷,۳	۸,۳
زن	۲,۰	۲,۹	۴,۷	۶,۴	۷,۵

درصد افراد بر حسب سطح تحصیلات کل ۱۳۵۵										
جنس	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	عالی بدون مدرک	دکترئ	فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	اظهار نشده	غیررسمی
مردوزن	۵۹,۲	۱۲,۰	۱۹,۳	۰,۱	۰,۳	۰,۳	۲,۰	۰,۸	۰,۷	۵,۳
مرد	۵۷,۵	۱۲,۰	۱۹,۴	۰,۱	۰,۴	۰,۴	۲,۲	۰,۸	۰,۷	۶,۶
زن	۶۲,۱	۱۲,۲	۱۹,۳	۰,۰	۰,۱	۰,۱	۱,۶	۰,۸	۰,۸	۳,۱

درصد افراد ۶ ساله و بالاتر بر حسب تحصیلات کل ۱۳۹۵						
جنس و سن	ابتدایی / سواد آموزی	متوسطه / راهنمایی	متوسطه ۱/۲	دیپلم و پیش دانشگاهی	عالی	سایر دوره‌های ، و اظهار نشده
مردوزن	۲۹,۱	۱۸,۱	۸,۸	۲۱,۹	۲۱,۷	۰,۴
مرد	۲۷,۳	۱۹,۵	۹,۷	۲۱,۳	۲۱,۷	۰,۴
زن	۳۱,۰	۱۶,۶	۷,۹	۲۲,۴	۲۱,۷	۰,۴

پوشش تحصیلی			
مرد		زن	
مردوزن	مرد	زن	عنوان
۷۰,۷	۸۰,۵	۶۰,۱	ابتدایی
۳۱,۰	۳۵,۳	۲۶,۲	راهنمایی
۲۱,۰	۲۵,۷	۱۷,۴	متوسطه
۶۴,۰	۷۶,۰	۵۲,۱	کل دوره‌ها

پوشش تحصیلی			
مرد و زن			عنوان
کل	روستا	شهر	عنوان
۷۷,۴	۶۹,۴	۸۶,۰	ابتدایی
۳۸,۲	۲۳,۶	۵۶,۴	راهنمایی
۱۸,۴	۷,۰	۲۹,۰	متوسطه
۶۶,۲	۵۵,۴	۷۷,۲	کل دوره‌ها

پوشش تحصیلی دوره‌های تحصیلی ۱۳۸۵			
کل	روستا	شهر	عنوان
۸۸,۵	۸۶,۷	۸۹,۵	ابتدایی
۵۸,۱	۶۲,۲	۷۸,۸	راهنمایی
۴۸,۵	۳۳,۴	۵۶,۴	متوسطه
۳/۸۰	۳/۷۱	۳/۸۵	کل دوره‌ها

پوشش تحصیلی دوره‌های تحصیلی سال ۱۳۹۵			
سن	مرد و زن	مرد	زن
ابتدایی	۹۲,۷	۹۲,۸	۹۲,۷
متوسطه اول	۷۴,۰	۷۴,۸	۷۳,۲
متوسطه دوم	۵۳,۳	۶۰,۷	۴۷,۲
کل دوره‌ها	۹۰,۵	۶۴,۶	۸۸,۶

دستاوردها و چالش‌های بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

بیرون از مدرسه ۱۳۵۵			
سن	مردوزن	مرد	زن
۶ساله	۴۶۸۰۰۵	۲۰۰۳۲۸	۲۶۷۶۷۷
۷ساله	۲۹۱۹۲۳	۹۶۱۱۶	۱۹۵۸۰۷
۸ساله	۲۴۳۴۱۷	۷۰۵۲۹	۱۷۲۸۸۸
۹ساله	۱۹۸۴۷۲	۵۲۵۲۵	۱۴۵۹۴۷
۱۰ساله	۲۳۹۳۷۱	۶۶۴۹۸	۱۷۲۸۷۳
۶-۱۰ساله	۱۴۴۱۱۸۸	۴۸۵۹۹۶	۹۵۵۱۹۲
۱۱ساله	۲۰۱۹۲۱	۵۴۷۶۴	۱۴۷۱۵۷
۱۲ساله	۳۰۶۲۹۳	۱۰۰۱۵۰	۲۰۶۱۴۳
۱۳ساله	۲۸۳۴۶۴	۹۴۷۱۶	۱۸۸۷۴۸
۱۱-۱۳ساله	۷۹۱۶۷۸	۲۰۱۹۲۱	۲۰۱۹۲۱
۱۴ساله	۳۳۶۸۰۸	۱۲۵۷۳۳	۲۱۱۰۷۵
۱۵ساله	۳۸۵۱۶۵	۱۳۳۸۰۹	۲۵۱۳۵۶
۱۶ساله	۳۸۶۵۳۴	۱۴۶۹۱۹	۲۳۹۶۱۵
۱۷ساله	۴۱۹۱۹۵	۱۷۰۷۳۲	۲۴۸۴۶۳
۱۴-۱۷ساله	۱۵۲۷۷۰۲	۵۷۷۱۹۳	۹۵۰۵۰۹
جمع	۳۷۶۰۵۶۸	۱۳۱۲۸۱۹	۲۴۴۷۷۴۹

بیرون از مدرسه ۱۳۹۵			
سن	امرد و زن	مرد	زن
۶ساله	۲۳۱۸۱۱	۱۱۸۹۶۰	۱۱۲۸۵۱
۷ساله	۶۹۰۳۳	۳۵۵۸۰	۳۳۴۵۳
۸ساله	۵۹۳۳۱	۳۰۲۲۶	۲۹۱۰۵
۹ساله	۵۵۵۰۷	۲۸۳۱۹	۲۷۱۸۸
۱۰ساله	۲۹۵۰۰	۱۴۳۶۸	۱۵۱۳۲
۱۱ساله	۳۰۵۰۲	۱۴۰۳۵	۱۶۴۶۷
۱۲ساله	۴۵۳۴۲	۱۸۵۲۳	۲۶۸۱۹
۱۳ساله	۶۱۵۰۳	۲۳۵۶۷	۳۷۹۳۶
۱۴ساله	۸۶۶۷۲	۳۳۷۰۹	۵۲۹۶۳
۱۵ساله	۱۲۹۰۴۸	۵۳۵۰۱	۷۵۵۴۷
۱۶ساله	۱۹۲۰۶۲	۸۵۲۶۰	۱۰۶۸۰۲
۱۷ساله	۳۳۶۵۵۴	۱۵۹۲۴۷	۱۷۷۳۰۷
جمع	۱۳۲۶۸۶۵	۶۱۵۲۹۵	۷۱۱۵۷۰

تعداد دانش‌آموزان بر حسب مقطع تحصیلی							
سال	کودکستان	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان‌های عمومی	استثنایی	آموزش فنی و حرفه‌ای	جمع
۱۳۵۵	۲۱۱۸۶۹	۴۷۶۸۵۸۸	۱۳۶۸۹۱۰	۷۴۰۴۷۱	۶۸۴۳	۲۰۱۴۷۲	۷۲۹۸۱۵۳
۱۳۶۵	۱۲۳۴۳۷	۷۲۳۲۸۲۰	۲۲۹۹۵۱۰	۱۰۷۶۷۶۲	۲۱۷۵۲	۲۰۱۲۵۹	۱۰۹۵۵۵۴۰
۱۳۸۵	۵۵۲۹۳۲	۵۸۲۷۸۵۱	۳۹۳۸۶۶۱	۳۳۳۲۶۷۱	۶۷۸۸۲	۷۷۴۷۳۴	۱۴۴۹۴۷۳۱
۱۳۹۵	۸۳۷۱۲۹	۷۶۴۸۷۶۵	۳۱۱۲۲۴۳	۱۵۶۴۵۷۰	۷۳۶۱۶	۶۲۳۵۸۹	۱۳۸۵۹۹۱۲

تعداد دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت و محل سکونت									
سال	کل			شهر			روستا		
	گل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر
۱۳۵۵	۷۲۹۸۱۵۳	۴۵۴۳۰۶۰	۲۷۵۵۰۹۳	۴۳۷۸۳۰۱	۲۵۲۱۰۷۹	۱۸۵۷۲۲۲	۲۹۱۹۸۵۲	۲۰۲۱۹۸۱	۸۹۷۸۷۱
۱۳۶۵	۱۰۹۵۵۵۴۰	۶۳۱۲۱۴۴	۴۶۴۳۳۹۶	۶۴۹۴۱۲۱	۳۵۵۶۴۶۱	۲۹۳۷۶۶۰	۴۴۶۱۴۱۹	۲۷۵۵۶۸۳	۱۷۰۵۷۳۶
۱۳۸۵	۱۴۴۹۴۷۳۱	۷۴۶۱۱۸۱	۷۰۳۷۰۵۰	۱۰۴۰۵۰۶۲	۵۲۷۴۴۹۶	۵۱۳۰۵۶۶	۴۰۹۳۱۶۹	۲۱۸۶۶۸۵	۱۹۰۶۴۸۴
۱۳۹۵	۱۳۸۵۹۹۱۲	۷۱۲۹۲۱۵	۶۷۳۰۶۹۷	۱۰۵۹۹۲۶۶	۵۴۱۹۹۵۹	۵۱۷۹۳۰۷	۳۲۶۰۶۴۶	۱۷۰۹۲۵۶	۱۵۵۱۳۹۰

سهم هر یک از سطوح از کل تعداد دانش‌آموزان							
سال	کودکستان	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان‌های عمومی	استثنایی	آموزش فنی و حرفه‌ای	جمع
۱۳۵۵	۲,۹	۶۵,۳	۱۸,۸	۱۰,۱	۰,۱	۲,۸	۱۰۰,۰
۱۳۶۵	۱,۱	۶۶,۰	۲۱,۰	۹,۸	۰,۲	۱,۸	۱۰۰,۰
۱۳۸۵	۳,۸	۴۰,۲	۲۷,۲	۲۳,۰	۰,۵	۵,۳	۱۰۰,۰
۱۳۹۵	۶,۰	۵۵,۲	۲۲,۵	۱۱,۳	۰,۵	۴,۵	۱۰۰,۰

دزدد دانش‌آموزان شهری و روستایی						
جنسیت/سال	دانش‌آموز شهری			دانش‌آموز روستایی		
	پسر	دختر	جمع	پسر	دختر	جمع
۱۳۵۵	۵۵,۵	۶۷,۴	۶۰,۰	۴۴,۵	۳۲,۶	۴۰,۰
۱۳۶۵	۵۶,۳	۶۳,۳	۵۹,۳	۴۳,۷	۳۶,۷	۴۰,۷
۱۳۸۵	۷۰,۷	۷۲,۹	۷۱,۸	۲۹,۳	۲۷,۱	۲۸,۲
۱۳۹۵	۷۶,۰	۷۷,۰	۷۶,۵	۲۴,۰	۲۳,۰	۲۳,۵

دستاوردها و چالش‌های بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

تعداد ساختمان (آموزش عمومی)					
سال	کودکستان	دبستان‌های عادی	مدارس راهنمایی تحصیلی	دبیرستان‌ها و مدارس فنی و حرفه‌ای	جمع
۱۳۵۵	۹۷۸	۲۲۲۲۸	۳۵۲۱	۱۲۰۷	۲۷۹۳۴
۱۳۶۵	۷۲۳	۴۵۳۲۴	۹۸۸۱	۳۳۶۴	۵۹۲۹۲
۱۳۸۵	۹۲۲	۵۳۰۸۹	۱۷۶۱۷	۱۴۰۰۱	۸۵۶۲۹
۱۳۹۵	موجود نیست	۶۵۷۶۷	۲۵۴۳۶	۲۴۱۲۰	۱۱۵۳۳۳

تعداد کارکنان آموزش و پرورش							
نوع اشتغال / سال	کارمندان در استخدام دولت			خدمتگزاران در استخدام دولت			جمع کارکنان و خدمتگذاران
	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	
۱۳۵۵	۱۲۷۰۳۵	۱۲۸۳۳۷	۲۵۵۳۷۲	۲۲۸۱۹	۵۷۹۶	۲۸۶۱۵	۲۸۳۹۸۷
۱۳۶۵	۲۶۴۴۹۷	۲۱۴۰۲۱	۴۷۸۵۱۸	۳۹۸۴۰	۸۰۶۸	۴۷۹۰۸	۵۲۶۴۲۶
۱۳۸۵	۴۳۶۰۲۷	۴۸۱۹۸۱	۹۱۸۰۰۸	۳۴۳۸۹	۸۱۳۱	۴۲۵۲۰	۹۶۰۵۲۸
۱۳۹۵	۳۵۹۳۷۳	۴۵۷۱۵۶	۸۱۶۵۲۹	۵۱۰۱۹	۱۶۱۴۵	۶۷۱۶۴	۸۸۳۶۹۳

سال	سهم معلم از کل کارکنان						
	کودکستان	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان‌های عمومی	استثنایی	آموزش فنی و حرفه‌ای	جمع
۱۳۵۵	۷۲,۰	۷۱,۹	۶۴,۳	۶۵,۴	۷۶,۱	۳۸,۰	۶۸,۰
۱۳۶۵	۸۱,۴	۷۲,۴	۶۳,۳	۶۳,۶	۶۷,۳	۶۴,۶	۶۸,۸
۱۳۸۵	۸۸,۸	۷۶,۹	۶۴,۶	۵۷,۲	موجود نیست	موجود نیست	۶۵,۸
۱۳۹۵	موجود نیست	۶۹,۲	۷۱,۱	۶۰,۸	موجود نیست	موجود نیست	۶۴,۵

سهم جنسیتی معلمان در مقاطع مختلف تحصیلی														
سال	کودکستان		دبستان		راهنمایی		دبیرستان		استثنایی		آموزش فنی و حرفه‌ای		جمع	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۵۵	۰٫۱	۹۹٫۹	۴۳٫۷	۵۶٫۳	۴۹٫۸	۵۰٫۲	۷۲٫۲	۲۷٫۸	۲۴٫۵	۷۵٫۵	۹۸٫۶	۱٫۴	۴۷٫۴	۵۲٫۶
۱۳۶۵	۰٫۱	۹۹٫۹	۴۸٫۳	۵۱٫۷	۶۰٫۸	۳۹٫۲	۶۵٫۳	۳۴٫۷	۴۰٫۲	۵۹٫۸	۹۹٫۹	۰٫۱	۵۳٫۸	۴۶٫۲
۱۳۸۵	۱۳٫۳	۸۶٫۷	۴۴٫۵	۵۵٫۵	۴۹٫۶	۵۰٫۴	۴۷٫۲	۵۲٫۸					۴۵٫۹	۵۴٫۱
۱۳۹۵			۳۲٫۴	۶۷٫۶	۴۶٫۸	۵۳٫۲	۴۰٫۶	۵۹٫۴	۲۵٫۸	۷۴٫۲	۵۳٫۵	۴۶٫۵	۳۹٫۱	۶۰٫۹

سال	نسبت دانش آموز به معلم						جمع
	کودکستان	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان‌های عمومی	استثنایی	آموزش فنی و حرفه‌ای	
۱۳۵۵	۲۸٫۹	۴۰٫۵	۳۰٫۹	۴۰٫۴	۸٫۴	۴۴٫۲	۳۷٫۸
۱۳۶۵	۲۲٫۱	۳۳٫۵	۲۶٫۱	۲۶٫۷	۸٫۲	۲۰٫۷	۳۰٫۲
۱۳۸۵	۳۸٫۱	۲۲٫۰	۲۲٫۹	۲۲٫۶	موجود نیست	موجود نیست	۲۲٫۹
۱۳۹۵		۲۸٫۹	۲۱٫۸	۱۶٫۴	۴٫۹	۱۲٫۱	۲۴٫۳

سال	نسبت دانش آموز به کارکنان						جمع
	کودکستان	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان‌های عمومی	استثنایی	آموزش فنی و حرفه‌ای	
۳۵۵	۲۰٫۸	۲۹٫۱	۱۹٫۸	۲۶٫۴	۶٫۴	۱۶٫۸	۲۵٫۷
۱۳۶۵	۱۸٫۰	۲۴٫۳	۱۶٫۶	۱۷٫۰	۵٫۵	۱۳٫۴	۲۰٫۸
۱۳۸۵	۳۳٫۸	۱۶٫۹	۱۴٫۸	۱۲٫۹	۴٫۱	موجود نیست	۱۵٫۱
۱۳۹۵		۲۰٫۰	۱۴٫۶	۹٫۰			۱۵٫۷

دستاوردها و چالش‌های بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

تعداد معلمان دوره‌های تحصیلی			
سال	جمع معلمان		
	مرد	زن	جمع
۱۳۵۵	۹۱۴۶۸	۱۰۱۵۷۸	۱۹۳۰۴۶
۱۳۶۵	۱۹۴۹۶۴	۱۶۷۳۰۵	۳۶۲۲۶۹
۱۳۸۵	۲۹۰۵۲۷	۳۴۱۹۳۸	۶۳۲۴۶۵
۱۳۹۵	۲۲۳۱۱۲	۳۴۶۷۸۰	۵۶۹۸۹۲

سال	تعداد دانشجویان در هر گروه تحصیلی						
	پزشکی	علوم انسانی	علوم پایه	فنی و مهندسی	کشاورزی و دامپروری	هنر	جمع
۱۳۵۵	۱۹۲۳۵	۶۱۷۵۶	۲۷۳۱۷	۳۴۴۱۱	۶۸۳۷	۴۶۵۹	۱۵۴۲۱۵
۱۳۶۵	۳۷۹۱۰	۵۸۸۱۵	۱۵۱۷۲	۴۳۷۷۴	۷۶۰۳	۴۵۷۰	۱۶۷۸۴۴
۱۳۸۵	۱۴۰۶۳۰	۱۳۴۹۲۸۵	۳۱۹۹۱۷	۷۵۴۱۹۰	۱۶۰۹۹۹	۱۰۳۵۰۷	۲۸۲۸۵۲۸
۱۳۹۵	۲۵۱۷۲۲	۱۹۱۲۰۵۳	۲۴۱۰۳۳	۱۱۷۶۷۳۰	۱۶۰۳۲۰	۳۳۱۹۵۹	۴۰۷۳۸۱۷

سال	تعداد دانشجویان در هر مقطع تحصیلی					
	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری حرفه‌ای	دکتری تخصصی	جمع
۱۳۵۵	۴۸۲۴۹	۸۹۲۹۵	۶۶۲۲	۱۰۰۴۹		۱۵۴۲۱۵
۱۳۶۵	۳۶۷۰۸	۱۰۵۹۶۰	۵۷۳۱	۱۸۷۷۴	۷۹۸	۱۶۷۹۷۱
۱۳۸۵	۷۳۶۷۷۵	۱۹۱۰۹۵۴	۱۱۷۸۷۶	۴۰۹۰۷	۲۲۰۱۶	۲۸۲۸۵۲۸
۱۳۹۵	۷۴۸۶۲۶	۲۳۳۵۸۴۴	۷۶۴۳۷۰	۸۴۴۲۹	۱۴۰۵۵۸	۴۰۷۳۸۱۷

سهم تعداد دانشجو در هر گروه تحصیلی							
سال	پزشکی	علوم انسانی	علوم پایه	فنی و مهندسی	کشاورزی و دامپروری	هنر	جمع
۱۳۵۵	۱۲,۵	۴۰,۰	۱۷,۷	۲۲,۳	۴,۴	۳,۰	۱۰۰
۱۳۶۵	۲۲,۶	۳۵,۰	۹,۰	۲۶,۱	۴,۵	۲,۷	۱۰۰
۱۳۸۵	۵,۰	۴۷,۷	۱۱,۳	۲۶,۷	۵,۷	۳,۷	۱۰۰
۱۳۹۵	۶,۲	۴۶,۹	۵,۹	۲۸,۹	۳,۹	۸,۱	۱۰۰

سهم تعداد دانشجو در هر سطح تحصیلی						
سال	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری حرفه‌ای	دکتری تخصصی	جمع
۱۳۵۵	۳۱,۳	۵۷,۹	۴,۳	۶,۵	۰,۰	۱۰۰
۱۳۶۵	۲۱,۹	۶۳,۱	۳,۴	۱۱,۲	۰,۵	۱۰۰
۱۳۸۵	۲۶,۰	۶۷,۶	۴,۲	۱,۴	۰,۸	۱۰۰
۱۳۹۵	۱۸,۴	۵۷,۳	۱۸,۸	۲,۱	۳,۵	۱۰۰

سال	نسبت دانشجو به هیات علمی تمام وقت
۱۳۵۵	۲۰,۳
۱۳۶۵	۱۹,۶
۱۳۸۵	۵۸,۹
۱۳۹۵	۵۰,۶

سال	سهم جنسیتی اعضای هیات علمی تمام وقت	
	مرد	زن
۱۳۵۵	۸۰,۶	۱۹,۴
۱۳۶۵	۸۱,۹	۱۸,۱
۱۳۸۵	۷۸,۶	۲۱,۴
۱۳۹۵	۷۴,۶	۲۵,۴

کل اعضای هیات علمی			
سال	مرد	زن	جمع
۱۳۵۵			۷۵۹۶
۱۳۶۵	۷۰۳۱	۱۵۵۵	۸۵۸۶
۱۳۸۵	۳۷۷۰۳	۱۰۲۷۹	۴۷۹۸۲
۱۳۹۵			۸۰۴۵۲

دستاوردها و چالش‌های بخش‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

سطح	سهم هر یک از مراتب علمی				
	استاد	دانشیار	استادیار	مربی	سایر
۱۳۵۵	۸,۶	۱۲,۶	۲۵,۹	۳۳,۴	۱۹,۵
۱۳۶۵	۴,۴	۸,۰	۳۴,۷	۳۹,۶	۱۳,۳
۱۳۸۵	۳,۵	۶,۶	۳۵,۴	۴۸,۵	۶,۰
۱۳۹۵	۶,۳	۱۳,۴	۴۸,۶	۲۹,۹	۱,۷

سال / استان	تعداد مراکز آموزش عالی استان‌ها			
	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
آذربایجان شرقی	۹	۳	۱۸	۲۳
آذربایجان غربی	۶	۳	۸	۱۶
اردبیل	۰	۱	۴	۵
اصفهان	۱۵	۸	۲۹	۴۱
البرز	۱	۰	۳	۱۲
ایلام	۰	۱	۴	۵
بوشهر	۰	۱	۳	۵
تهران	۸۷	۲۷	۶۶	۸۳
چهارمحال و بختیاری	۱	۲	۴	۳
خراسان جنوبی	۰	۲	۴	۶
خراسان رضوی	۱۱	۳	۲۹	۵۲
خراسان شمالی	۰	۰	۵	۱۰
خوزستان	۹	۴	۹	۲۰
زنجان	۲	۲	۵	۷
سمنان	۴	۴	۱۴	۲۰
سیستان و بلوچستان	۴	۶	۹	۱۶
فارس	۹	۶	۱۶	۳۱
قزوین	۵	۲	۱۵	۲۵
قم	۱	۲	۸	۲۲
کردستان	۲	۳	۳	۶
کرمان	۸	۳	۱۲	۲۳
کرمانشاه	۶	۳	۴	۸
کهگیلویه و بویراحمد	۰	۱	۳	۴
گلستان	۳	۳	۹	۱۸
گیلان	۹	۴	۱۳	۲۰
لرستان	۱	۲	۹	۹
مازندران	۱۱	۱۰	۳۶	۵۴
مرکزی	۲	۲	۶	۱۶
هرمزگان	۰	۳	۶	۸
همدان	۴	۳	۱۴	۱۴
یزد	۴	۳	۹	۹
جمع	۲۱۴	۱۱۷	۳۷۷	۵۹۱